



جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور خارجه

# گزارش سالانه نقض حقوق بشر توسط آمریکا

سپتامبر ۲۰۲۴ - سپتامبر ۲۰۲۵

معاونت امور حقوقی و بین‌المللی



گزارش سالانه  
نقض حقوق بشر توسط آمریکا

سپتامبر ۲۰۲۴ – سپتامبر ۲۰۲۵

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران  
معاونت امور حقوقی و بین‌المللی

بر اساس تبصره سوم قانون «افشای نقض حقوق بشر توسط آمریکا و انگلیس در جهان امروز» مصوبه سوم اردیبهشت ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی، وزارت امور خارجه موظف است سالانه گزارش نقض حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا را تهیه و در روز سیزدهم آبان ماه منتشر نماید

## فهرست مطالب

|    |                                                                          |
|----|--------------------------------------------------------------------------|
| ۷  | پیام دکتر کاظم غریب آبادی معاون امور حقوقی و بین المللی وزارت امور خارجه |
| ۹  | چکیده                                                                    |
| ۱۱ | بخش اول: نقض حقوق بشر در سطح ملی                                         |
| ۱۳ | فصل اول : نقض حق حیات، آزادی و امنیت فردی                                |
| ۱۳ | ۱. خشونت مسلحانه                                                         |
| ۱۴ | ۲. تیراندازی دسته جمعی                                                   |
| ۱۵ | ۳. خشونت پلیس                                                            |
| ۱۷ | ۴. استقرار گارد ملی                                                      |
| ۱۹ | ۵. مجازات اعدام                                                          |
| ۲۰ | فصل دوم: نقض حقوق زندانیان                                               |
| ۲۰ | ۱. شرایط غیرانسانی زندان‌ها                                              |
| ۲۱ | ۲. بازداشت پیش از محاکمه                                                 |
| ۲۳ | ۳. استفاده از سلول انفرادی                                               |
| ۲۴ | ۴. زندان گوانتانامو                                                      |
| ۲۷ | فصل سوم : نقض آزادی بیان و تجمعات مسالمت آمیز                            |
| ۲۷ | ۱. نقض آزادی بیان                                                        |
| ۳۱ | ۲. نقض آزادی تجمعات مسالمت آمی                                           |
| ۳۳ | ۳. محدود کردن رسانه ها                                                   |
| ۳۵ | فصل چهارم : تبعیض و نژادپرستی ساختاری                                    |
| ۳۵ | ۱. تبعیض و شکاف اقتصادی                                                  |
| ۳۸ | ۲. تبعیض و شکاف قضایی                                                    |
| ۴۰ | ۳. افزایش جرایم ناشی از نفرت                                             |
| ۴۲ | ۴. تبعیض و حقوق بومیان                                                   |
| ۴۵ | فصل پنجم: نقض حقوق مهاجران و پناهجویان                                   |
| ۴۵ | ۱. نظامی سازی سیاست مهاجرتی                                              |
| ۴۸ | ۲. شرایط نامناسب بازداشتگاه های مهاجران                                  |
| ۴۹ | ۳. اخراج‌های اجباری به کشورهای ثالث                                      |
| ۵۳ | ۴. بازداشت و نقض حقوق ایرانیان مهاجر مقیم آمریکا                         |
| ۵۵ | فصل ششم: نقض حقوق زنان                                                   |
| ۵۵ | ۱. خشونت علیه زنان                                                       |
| ۵۵ | ۲. خشونت خانگی                                                           |
| ۵۷ | ۳. نابرابری اقتصادی زنان                                                 |

|     |                                                                                                     |
|-----|-----------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۵۸  | <b>فصل هفتم: حقوق کودکان</b>                                                                        |
| ۵۹  | ۱. تأثیر سیاست‌های مهاجرتی بر کودکان                                                                |
| ۵۹  | ۲. نگهداری کودکان در بازداشتگاه‌های مرزی                                                            |
| ۶۰  | ۳. تیراندازی در مدارس                                                                               |
| ۶۰  | ۴. کار پنهان کودک                                                                                   |
| ۶۱  | ۵. تبعیض نژادی و کودکان                                                                             |
| ۶۲  | ۶. محاکمه کودکان به‌عنوان بزرگسال                                                                   |
| ۶۳  | <b>فصل هشتم: نابرابری و توزیع ناعادلانه ثروت</b>                                                    |
| ۶۳  | ۱. شکاف اقتصادی ساختاری                                                                             |
| ۶۴  | ۲. بحران فقر و بی‌خانمانی                                                                           |
| ۶۷  | ۳. کاهش بودجه سلامت و کمک‌های رفاهی                                                                 |
| ۷۱  | <b>بخش دوم: نقض حقوق بشر در سطح فراملی و بین‌المللی</b>                                             |
| ۷۳  | <b>فصل اول : حمایت از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه</b>                                             |
| ۷۳  | ۱. حمایت تسلیحاتی از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه                                                  |
| ۷۵  | ۲. حمایت تکنولوژیک از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه                                                 |
| ۷۶  | ۳. حمایت سیاسی از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه                                                     |
| ۷۸  | ۴. تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی                                                                |
|     | ۵. تحریم گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی |
| ۸۱  | ۶. تحریم و سرکوب مدافعان حقوق بشر فلسطینیان                                                         |
| ۸۳  | <b>فصل دوم: عملیات نظامی فرامرزی و تلفات غیرنظامیان</b>                                             |
| ۸۶  | ۱. حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران                                                                    |
| ۸۷  | ۲. همکاری با رژیم اسرائیل در تجاوز نظامی به ایران                                                   |
| ۹۰  | <b>فصل سوم: اقدامات قهرآمیز یکجانبه</b>                                                             |
| ۹۰  | ۱. اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران                                                             |
| ۹۳  | ۲. اعمال تحریم علیه سایر کشورها                                                                     |
| ۹۴  | <b>فصل چهارم: خروج از سازمان‌های بین‌المللی</b>                                                     |
| ۹۴  | ۱. خروج از سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)                                           |
| ۹۵  | ۲. خروج از سازمان بهداشت جهانی                                                                      |
| ۹۶  | ۳. خروج از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد                                                           |
| ۹۷  | ۴. قطع کمک مالی ایالات متحده آمریکا                                                                 |
| ۱۰۳ | <b>نتیجه‌گیری</b>                                                                                   |

## پیام دکتر کاظم غریب‌آبادی، معاون امور حقوقی و بین‌المللی

### وزارت امور خارجه

امروزه انحراف مباحث حقوق بشری از حوزه انسانی و تبدیل آن به ابزار قدرت و اعمال فشار در عرصه مناسبات میان دولت‌ها یکی از جدی‌ترین تهدیداتی است که حقوق بشر با آن مواجه است و ممکن است این پدیده و دستاورد بشری که ریشه در باورها و اندیشه‌های انسانی و دینی و اخلاقی نسل‌های مختلف بشر دارد، را از مسیر طبیعی و اخلاقی خود خارج نماید.

داعیه دفاع از حقوق بشر یکی از مهمترین شعارها و ادعاهای فاقد اعتبار مقامات انگلیسی در نظام بین‌الملل به حساب می‌آید. اما علی‌رغم تمام این ادعاها، اقدامات ضدحقوق بشری انگلیس در همه ابعاد داخلی و بین‌المللی مؤید این واقعیت است که دولتمردان این کشور که همواره خود را مدعی حقوق بشر معرفی می‌کنند و به حقوق بشر و تحولات حقوق بشری در دیگر کشورها براساس ترجیحات و منافع سیاسی خود نگاه می‌کنند، در واقع حقوق بشر را ابزاری برای ادامه سیاست‌های استعماری گذشته خود، اما در شکلی جدید و به ظاهر اخلاقی و انسانی، برای سلطه ذهنی و فکری و شناختی بر دیگر ملت‌ها، مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند.

در گزارش پیش‌رو، تلاش شده است تا با استناد به آخرین گزارش‌های رسمی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری و منابع معتبر راستی‌آزمایی شده بین‌المللی، بخشی از موارد نقض حقوق بشر توسط انگلیس در بعد داخلی و بین‌المللی در بازه زمانی یک ساله مورد توجه قرار گیرد. این گزارش در واقع یکی از ده‌ها دلیلی است که ادعاهای حقوق بشری انگلیس نسبت به دیگر کشورها را بی اعتبار می‌کند.

## چکیده

ادعای ایالات متحده آمریکا در زمینه دفاع از حقوق بشر، علی‌رغم آن‌که یکی از شعارهای محوری سیاست خارجی این کشور در عرصه بین‌الملل به شمار می‌رود، در عمل فاقد پشتوانه‌ی واقعی است و منطبق بر معیارهای جهانی حقوق بشر نمی‌باشد. نه‌تنها وضعیت داخلی حقوق بشر در ایالات متحده با چالش‌ها و موارد متعدد نقض مواجه است، بلکه عملکرد این کشور در سطح بین‌المللی نیز گواهی روشن بر استفاده ابزاری و گزینشی از مفهوم حقوق بشر است.

راهبردهای مداخله‌جویانه و نظامی‌گرایانه ایالات متحده، که با توسل به زور و با اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی همراه است، به‌ویژه در قبال کشورهای مستقل، نشان‌دهنده بهره‌برداری ابزاری از مفهوم حقوق بشر برای تأمین منافع ژئوپلیتیکی و اقتصادی است. دخالت‌های مکرر این کشور در امور داخلی سایر دولت‌ها، بی‌ثبات‌سازی ساختارهای حاکمیتی، و حمایت از اقدامات ناقض حقوق بشر در دیگر مناطق جهان، از جمله شواهدی است که ادعاهای حقوق بشری آن را زیر سؤال می‌برد.

این گزارش وقایع رخ داده از سپتامبر ۲۰۲۴ تا سپتامبر ۲۰۲۵ را پوشش می‌دهد، بنابراین توصیه می‌شود که در ادامه گزارش‌های سال‌های گذشته در نظر گرفته شود تا نگاه جامعی نسبت به روند نقض حقوق بشر این کشور برای خواننده ترسیم شد. در طول بازه زمانی تهیه گزارش اقدامات ضدحقوق بشری ایالات متحده آمریکا در عرصه داخلی و بین‌المللی و رویکرد ریاکارانه این کشور در ادعای رهبری حقوق بشر جهانی به‌طور بارزی ادامه یافته است. مصادیق حقوق بشر در سطح داخلی آمریکا با افزایش خشونت مسلحانه، استفاده غیرقانونی از قوای قهریه توسط پلیس آمریکا علیه اقلیت‌ها و تبعیض هدفمند علیه سیاهپوستان به وسیله پلیس و دستگاه قضایی، فقر و بی‌خانمانی و نابرابری، رفتار خشونت آمیز با زندانیان، خشونت علیه زنان، نظامی‌سازی



سیاست مهاجرتی، نقض حقوق کودکان، نقض حقوق بومیان، تبعیض نژادی، سرکوب آزادی بیان و تجمعات مسالمت‌آمیز و ... افزایش یافته است.

آمریکا با بهره‌برداری ابزاری از مفاهیم حقوق بشر، به‌عنوان پوششی برای مداخلات خود و همدستی آشکار با رژیم صهیونیستی در نقض سیستماتیک حقوق بشر فلسطینیان و نسل‌کشی غزه عمل کرده است. این نقض‌ها شامل حمایت سیاسی و نظامی بی‌قید و شرط از نسل‌کشی رژیم اسرائیل در غزه است.

آشکار شدن سیاست عدم پابندی ایالات متحده به چارچوب‌ها و موازین بین‌المللی حقوق بشر، که با خروج این کشور از شورای حقوق بشر به صورت رسمی اعلام گردید، نه‌تنها حکایت از فرار این کشور از نظارت سازوکارهای حقوق بشری بر وضعیت حقوق بشر در این کشور دارد، بلکه به نظر می‌رسد با هدف تضعیف اعتبار و کارآمدی نهادهای بین‌المللی حقوق بشری انجام شده که نشان‌دهنده تداوم سیاست‌های خصمانه، یک‌جانبه‌گرایانه و ضد حقوق بشری این کشور است.

**بخش اول:**

**نقض حقوق بشر در سطح ملی**

## فصل اول: نقض حق حیات، آزادی و امنیت فردی

### ۱. خشونت مسلحانه

خشونت مسلحانه در ایالات متحده آمریکا همچنان یکی از جدی‌ترین تهدیدها علیه حق حیات، آزادی و امنیت فردی به شمار می‌رود. با وجود تعهدات بین‌المللی این کشور، ایالات متحده تاکنون در کنترل و مقابله مؤثر با این پدیده ناکام بوده است که این امر منجر به تداوم و افزایش موارد مرگ و میر قابل پیشگیری شده است. در حالی که مقام‌های آمریکایی بر متمم دوم قانون اساسی و حق مالکیت سلاح تأکید دارند، گسترش بی‌رویه و گسترده سلاح‌های گرم، به‌ویژه سلاح‌های شبه‌نظامی، به‌طور مستقیم با تعهد این کشور برای حفاظت از حق ذاتی حیات در تعارض قرار دارد.

مطابق گزارش‌ها، به ازای هر ۱۰۰ نفر در آمریکا، ۱۲۰ قبضه سلاح گرم وجود دارد؛ آماري که ایالات متحده را به تنها کشوری در جهان تبدیل کرده است که تعداد سلاح‌های گرم آن از جمعیتش بیشتر است. تبعات جسمی و روانی بحران خشونت مسلحانه به شکل نامتناسبی بر دوش جوانان این کشور قرار دارد.

کارشناسان بر این باورند که دسترسی آسان به سلاح گرم نقش قابل توجهی در میزان بالای مرگ و میر ناشی از اقدام به خودکشی دارد؛ به گونه‌ای که تقریباً ۹۰٪ از خودکشی‌های انجام شده با استفاده از سلاح گرم منجر به مرگ می‌شود. گزارش موسسات حقوق بشری حاکی از آن است که خودکشی یکی از بحران‌های رو به رشد در ایالات متحده است و اسلحه‌ها این بحران را تشدید می‌کنند.<sup>۱</sup>

در بازه زمانی تهیه گزارش، ایالات متحده با آمار نگران‌کننده‌ای از خشونت‌های مرتبط با سلاح گرم مواجه بوده است:<sup>۲</sup>

1. <https://publichealth.jhu.edu/2025/new-report-highlights-us-2023-gun-deaths-suicide-by-firearm-at-record-levels-for-third-straight-year>

2. <https://www.gunviolencearchive.org/>

تعداد کل قربانیان (شامل قتل عمد، غیرعمد، و استفاده دفاعی): ۱۰,۸۷۱ نفر جان خود را از دست داده‌اند.

\* تعداد کل مجروحان: ۱۹,۸۶۷

\* تیراندازی‌های جمعی: ۳۱۵ مورد

\* قتل‌های جمعی: ۱۰ مورد

\* قتل/خودکشی: ۴۸۰ مورد

\* استفاده دفاعی از سلاح: ۸۵۸ مورد

\* شلیک‌های غیرعمد: ۹۸۰ مورد

## ۲. تیراندازی دسته جمعی

تیراندازی‌های دسته‌جمعی، به عنوان یکی از چالش‌های برجسته حقوق بشری و امنیت عمومی در ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۵ به شمار می‌روند. طبق داده‌های به روز شده آرشيو خشونت مسلحانه<sup>۱</sup> (GVA) در بازه زمانی تهیه این گزارش ۳۱۵ حادثه تیراندازی جمعی ثبت شده است.

از میان حوادث برجسته و شاخص در این دوره، می‌توان به تیراندازی در ساختمان اداری در منهتن در تاریخ ۲۸ جولای ۲۰۲۵ اشاره کرد که منجر به کشته شدن چهار نفر گردید. همچنین در تعطیلات آخر هفته جولای ۲۰۲۵، مصادف با جشن استقلال آمریکا، شهر شیکاگو شاهد وقوع چندین تیراندازی بود که دست کم ۵۵ نفر مجروح و ۸ نفر کشته بر جای گذاشت. در رویدادی دیگر، یک ساعت قبل از آغاز رسمی تعطیلات، تیراندازی جمعی در منطقه ریور نورث به زخمی شدن ۱۸ نفر و کشته شدن ۴ نفر انجامید. تیراندازی در یک مرکز خرید واقع در ایندیاناپولیس در ماه ژوئن نیز منجر به ۷ کشته و ۹ زخمی شد. و در هوستون، دست کم یک نفر کشته و ۱۵ نفر مجروح گزارش شده است.

شهر واشنگتن دی‌سی به لحاظ نرخ وقوع تیراندازی (۶ مورد تیراندازی در مجموع، تقریباً ۱ مورد در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر) در وضعیت بحرانی قرار دارد.

افزایش خشونت در محیط های آموزشی منجر به بروز نگرانی های گسترده در میان کادر آموزشی شده و بیش از ۲۰ درصد معلمان اعلام کرده اند که به دلیل نگرانی های امنیتی درصدد ترک شغل خود هستند. این وضعیت منجر به شکل گیری جنبش های فعال دانش آموزی و معلمی با هدف بهبود امنیت مدارس شده است.<sup>۱</sup>

### ۳. خشونت پلیس

خشونت پلیس به عنوان یک معضل ساختاری و عمیق در حوزه تحقق حقوق بشر، به ویژه حق حیات، آزادی و امنیت شخصی، در ایالات متحده آمریکا به شدت برجسته است. الگوهای مکرر استفاده نامتناسب و کشنده از زور، به ویژه در جوامع رنگین پوست و حاشیه نشین، بازتاب دهنده نظام تبعیض نژادی سازمان یافته و نقص بنیادین در نظام عدالت کیفری کشور است. این وضعیت منجر به کاهش شدید اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی شده و نشانگر عدم التزام دولت فدرال به توصیه های متعدد کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در زمینه تصویب و اجرای استانداردهای ملی محدودکننده استفاده از زور می باشد. تحلیل داده های آماری نشان می دهد که خشونت پلیس علیه اقلیت های نژادی، به ویژه سیاه پوستان، به طور سیستماتیک و نامتناسبی رخ می دهد. علی رغم اعتراضات گسترده پس از قتل جورج فلوید در سال ۲۰۱۹ و اقدامات اصلاحی در حوزه آموزش و پاسخگویی پلیس، میزان قتل های مرتبط با پلیس هر سال افزایش یافته است. این روند به ویژه در ایالت های تحت کنترل حزب جمهوری خواه شدت بیشتری دارد و افراد سیاه پوست بیشترین نرخ قربانی شدن توسط نیروهای انتظامی را دارا هستند.

مطابق داده های سال ۲۰۲۵، افراد سیاه پوست علی رغم تشکیل تنها ۱۴ درصد جمعیت کل، حدود ۲۲ درصد از قربانیان استفاده از نیروی کشنده پلیس را تشکیل می دهند. احتمال کشته شدن سیاه پوستان توسط پلیس ۲.۸

1. <http://edition.cnn.com/us/school-shootings-fast-facts-dg>

برابر بیشتر از سفیدپوستان است، که این آمار نشان‌دهنده وجود نابرابری‌های ساختاری و تبعیض سیستماتیک در اجرای قانون است. در سال جاری، پلیس ایالات متحده ۹۵۸ کشته بر جای گذاشته است و تنها در ۲ روز از سال جاری هیچ حادثه خشونت‌باری گزارش نشده است.<sup>۱</sup>

از لحاظ حقوقی، اجرای ناقص و ناکافی قانون «گزارش‌دهی مرگ در بازداشت»<sup>۲</sup> که به‌منظور شفاف‌سازی و ثبت دقیق مرگ‌های ناشی از عملکرد نیروهای انتظامی تدوین شده، به تداوم فقدان پاسخگویی قانونی دامن زده است. همچنین، ناکامی کنگره در تصویب «قانون عدالت در پلیس»<sup>۳</sup> که به دنبال ایجاد چارچوب قانونی برای ممنوعیت پروفایل نژادی، افزایش پاسخگویی و اصلاحات ساختاری در پلیس است، مانع از تحقق تغییرات اساسی شده است.<sup>۴</sup> در این بین، دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش‌های خود به مسئله طبقه‌بندی نادرست و گزارش‌دهی ناکافی مرگ‌ومیر افراد آفریقایی تبار توسط نیروهای اجرای قانون اشاره کرده است. سازوکار بین‌المللی مستقل کارشناسان برای پیشبرد عدالت نژادی و برابری در اجرای قانون، گزارشگر ویژه در امور اقلیت‌ها و کمیسر عالی حقوق بشر نگرانی خود را درباره قتل‌های پلیس و اعمال خشونت علیه آمریکایی‌های آفریقایی تبار ابراز کرده اند.<sup>۵</sup> در همین چارچوب، دستور اجرایی صادره توسط رئیس‌جمهور ایالات متحده در آوریل ۲۰۲۵، که دامنه نظارت فدرال بر نیروهای انتظامی ایالتی و محلی را گسترش می‌دهد، مورد انتقاد کارشناسان حقوق بشر قرار گرفته است. این دستور که زمینه‌ساز سوءاستفاده و بازگشت آشکار به پذیرش مجازات انبوه از طریق افزایش بودجه و حمایت‌های دیگر از پلیس و زندان‌ها، همراه با لحن تفرقه‌انگیز شهروندان قانونمند در برابر «جنایتکاران خطرناک» است،

1. <https://mappingpoliceviolence.org>

2. Death in Custody Reporting Act

3. (George Floyd Justice in Policing Act)

4. <https://www.amnesty.org/en/documents/pol10/8515/2025/en/>

5. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

نگران‌کننده می باشد. دستور رئیس جمهور آمریکا همچنین وعده حمایت قانونی به افسرانی که به سوءرفتار یا خشونت پلیسی متهم شده‌اند، می‌دهد. این دستور اجرایی بازتابی است از تغییر اولویت‌ها در شاخه اجرایی به ویژه در وزارت دادگستری که پرونده‌های حقوق مدنی، از جمله پرونده‌های اصلاح پلیس و توافق‌های مصالحه را متوقف کرده و کنار گذاشته است، که این موضوع به طور نگران‌کننده‌ای نشان می‌دهد سوءرفتار پلیس با پیامد مواجه نخواهد شد.<sup>۱</sup> سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری در این خصوص اعلام کرده‌اند «دستور اجرایی رئیس‌جمهور ترامپ در حوزه عملیات پلیسی، تهدیدی است برای تحمیل دوره‌ای گسترده‌تر از جرم‌انگاری انبوه، در حالی که به نیروهای انتظامی سراسر کشور این پیام را می‌رساند که نظارت فدرال وجود نخواهد داشت و نقض حقوق آنان بی‌پیامد خواهد بود»، «اقدامات ترامپ در به‌کارگیری نیروهای نظامی در نقش‌های انتظامی داخلی و پیگرد قضایی مقامات محلی معترض به سیاست‌های او، زمینه‌ساز سوءاستفاده و مصونیت از پاسخگویی است، نه تضمین امنیت عمومی بیشتر».<sup>۲</sup>

این تحولات در کنار کاهش چشمگیر پرونده‌های حقوق مدنی و توقف توافقات مصالحه در وزارت دادگستری، نشانه‌ای از بازگشت به سیاست‌های جرم‌انگاری گسترده و مصونیت پلیسی است که پیامدهای عمیق و منفی بر ساختار حقوق بشر و امنیت عمومی خواهد داشت.

#### ۴. استقرار گارد ملی

در ماه‌های اخیر، دولت ایالات متحده استقرار نیروهای گارد ملی در واشنگتن دی‌سی را به عنوان پاسخی به آنچه که «افزایش خشونت و ناامنی» در پایتخت خوانده است، می‌داند. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که رئیس‌جمهور آمریکا کلان‌شهرهای تحت مدیریت دموکرات‌ها را به عنوان «شهرهای بی‌قانون» و «شکست‌خورده» معرفی کرده است. چنین بیانیه‌ها و اقدامات، علاوه بر بار

1. <https://www.hrw.org/news/2025/05/27/trumps-policing-policies-threaten-human-rights>

2. <https://www.hrw.org/news/2025/05/01/trumps-order-policing-recipe-abuse>

سیاسی، ابعاد عمیق حقوق بشری و قانونی دارد که قابل توجه است. گزارش‌ها نشان دهنده نارضایتی شدید از حضور نیروهای گارد ملی در واشنگتن دی سی هستند؛ منتقدان می‌گویند که نیروهای گارد ملی در مناطق گردشگری و نه مناطق جرم خیز مستقر هستند.

برای نمونه، رئیس‌جمهور آمریکا، در ۱۱ آگوست ۲۰۲۵، از استقرار نیروهای گارد ملی در واشنگتن خبر داد و ادعا کرد که افزایش خشونت در پایتخت آمریکا اکنون به طور فوری کارمندان دولت، شهروندان و گردشگران را به خطر می‌اندازد، حمل و نقل امن و ایمن و عملکرد صحیح دولت فدرال را مختل می‌کند و منابع عمومی حیاتی را به سمت واکنش اضطراری و اقدامات امنیتی سوق می‌دهد. این در حالیکه به گفته سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری میزان جرم و جنایت در واشنگتن سال‌هاست که در حال کاهش است و دولت منطقه‌ای درخواست مداخله نظامی نکرده است، دخالت ارتش در اجرای قانون غیرنظامی خطرناک و غیرقابل توجیه است. اقدامات دولت ترامپ برای استقرار نیروهای نظامی در شهرهایی با جمعیت عمدتاً رنگین‌پوست، مانند لس‌آنجلس در ماه ژوئن و اکنون واشنگتن دی سی، پتانسیل خشونت را تشدید می‌کند و میلیون‌ها دلار هزینه دارد که می‌توانست صرف خدمات اولیه، مانند غذا و مسکن مقرون به صرفه شود که بسیاری از مردم به شدت به آن نیاز دارند علاوه بر این، گزارش‌ها حاکی از آن است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مجوز اعزام ۳۰۰ نیروی گارد ملی را به شیکاگو صادر کرده است؛ دستور رئیس‌جمهور آمریکا ساعاتی پس از آن صادر شد که مسئولان اداره مهاجرت از درگیری با معترضان در این شهر تحت کنترل دموکرات‌ها خبر دادند؛ مقام‌های بلندپایه ایالت ایلینوی و رهبران محلی هفته‌هاست که از برنامه‌های آقای ترامپ برای استقرار نیروهای گارد ملی انتقاد می‌کنند و آن را سواستفاده از قدرت می‌خوانند. فرماندار دموکرات ایالت ایلینوی که شهر شیکاگو در آن قرار دارد گفته، دونالد ترامپ «سعی در ایجاد بحران دارد.» به‌کارگیری نیروهای نظامی در اجرای



وظایف انتظامی و غیرنظامی، منافی اصول اساسی حقوق بشر، به ویژه حق بر امنیت شخصی، آزادی تجمع و حق اعتراضات مسالمت آمیز است. این نوع استقرار، خطر نقض حقوق بنیادین مانند حق بر آزادی بیان، حق تجمع و جلوگیری از سوءاستفاده نیروهای نظامی در برابر شهروندان غیرمسلح را افزایش می‌دهد.

## ۵. مجازات اعدام

مجازات اعدام در حقوق بین الملل شناسایی شده است و اجرای آن از جمله حق حاکمیتی کشورها مطابق با حقوق بین الملل است ولی اجرای این مجازات در آمریکا نشان دهنده بکارگیری نامناسب و نادرست این موضوع در این کشور است.

گزارش‌های متعددی از تأثیر نامتناسب این مجازات بر اقلیت‌های قومی و نژادی منتشر شده است؛ به‌طوری که گروه‌های اقلیت به طور ناعادلانه‌ای در معرض صدور حکم اعدام قرار گرفته‌اند و موارد متعددی از اعدام افرادی با وجود شک‌های جدی و مستند درباره روند عادلانه دادرسی و نقض‌های جدی در نظام قضایی گزارش شده است.

در این بین، نحوه اعدام زندانیان نیز از مسائل چالش‌برانگیز دیگر در زندان‌های ایالات متحده آمریکا می‌باشد، بدین معنا که نحوه اعدام برخی از زندانیان به گونه‌ای است که موجبات آزار و اذیت بیش از حد آنها را فراهم می‌کند. به عنوان نمونه، اخیراً در ایالت آلاباما، دو اعدام با استفاده از گاز نیتروژن، روشی آزمایش نشده و غیر انسانی، انجام شده است.<sup>۱</sup> در جدیدترین آمارهای اعلام شده توسط مرکز اطلاعات مجازات اعدام در ایالات متحده آمریکا، از ابتدای سال ۲۰۲۵ میلادی تا ۵ آگوست ۲۰۲۵ میلادی، تنها در ۱۰ ایالت از مجموع ۵۰ ایالت آمریکا، تعداد ۲۸ نفر اعدام شده‌اند. <sup>۲</sup> این رقم، نه تنها از کل اعدام‌های دو سال گذشته (۲۵ مورد در هر سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴) فراتر رفته، بلکه بالاترین میزان اعدام‌های سالانه در این کشور از سال ۲۰۱۵ به این سو را نشان می‌دهد

1. [www.hrw.org/sites/default/files/media\\_2025](http://www.hrw.org/sites/default/files/media_2025)

2. [deathpenaltyinfo.org/executions/2025#issues](http://deathpenaltyinfo.org/executions/2025#issues)

## فصل دوم: نقض حقوق زندانیان

### ۱. شرایط غیرانسانی زندان‌ها

ایالات متحده آمریکا دارای یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین نظام‌های زندانبانی در جهان است که شامل زندان‌های فدرال، ایالتی و محلی می‌شود. بررسی وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌های این کشور در سال ۲۰۲۵ حاکی از وجود ضعف‌های ساختاری عمیق در رعایت تعهدات بین‌المللی حقوق بشر است. شرایط غیرانسانی نگهداری زندانیان، استفاده گسترده و مکرر از سلول‌های انفرادی و استمرار بازداشت‌های نامحدود در بازداشتگاه گوانتانامو، نمونه‌هایی بارز از نقض سیستماتیک حقوق بشر به شمار می‌آیند. این رویه‌ها نمایانگر نظامی است که بر مجازات و کنترل سیاسی تأکید دارد و به جای تأکید بر کرامت انسانی، عدالت و قانون، به سرکوب و مصلحت‌های سیاسی اولویت می‌دهد. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، نظام بهداشت و درمان در زندان‌های ایالات متحده با کمبودها و نواقص ساختاری جدی مواجه است و شرایط فعلی به شکلی خطرناک و غیرانسانی ارزیابی می‌شود. این وضعیت به طور مستمر رو به وخامت گذاشته و باعث افزایش رنج و آسیب‌های متعدد به سلامت جسمی و روانی زندانیان شده است.

مطابق برخی گزارش‌ها، مراقبت‌های پزشکی، دندان‌پزشکی و روان‌درمانی هزاران زندانی در ایالت آلاسکا به شدت ناکافی است و نیاز فوری به اصلاحات بنیادین در سیستم بهداشت و درمان اداره اصلاح و نگهداری زندانیان (DOC) این ایالت احساس می‌شود.<sup>۱</sup> این کاستی‌ها نقض آشکار تعهدات حقوق بشری و استانداردهای بین‌المللی مرتبط با حقوق زندانیان و حق دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی انسانی و مناسب محسوب می‌شوند.

گزارش رسمی دفتر بازرسی کل وزارت دادگستری ایالات متحده با عنوان «بازرسی‌های همزمان از عملیات خدمات غذایی اداره فدرال زندان‌ها (BOP)»

1. <https://www.aclu.org/press-releases/class-action-suit-filed-against-alaska-doc-after-decades-of-inadequate-health-care-for-incarcerated-alaskans>

منتشر شده در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی، نشان از وخامت اوضاع تغذیه در برخی از زندان‌های اداره فدرال زندان‌های ایالات متحده آمریکا دارد. در این گزارش آمده است که «نگران‌کننده‌ترین نکته این است که در طول بازرسی ما از زندان تالاهاسی، نان کپک‌زده‌ای که به زندانیان داده می‌شد، سبزیجات فاسد در یخچال آماده‌سازی غذا، انبار غذا با حشرات داخل و روی غذا، ظروف آسیب‌دیده و تاب‌خورده غذا مشاهده کردیم. علاوه بر این، در زندان تالاهاسی و در طول بازرسی‌های قبلی از سایر مؤسسات، ما انواع مختلفی از مشکلات را که مدیریت خدمات غذایی را مختل می‌کرد، شناسایی کردیم.»<sup>۱</sup>

در سال ۲۰۲۵، زندان‌های لس‌آنجلس شاهد مرگ ۲۶ زندانی بوده‌اند که این رقم، به عنوان دومین بالاترین نرخ مرگ‌ومیر در تاریخ ثبت‌شده این سیستم، نمایانگر بحران جدی حقوق بشری در بزرگ‌ترین شبکه زندان‌های ایالات متحده است. این مرگ‌ومیرها، نتیجه مستقیم سیاست‌ها و شرایط ساختاری نظام زندانبانی است که با ازدحام شدید، بی‌توجهی سیستماتیک به سلامت و رفاه زندانیان، سوءرفتار گسترده و فقدان دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و روانی استاندارد همراه است. ازدحام بیش از ظرفیت طراحی‌شده، باعث ایجاد شرایط زیستی غیرانسانی، از جمله تهویه ناکافی و شیوع گسترده بیماری‌های واگیردار شده و حقوق بنیادین زندانیان از جمله حق حیات، حق سلامت و برخورداری از شرایط انسانی نگهداری را به شدت نقض می‌کند.

## ۲. بازداشت پیش از محاکمه

بازداشت پیش از محاکمه و چندگانگی نظام عدالت کیفری در ایالات متحده باعث تشدید بحران حقوق قانونی زندانیان است. بیشتر افراد در زندان‌های آمریکا از نظر قانونی بی‌گناه هستند، بخش عمده‌ای از زندانیان پیش از محاکمه در بازداشت به سر می‌برند و قانونی فرض می‌شوند تا زمانی که جرم‌شان ثابت شود. ایالات متحده تنها یک نظام عدالت کیفری ندارد؛ بلکه هزاران نظام مختلف

1. [www.bop.gov/resources/pdfs/legal\\_guide](http://www.bop.gov/resources/pdfs/legal_guide)

در سطح فدرال، ایالتی، محلی و ... وجود دارد. این نظام‌ها در مجموع نزدیک به ۲ میلیون نفر را در مکان‌های مختلف نگهداری می‌کنند.<sup>۱</sup>

گزارش‌های معتبر حقایق نگران‌کننده‌ای را درباره وضعیت ۳۴ هزار جوان محبوس در ایالات متحده افشا کرده‌اند که نشان‌دهنده نقض گسترده حقوق کودکان و نوجوانان در نظام کیفری این کشور است. بخش قابل توجهی از این افراد به دلیل «جدی‌ترین تخلفات» که حتی طبق قانون جرم محسوب نمی‌شوند، در بازداشت به سر می‌برند. به عنوان نمونه، حدود ۳ هزار جوان به علت نقض شرایط آزادی مشروط خود و نه به اتهام ارتکاب جرم جدید، در زندان نگهداری می‌شوند.

علاوه بر این، تقریباً ۸۰۰ جوان به خاطر «تخلفات وضعیتی» که عمدتاً رفتارهای خاصی هستند که برای بزرگسالان جرم تلقی نمی‌شود، مانند فرار از منزل، ترک تحصیل یا رفتارهای بی‌قانونی بازداشت شده‌اند. تقریباً از هر ۱۲ جوانی که به جرم یا تخلفی دستگیر شده است، یک نفر در زندان یا بازداشتگاه بزرگسالان نگهداری می‌شود و اکثر باقی‌مانده‌ها در مراکز اصلاح و تربیت نوجوانان هستند که شباهت زیادی به زندان‌ها و بازداشتگاه‌های بزرگسالان دارند. اکثر نوجوانان بازداشت‌شده به دلیل جرایمی غیرمرتبط زندانی شده‌اند، و ۱ نفر از هر ۴ نفر به دلیل اقداماتی در بازداشت به سر می‌برند که طبق قانون حتی «جرم» محسوب نمی‌شوند. ۳۹۸۰۰ نوجوان به دلیل تخلفاتی بازداشت شده‌اند که اصولاً جرم نیستند، و ۴۹۱۰۰ نفر دیگر پناهجویانی هستند که در انتظار انتقال به نزد خانواده یا آشنایان خود به سر می‌برند.<sup>۲</sup> این وضعیت بحران‌زا نقض آشکار تعهدات حقوق بشری ایالات متحده در زمینه حق بر آزادی و حق دادرسی عادلانه محسوب می‌شود و نیازمند اصلاحات فوری و بنیادین در سیاست‌های کیفری و اجتماعی کشور است.

1. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

2. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

### ۳. استفاده از سلول انفرادی

استفاده گسترده و سیستماتیک از سلول انفرادی به عنوان ابزاری برای مجازات و شکنجه روانی در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های ایالات متحده، یک بحران حقوق بشری عمیق و مستمر را رقم زده است. گزارش‌های مستند نشان می‌دهند که در طول سه دهه گذشته، این مراکز به بزرگ‌ترین اماکن بستری افراد مبتلا به بیماری‌های روانی در کشور بدل شده‌اند. هزاران زندانی مبتلا به اختلالات روانی شدید در شرایطی نامناسب و فاقد حمایت‌های تخصصی لازم در سلول‌های انفرادی نگهداری می‌شوند. به طور قابل توجه، تعداد افراد دارای بیماری روانی که در زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها نگهداری می‌شوند، حدود ده برابر تعداد بیماران روانی بستری در بیمارستان‌های تخصصی ایالتی است. این روند، به ویژه برای افراد مبتلا به بیماری‌های روانی که به جای دریافت درمان، در شرایط انزوا و فشارهای روانی شدید قرار دارند، پیامدهای جبران‌ناپذیری در زمینه سلامت روانی و جسمی آنان به همراه دارد و ضرورت بازنگری فوری و اتخاذ سیاست‌های جایگزین انسانی و درمانی را در نظام اصلاح و بازپروری ایالات متحده برجسته می‌سازد.

در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های آمریکا، ده‌ها هزار زندانی در سلول انفرادی نگهداری می‌شوند؛ سلول‌های کوچک با حبس ۲۲ تا ۲۴ ساعت در روز و تماس انسانی حداقلی. اکثر زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها با کمبود نیروی متخصص سلامت روان مواجه‌اند و کارکنان موجود اغلب با محدودیت‌هایی در ارائه درمان روبه‌رو هستند. در برخی از این مراکز، درمان افراد در انفرادی، محدود به بررسی‌های هفتگی یا ماهانه سلامت روان است که از طریق دریچه‌های تغذیه در درهای سلول انجام می‌شود.

زندانیان مبتلا به بیماری‌های روانی زمینه‌ای که در سلول‌های انفرادی نگهداری می‌شوند، در معرض خطر بالای خودآسیبی و خودکشی قرار دارند. نگرانی قابل توجه این است که زندانیانی که به خودآسیبی دست می‌زنند،

به جای دریافت حمایت درمانی، غالباً به عنوان تنبیه مجدد به سلول انفرادی منتقل می‌شوند. همچنین، افرادی که تشخیص داده می‌شوند در معرض خطر خودکشی هستند، معمولاً در «سلول‌های خالی» فضاهای کاملاً خالی و بدون هیچ امکانات نگهداری می‌شوند، اقدامی که عملاً به منزله حبس انفرادی شدید و شکنجه روانی تلقی می‌شود.<sup>۱</sup>

بر اساس گزارش‌های مستند، زندانیان سیاه‌پوست در ایالات متحده به صورت نامتناسب و غیرمتعادل در معرض حبس طولانی‌مدت در سلول‌های انفرادی قرار دارند؛ به گونه‌ای که برخی از این زندانیان بیش از ده سال از مدت حبس خود را در سلول‌های کوچک با ابعاد تقریباً ۱۰ در ۸ فوت سپری می‌کنند.

این وضعیت نشان‌دهنده وجود تبعیض سیستماتیک و نابرابری ساختاری در نظام زندانبانی آمریکا است که نه تنها نقض اصول عدالت کیفری و برابری قانونی، بلکه تخطی از استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و ممنوعیت رفتارهای تحقیرآمیز و تبعیض‌آمیز را در پی دارد.

#### ۴. زندان گوانتانامو

استفاده مستمر ایالات متحده از زندان گوانتانامو به عنوان یک مرکز بازداشت فراسرزمینی، نمونه‌ای بارز از نقض جدی و سازمان‌یافته حقوق بشر است که با انتقادات گسترده نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های حقوق بشری و سازوکارهای نظارتی سازمان ملل متحد مواجه شده است. بسیاری از افراد بازداشت‌شده در این زندان، سال‌ها در وضعیت بلاتکلیف و بدون طرح اتهام رسمی یا دسترسی به محاکمه عادلانه نگهداری شده‌اند، که این اقدام ناقض اصول بنیادین حقوق دادرسی منصفانه، حق آزادی، و ممنوعیت بازداشت خودسرانه مطابق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است.

گزارش‌های متعدد منتشرشده از سوی نهادهای مستقل، از جمله گزارشگران ویژه سازمان ملل، حاکی از اعمال شکنجه، بدرفتاری سیستماتیک، و شرایط

1. <https://solitarywatch.org/facts/faq/>

نگهداری غیرانسانی و تحقیرآمیز در این مرکز بازداشت است. مواردی چون بازجویی‌های خشن، حبس انفرادی طولانی‌مدت، محرومیت از خواب، نگهداری در دمای بسیار پایین یا بالا، و بی‌توجهی به نیازهای درمانی جسمی و روانی از جمله رویه‌های مستندشده در این زندان هستند.

استفاده از گوانتانامو از سوی آمریکا برای بازداشت مهاجران که باید ماهیت مدنی و غیرتنبیهی داشته باشد باعث نگرانی مدافعان حقوق بشر شده است. این پایگاه طی دو دهه گذشته به دلیل بازداشت نامحدود زندانیان جنگ علیه تروریسم، که برخی از آنها مورد آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند، مرکز بحث‌های زیادی بوده است. مراقبت‌های پزشکی ناکافی است و وضعیت سلامت بازداشت‌شدگان به دلیل مدت طولانی بازداشتشان وخیم‌تر شده است.

در حال حاضر رئیس‌جمهور ایالات متحده از پایگاه نظامی گوانتانامو به‌عنوان مرکز بازداشت اتباع خارجی از ۲۶ کشور مختلف استفاده می‌کند، که در میان آنان افرادی با محکومیت‌های کیفری سنگین نیز حضور دارند. فهرست جامع ملیت‌های بازداشت‌شدگان منتشرشده توسط وزارت امنیت داخلی آمریکا نشان می‌دهد، که گوانتانامو محل نگهداری بازداشت‌شدگانی از تمامی قاره‌ها به جز قطب جنوب است، که این امر ماهیت جهانی و فراملی این مرکز بازداشت را برجسته می‌سازد. فعالان حقوق بشری و مدنی با انتقاد شدید از این رویه، بازداشت مهاجران در گوانتانامو را عملی تنبیهی، خودسرانه و ناقض حقوق قانونی دانسته‌اند. آنها تأکید دارند که بر اساس قوانین فدرال ایالات متحده، دولت مجاز نیست افراد در انتظار دیپورت را در خارج از قلمرو ملی نگهداری کند، به ویژه در شرایطی که این بازداشت‌ها بدون دسترسی به دادرسی عادلانه و با محرومیت‌های گسترده همراه است.<sup>۱</sup>

در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۲۵، رئیس‌جمهور ایالات متحده با صدور فرمانی اجرایی، دستور احداث یک مرکز بازداشت بزرگ با ظرفیت ۳۰ هزار تخت در پایگاه نیروی دریایی گوانتانامو را صادر کرد؛ اقدامی که با هدف بازداشت گسترده

مهاجران صورت گرفته و موجی از انتقادات حقوق بشری را در سطح ملی و

<sup>1</sup> <https://www.cbsnews.com/news/trump-guantanamo-detain-foreigners-from-26-countries>

بین‌المللی به همراه داشته است. این تصمیم در راستای سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی دولت آمریکا، نگرانی‌های جدی را درباره نقض سیستماتیک حقوق پناهنجویان و مهاجران برانگیخته است. بر اساس گزارش سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری «تام گوانتانامو مترادف با شرم و ننگ است، محلی که در حافظه جهانی به عنوان نماد شکنجه، بازداشت نامحدود و انکار عدالت ثبت شده است. استفاده دوباره از این مکان برای بازداشت مهاجران، خطر تکرار همان الگوهای سرکوب و نقض فاحش حقوق بشر را در پی دارد.»<sup>۱</sup>

بر اساس گزارش کمیته بین‌المللی رفع تبعیض نژادی بازداشت‌های خودسرانه افراد غیرشهروند در مرکز بازداشت گوانتانامو ادامه دارد، که بدون دسترسی مؤثر و برابر به نظام عادی عدالت کیفری صورت می‌گیرد و گزارش‌هایی درباره کمبود خدمات پزشکی مناسب نیز وجود دارد. علاوه بر این، به گفته گزارشگر ویژه در زمینه ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در مقابله با تروریسم، کمبودهای ساختاری قابل توجهی در زمینه دسترسی به عدالت، حقوق بهداشتی و حق خانواده باقی مانده است. بی‌قانونی کل ساختار بازداشتگاه گوانتانامو را فراگرفته است و این وضعیت زندانیان را در معرض سوءاستفاده‌های حقوق بشری قرار داده و منجر به شرایط و رویه‌هایی شده که به بازداشت‌های خودسرانه دامن می‌زند. هیچ‌یک از بازداشت‌شدگان سابق برای جرایم سیستماتیک مربوط به انتقال‌های غیرقانونی، شکنجه، رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز و بازداشت‌های خودسرانه، غرامت دریافت نکرده‌اند. گزارشگر ویژه همچنین تأکید کرده است که آثار تجمعی انتقال‌های غیرقانونی گذشته، ناپدیدسازی، بازداشت انفرادی، شکنجه و بدرفتاری‌های سیستماتیک و بازداشت مستمر پیامدهای شدید و طولانی‌مدتی بر سلامت روانی و جسمی بازداشت‌شدگان داشته است.<sup>۲</sup>

1. <https://www.hrw.org/news/2025/01/30/us-dont-send-migrants-black-hole-guantanamo>

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>



## فصل سوم: نقض آزادی بیان و تجمعات مسالمت آمیز

### ۱. نقض آزادی بیان

ایالات متحده به‌طور مستمر با اتهامات جدی نقض آزادی بیان مواجه است که ناشی از برخوردهای سرکوبگرانه با منتقدان، اعمال فشار بر رسانه‌ها و دخالت در سیاست‌های تعدیل محتوا در شرکت‌های فناوری است. این روند بخشی از یک ساختار سازمان‌یافته مهندسی روایت است که هدف آن کنترل صدای مخالفان داخلی، مدیریت گفتمان عمومی آنلاین و حفظ تسلط راهبردی بر نحوه بحث درباره موضوعات کلان سیاسی و امنیتی از جمله جنگ‌ها، مداخلات نظامی و روابط خارجی است.

در ماه‌های اخیر، اعتراضات گسترده دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف آمریکا علیه جنگ و نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه به‌طور گسترده با واکنش‌های شدید نیروهای انتظامی مواجه شده است. استفاده از گاز اشک‌آور و باتوم برای پراکنده کردن تجمع‌کنندگان، منجر به صدها بازداشت و ضرب و جرح دانشجویان و استادان شده است. اتهامات مطرح شده علیه بازداشت‌شدگان شامل «ورود غیرمجاز به اماکن»، «اخلال در نظم عمومی» و «حمله به مأموران پلیس» است که بر مبنای گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای بین‌المللی، فاقد مشروعیت قانونی بوده و در بسیاری موارد نقض آشکار حقوق بنیادین فردی به شمار می‌رود.

همچنین شواهد موثقی وجود دارد که نشان می‌دهد بازداشت‌ها و اخراج‌های گسترده دانشجویان و استادان غیرشهروند به عنوان بخشی از سیاست سرکوب فعالان فلسطینی در مراکز علمی و پژوهشی آمریکا برنامه‌ریزی شده است. وزارت امنیت داخلی ایالات متحده<sup>۱</sup> (DHS) بدون ارائه مستندات معتبر، مدعی است که فعالیت‌های اعتراضی این دانشجویان و پژوهشگران به منافع و سیاست خارجی کشور آسیب وارد می‌کند؛ ادعایی که از سوی ناظران مستقل و مدافعان حقوق بشر قویاً رد شده است.

1. Department of Homeland Security

در این بین، گزارشگر ویژه حق آموزش نسبت به سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات دانشجویی در دانشگاه‌ها، به ویژه خشونت پلیس، بازداشت‌ها، نظارت و اقدامات انضباطی علیه معترضان مسالمت‌آمیز ابراز نگرانی کرد. وی برخورد نابرابر با معترضان، به ویژه دانشجویان طرفدار فلسطین را محکوم کرده و هشدار داد که این حملات نشانه‌ای از تضعیف آزادی‌های فکری و اصول دموکراتیک در محیط‌های آموزشی است.<sup>۱</sup>

لغو صدها ویزای تحصیلی مرتبط با این سرکوب، نشان‌دهنده تلاش سیستماتیک دولت برای ایجاد رعب و محدودسازی فضای آزادی بیان و اعتراض در دانشگاه‌هاست. این اقدامات مغایر با تعهدات حقوق بشری بین‌المللی آمریکا در حمایت از آزادی‌های مدنی و آزادی بیان است. نمونه‌های شاخص از هدف قرار گرفتن دانشجویان:

**محمود خلیل:** دانشجوی فارغ‌التحصیل دانشگاه کلمبیا و مقیم دائم آمریکا که به عنوان سخنگوی معترضان دانشگاهی فعالیت می‌کرد، در تاریخ ۸ مارس ۲۰۲۵ بازداشت شد. این دستگیری به عنوان “اولین مورد از بازداشت‌های متعدد آینده” توصیف شد. بازداشت وی نمادی از تلاش گسترده‌تر دولت ترامپ برای سرکوب همبستگی با مردم فلسطین است.<sup>۲</sup>

**رومیس اوزتورک:** دانشجوی دکترای ترکیه‌ای در دانشگاه تافتس، تنها به دلیل نوشتن یک یادداشت انتقادی در مورد عدم پاسخگویی دانشگاه به مطالبات دانشجویان در قبال غزه، توسط شش مأمور لباس شخصی ICE در نزدیکی خانه‌اش بازداشت شد. این موارد نشان‌دهنده یک الگوی هدفمند علیه دانشجویانی است که از پیشینه‌های آفریقایی، عربی، آسیایی، خاورمیانه‌ای و مسلمان هستند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که ویزای بسیاری از دانشجویان از ژانویه ۲۰۲۵ باطل شده است، در حالی که بسیاری از آن‌ها هرگز در تظاهرات شرکت نکرده و هیچ اطلاعاتی مبنی بر ابطال ویزای خود دریافت نکرده بودند.

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

2. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/06/usa-mahmoud-khalil-released/>

علاوه بر این، دانشگاه کلمبیا بیش از ۷۰ دانشجوی را به دلیل شرکت در اعتراضات حامی فلسطین با مجازات‌هایی مانند تعلیق، اخراج و حتی لغو مدرک تحصیلی تنبیه کرده است. طبق گزارش‌ها، حدود دو سوم این دانشجویان با تعلیق دوساله مواجه شده‌اند، در حالی که برخی دیگر از ادامه تحصیل محروم شده‌اند. این اقدامات در پی تجمعات ماه می در کتابخانه باتلر انجام شد که طی آن دست‌کم ۸۰ نفر بازداشت شدند. دانشگاه اعلام کرده که این تجمعات نظم پردیس را مختل کرده‌اند و با سیاست‌های داخلی مغایرت دارند.

در واکنش به این اقدام، رویه داران ویژه سازمان ملل ویژه ضمن ابراز نگرانی جدی، اعلام کردند که اخراج افراد به ابزاری برای سانسور صدای منتقدان تبدیل شده است، امری که به آزادی بیان و تجمع لطمه می‌زند. آنها از ایالات متحده خواستند که فوراً اقدامات تلافی‌جویانه علیه دانشجویانی که از حقوق فلسطینی‌ها حمایت می‌کنند را متوقف کرده و به آزادی‌های بیان و تجمع مسالمت‌آمیز احترام بگذارد.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، در پی کاهش صدها میلیون دلاری بودجه تحقیقات فدرال دانشگاه‌ها توسط دولت ترامپ، برخی مؤسسات آموزشی از جمله دانشگاه کلمبیا به اتخاذ تدابیر امنیتی سخت‌گیرانه‌تر روی آورده‌اند. این دانشگاه شمار نیروهای امنیتی خود را افزایش داده و به شدت نسبت به اعتراضات دانشجویی واکنش نشان داده است.

سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری در واکنش به این اقدامات اعلام کرده‌اند؛ بازداشت‌ها و اخراج‌های دانشجویان و پژوهشگران غیرشهروند به دلیل ابراز دیدگاه‌های سیاسی‌شان، فضایی از ترس و اضطراب را در دانشگاه‌های سراسر ایالات متحده ایجاد کرده است. این اقدامات، حمله‌ای آشکار به آزادی بیان و تهدیدی جدی برای بنیادهای یک جامعه دموکراتیک و آزاد است.

علاوه بر این، برخوردهای امنیتی با خبرنگاران پوشش‌دهنده اعتراضات نیز نگران‌کننده است. گزارش‌های متعدد حاکی از آن است که خبرنگاران در حین

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

انجام وظایف حرفه‌ای خود با ممانعت‌های جدی، بازداشت‌های غیرقانونی و حتی خشونت فیزیکی از سوی نیروهای پلیس مواجه شده‌اند. بر اساس گزارش کمیته حفاظت از خبرنگاران (CPJ)، حداقل هفت مورد بازداشت یا تهدید به بازداشت خبرنگاران هنگام پوشش اعتراضات در اماکن عمومی ثبت شده است.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، دولت ایالات متحده، در میانه سرکوب‌های غیرقانونی مستمر، به استفاده از ابزارهای نظارتی خودکار مبتنی بر هوش مصنوعی روی آورده است. این فناوری‌ها به‌طور خاص برای نظارت و ارزیابی افرادی که برای حقوق فلسطینیان فعالیت می‌کنند، به کار گرفته می‌شوند. سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری این اقدام را بسیار نگران‌کننده اعلام، و تصریح کرده‌اند دولت ایالات متحده، در بستر یک برنامه اخراج دسته‌جمعی و سرکوب ابراز عقیده در حمایت از فلسطین، از فناوری‌های تهاجمی هوش مصنوعی استفاده می‌کند که به نقض حقوق بشر منجر می‌شود. این فناوری‌ها به مقامات این امکان را می‌دهند که دانشجویان بین‌المللی و دیگر گروه‌های مهاجر به حاشیه رانده‌شده را با سرعت و در مقیاسی بی‌سابقه ردیابی و هدف قرار دهند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که فناوری‌های ارائه‌شده توسط شرکت‌های پالانتیر (Palantir) و بیبل استریت (Babel Street)، به‌ویژه در چارچوب ابتکار سرکوب‌گرانه دستگیری و ابطال<sup>۲</sup>، به نقض گسترده حقوق بشر دامن می‌زند. این ابزارها با ایجاد یک فضای نظارتی فراگیر، جوّی از ترس و ارباب‌رأی در میان جوامع مهاجر و دانشگاهی حاکم کرده، و زمینه را برای بازداشت‌های خودسرانه و اخراج‌های دسته‌جمعی فراهم آورده‌اند. این اقدامات منجر به الگویی از بازداشت‌های غیرقانونی و اخراج‌های دسته‌جمعی شده و «اثر بازدارنده»<sup>۳</sup> شدیدی بر جوامع مهاجر و دانشجویان بین‌المللی در سراسر دانشگاه‌های کشور داشته است.<sup>۴</sup>

1. <https://cpj.org/2025/06/get-ready-la-journalists-warn-of-potential-violence-against-press-ahead-of-nationwide-protests/>

2. Catch and Revoke

3. chilling effect

4. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/08/usa-global-tech-made-by-palantir-and-babel-street-pose-surveillance-threats-to-pro-palestine-student-protestors-migrants>

این اقدامات سرکوبگرانه، هم در بعد سرکوب آزادی بیان دانشجویان و پژوهشگران و هم در حوزه ممانعت از فعالیت رسانه‌ای مستقل، نقض آشکار استانداردهای حقوق بشر و تعهدات بین‌المللی ایالات متحده در حمایت از آزادی‌های مدنی به شمار می‌رود و نشان‌دهنده روند نگران‌کننده‌ای در محدودسازی فضای آزادی بیان است.

## ۲. نقض آزادی تجمعات مسالمت آمیز

در سال ۲۰۲۵، حق اساسی تجمعات مسالمت‌آمیز در ایالات متحده با موجی از محدودیت‌های حقوقی و اجرایی مواجه شده است. مجالس قانون‌گذاری در سطوح فدرال، ایالتی و محلی اقدام به تصویب و اجرای قوانین متعددی کرده‌اند که دامنه فعالیت‌های اعتراضی را به شدت محدود می‌کند. این قوانین شامل مقررات جدید در زمینه صدور مجوز تجمعات، افزایش جرائم مربوط به برگزاری اعتراضات بدون مجوز و اعمال مجازات‌های شدیدتر برای معترضان است. نیروهای انتظامی در این سال از روش‌های سرکوب‌گرانه و خشونت‌آمیز بهره برده‌اند که توسط نهادهای بین‌المللی حقوق بشری به شدت محکوم شده است. استفاده از ابزارهایی همچون گاز اشک‌آور، باتوم و بازداشت‌های گسترده علیه معترضان، موجی از نگرانی‌ها را در مورد نقض حق آزادی بیان و تجمع در سطح ملی و بین‌المللی برانگیخته است.

در بازه زمانی تهیه گزارش، نهادهای انتظامی آمریکا در سطوح شهری، ایالتی و فدرال بارها به اعمال خشونت نامتناسب، بازداشت‌های گروهی و اقدامات ارعابی علیه معترضان متهم شده‌اند. این برخوردهای سرکوبگرانه به ویژه در اعتراضاتی صورت گرفته است که موضوعات حساس و مورد توجه بین‌المللی همچون محکومیت نسل‌کشی در غزه، نقد سیاست‌های مهاجرتی، سیاست خارجی ایالات متحده و اعتراضات زیست‌محیطی را هدف قرار داده‌اند. سازمان‌های حقوق بشری داخلی و بین‌المللی این رفتارها را نقض آشکار حق آزادی تجمع و بیان دانسته و نسبت به تداوم الگوی برخوردهای امنیتی شدید با

معترضان ابراز نگرانی کرده‌اند. استفاده مکرر از گاز اشک‌آور، باتوم و بازداشت‌های گسترده بدون رعایت استانداردهای حقوقی، ضمن ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه مدنی، مانع از تحقق مشارکت دموکراتیک و حق اعتراض مسالمت‌آمیز شده است. این روند همچنین شکاف‌های عمیق ساختاری در نظام حقوقی و اجرایی آمریکا را در زمینه تضمین حقوق بنیادین شهروندان برجسته می‌سازد. در بازه زمانی تهیه گزارش، دانشجویان و کارکنان دانشگاه‌های سراسر ایالات متحده به‌منظور اعتراض به نسل‌کشی اسرائیل در غزه و نقش حمایتی دولت آمریکا در این بحران، دست به برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز زدند. خواسته‌های این معترضان شامل صدور بی‌نامه‌های رسمی از سوی مؤسسات آموزشی برای درخواست آتش‌بس فوری، فشار بر دولت برای پایان ارسال تسلیحات به اسرائیل و قطع همکاری و سرمایه‌گذاری دانشگاه‌ها در شرکت‌هایی بود که از این درگیری‌ها منتفع می‌شوند. با این حال، این اعتراضات مسالمت‌آمیز با واکنش شدید مسئولان دانشگاه‌ها و نیروهای انتظامی مواجه گردید. گزارش‌ها حاکی از استفاده مکرر از تجهیزات ضدشورش توسط پلیس، از جمله باتوم، گلوله‌های لاستیکی، گاز فلفل و گاز اشک‌آور برای پراکنده کردن تجمعات و بازداشت شرکت‌کنندگان است. دست‌کم ۳۱۰۰ نفر از دانشجویان، کارکنان و حامیان این حرکت‌ها بازداشت یا توقیف شده‌اند.<sup>۱</sup> در این بین کارشناسان سازمان ملل متحد نسبت به فراخواندن نیروهای انتظامی برای پراکنده کردن این اعتراضات انتقاد کردند.

بر اساس گزارش‌ها بیش از ۴۰ نفر که به جنگ و وخامت بحران انسانی در غزه اعتراض داشتند، در مقابل هتل ترامپ در شهر نیویورک بازداشت شدند. صدها نفر در این تظاهرات شرکت کردند تا خواستار پایان جنگ در غزه و فشار دولت آمریکا بر رژیم صهیونیستی برای ورود کمک‌های بشردوستانه بیشتر به این منطقه شوند.<sup>۲</sup> افسران اداره پلیس نیویورک چند دقیقه بعد شروع به بازداشت معترضان به بهانه مسدود کردن خیابان کردند.

1. <https://www.amnesty.org/en/documents/pol10/8515/2025/en/>

2. <https://www.theguardian.com/us-news/2025/aug/04/gaza-protest-trump-hotel-new-york>

علاوه بر اعتراضات دانشجویی علیه نسل کشی غزه، گزارش‌ها از وخامت چشمگیر وضعیت اعتراضات گسترده علیه سیاست‌های مهاجرتی در ایالات متحده حکایت دارد. در سال ۲۰۲۵، در پی وعده دولت و مقامات قضایی آمریکا برای برخورد شدید با معترضان این سیاست‌ها، اعزام نیروهای گارد ملی به لس‌آنجلس با واکنش‌های تند و انتقادات گسترده از سوی گروه‌های حقوق بشری مواجه شد. گزارش‌ها حاکی است که استفاده گسترده از روش‌های سرکوبگرانه و «مشت آهنین» توسط نیروهای انتظامی در لس‌آنجلس، نه تنها موجب ترس و مرعوب شدن معترضان نشده، بلکه دامنه اعتراضات را به نیویورک نیز کشانده است.

### ۳. محدود کردن رسانه‌ها

محدودیت رسانه در دوران دولت جدید آمریکا به‌طور گسترده به عنوان نقض آزادی مطبوعات و آزادی بیان شناخته شده است، که به‌طور وسیع به عنوان نقض اصول بنیادین آزادی بیان و مطبوعات شناخته می‌شود. دولت آمریکا در این دوره، رسانه‌های دارای بودجه عمومی و همچنین نهادهایی را که به پوشش اخبار مرتبط با امور فدرال، به‌ویژه در کاخ سفید و پنتاگون می‌پرداختند، به‌طور مشخص هدف قرار داده است. از جمله اقدامات اولیه دولت، امضای فرمان اجرایی در ماه فوریه بود که منجر به محرومیت Associated Press از حضور در نشست‌های خبری کاخ سفید شد، اقدامی که انتقادات فراوانی در داخل و خارج کشور برانگیخت. هدف از این اقدام تضعیف و از بین بردن مطبوعات مستقل است. این حملات شامل کاهش ۱۰۱ میلیارد دلاری بودجه پخش عمومی برای ایستگاه‌های NPR و PBS، و همچنین طرح یک شکایت ۱۰ میلیارد دلاری افترا علیه روزنامه Wall Street Journal می‌شود. این دستور که رسانه‌ها را به عدم ارائه گزارش‌های «منصفانه، دقیق یا بی‌طرف» متهم کرده بود، به‌وضوح ناقض متمم اول قانون اساسی آمریکا است.

علاوه بر این قطع بودجه رسانه‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی، دسترسی میلیون‌ها آمریکایی به اخبار محلی و محتوای آموزشی را تهدید می‌کند.<sup>۱</sup> این اقدامات به طور کلی تهدیدی جدی برای آزادی مطبوعات و استقلال رسانه‌ها در آمریکا تلقی می‌شوند و موجب نگرانی فعالان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و بخش بزرگی از جامعه جهانی شده است.

---

1. <https://www.aclu.org/news/free-speech/trumps-attacks-on-press-freedom-escalate-npr-pbs-funding-cuts-explained>



## فصل چهارم: تبعیض و نژادپرستی ساختاری

### ۱. تبعیض و شکاف اقتصادی

تبعیض و نابرابری از چالش‌های تاریخی و ریشه‌دار در ایالات متحده به شمار می‌روند که طی دو سال اخیر شدت یافته‌اند. نابرابری‌های موجود علیه شهروندان آفریقایی‌تبار، لاتین‌تبار و سایر اقلیت‌های رنگین‌پوست، صرفاً مجموعه‌ای از رویدادهای پراکنده و اتفاقی نیستند، بلکه بخشی از یک ساختار سیستماتیک و نهادی‌اند که ریشه در میراث تاریخی برده‌داری، تبعیض نژادی و سیاست‌های هدفمند دولتی دارد. در سال ۲۰۲۵، این زخم‌های تاریخی نه تنها التیام نیافته‌اند، بلکه روندی معکوس یافته و جریان‌ات سیاسی قدرتمند با طرح‌های سیاستی جامع در راستای نهادینه‌سازی و تشدید نابرابری‌های نژادی و اجتماعی در جامعه آمریکایی حرکت می‌کنند، که تهدیدی جدی برای تحقق عدالت اجتماعی و حقوق برابر شهروندان به شمار می‌رود.

شکاف فاحش ثروت میان جوامع سیاه‌پوست و سفیدپوست در آمریکا گواهی بر طراحی ناعادلانه ساختارهای اقتصادی و اجتماعی است که توانایی تحقق برابری واقعی را ندارند. این نظام‌های اقتصادی و اجتماعی، با تقویت چرخه‌های معیوب فقر و تبعیض، فرصت‌های رشد و شکوفایی فردی و جمعی را برای اقلیت‌های نژادی به‌ویژه سیاه‌پوستان به‌شدت محدود می‌کنند.

در بازه زمانی تهیه گزارش، نابرابری اقتصادی به‌طور برجسته‌ای بر جوامع سیاه‌پوست و دیگر اقلیت‌ها تأثیر منفی گذاشته و شکاف ثروت میان سیاهان و سفیدپوستان همچنان بدون تغییر چشمگیر باقی مانده است، که نشان‌دهنده ناکامی سیاست‌ها در کاهش این نابرابری‌های عمیق و پایدار است. این روند نه تنها عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند، بلکه به تداوم تبعیض ساختاری در تمامی ابعاد زندگی افراد منجر می‌شود.

در ایالات متحده آمریکا، بسیاری از کارگران، به ویژه در بخش‌های خدماتی، کشاورزی و مشاغل کم‌درآمد، با دستمزدهای ناکافی، نبود امنیت شغلی، و محدودیت دسترسی به مزایای اجتماعی روبرو هستند. کارگران مهاجر و

اقلیت‌های نژادی، اغلب با تبعیض نظام‌مند در استخدام، ترفیع، و شرایط کاری ناعادلانه مواجه هستند. این چالش‌ها نه تنها حقوق اولیه نیروی کار در این کشور را نقض می‌کند، بلکه شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه آمریکا را نیز عمیق‌تر می‌سازد.

بر اساس گزارش‌های معتبر، افراد سیاه‌پوست در آمریکا همچنان با نرخ بیکاری بالاتر و دستمزدهای پایین‌تری نسبت به افراد سفیدپوست مواجه هستند، صرف‌نظر از سطح تحصیلات یا گروه سنی. اگرچه از سال ۱۹۶۳ تاکنون تعداد قابل توجهی از آمریکایی‌های سیاه‌پوست موفق به کسب مدارک دانشگاهی و تحصیلات تکمیلی شده‌اند، اما شکاف چشمگیری در دسترسی به فرصت‌های شغلی برابر و دریافت درآمد عادلانه بین کارکنان سیاه‌پوست و سفیدپوست همچنان پابرجاست. آمارها نشان می‌دهد که به طور متوسط، افراد سیاه‌پوست حدود ۲۰ درصد کمتر از هم‌تایان سفیدپوست خود درآمد کسب می‌کنند که این موضوع نمادی از تبعیض سیستماتیک در بازار کار و ساختارهای اقتصادی آمریکا است و مانع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی این گروه می‌شود.

علاوه بر این، سیاست‌ها و ساختارهای اقتصادی فدرال در ایالات متحده به شکل نامتناسبی بر کارگران سیاه‌پوست تأثیر منفی می‌گذارند و در تداوم و تشدید نابرابری‌های اقتصادی نقش اساسی ایفا می‌کنند. تفاوت قابل توجه دستمزدها بین مشاغل که عمدتاً توسط افراد سیاه‌پوست و سفیدپوست انجام می‌شود، به همراه حداقل دستمزدهای ناکافی، یکی از عوامل کلیدی در حفظ و تعمیق شکاف ثروت بین این دو گروه است. علاوه بر این، بدهی‌های دانشجویی بالاتر در میان آمریکایی‌های سیاه‌پوست، همراه با فرصت‌های محدودتر برای کسب درآمد مناسب، منجر به دشواری در بازپرداخت بدهی‌ها و کاهش امکان ایجاد ثروت و پیشرفت مالی شده است. این شرایط ترکیبی، نابرابری اقتصادی را تقویت کرده و دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی را برای سیاه‌پوستان بیش از پیش محدود می‌کند.<sup>۱</sup>

1. <https://www.fpwa.org/resource-center/blogs/new-2024-data-highlights-ongoing-economic-disparities-faced-by-black-people-due-to-systemic-discrimination/>

نژادپرستی نظامند و نابرابری‌های ساختاری در بازار کار ایالات متحده موجب می‌شود که هرگونه ضعف یا نوسان در عملکرد کلی اقتصاد، در وهله نخست بر کارگران سیاه‌پوست تأثیر بگذارد. افت اقتصادی، ابتدا خود را در زندگی کارگران سیاه‌پوست نشان می‌دهد، نه به دلیل ضعف فردی، بلکه به دلیل تبعیض نهادینه‌شده‌ای که فرصت‌های شغلی را ناعادلانه توزیع می‌کند. در این زمینه، آمارها نیز حاکی از یک روند نگران‌کننده‌اند. نرخ بیکاری در میان مردان سیاه‌پوست از ۵.۲ درصد در ماه مه به ۶.۹ درصد در ماه‌های اخیر افزایش یافته است، افزایشی که نشانه‌ای از آسیب‌پذیری این گروه در شرایط رکود یا سیاست‌های ریاضتی است.

بر اساس گزارش‌ها، لغو فرمان اجرایی ۱۱۲۴۶ توسط دونالد ترامپ، از جهات مختلف، منجر به تشدید تبعیض نژادی در محیط کار ایالات متحده آمریکا می‌شود. اول این که لغو فرمان اجرایی ۱۱۲۴۶ سبب کاهش دسترسی شغلی جوامع سیاه‌پوست و لاتین‌تبار این کشور می‌گردد بدین ترتیب که کارگران سیاه‌پوست و لاتین‌تبار، از نظر تاریخی با تبعیض در استخدام مواجه بوده‌اند، و مطالعات نشان می‌دهد که رزومه‌هایی با نام‌های «قومی و نژادی» کمتر از رزومه‌هایی با نام‌های سفیدپوستان مورد نظر قرار می‌گیرند. بدیهی است بدون اقدام مثبت (حمایتی) ذیل فرمان اجرایی ۱۱۲۴۶، چنین تعصباتی می‌تواند بدون پاسخگویی، ادامه یابد. دوم این که لغو این فرمان، فرصت‌های ارتقاء شغلی اقلیت‌های نژادی از جمله سیاه‌پوستان و لاتین‌تبارها در بازار کار آمریکا را کاهش می‌دهد؛ به نحوی که این فرمان می‌تواند به طور نامتناسبی بر متخصصان سیاه‌پوست و لاتین‌تبار که سعی در ورود به نقش‌های رهبری دارند تأثیر بگذارد، زیرا برنامه‌های استخدام و ارتقاء متمرکز بر تنوع، احتمالاً کنار گذاشته خواهند شد. در نهایت، لغو فرمان اجرایی ۱۱۲۴۶ توسط ترامپ، سبب کاهش فرصت‌های تجاری جوامع سیاه‌پوست و لاتین‌تبار ایالات متحده آمریکا نیز می‌شود. تا قبل از لغو این فرمان، بسیاری از مشاغل متعلق به سیاه‌پوستان

و لاتین تبارها از برنامه‌های تنوع تأمین‌کنندگان فدرال که اولویت را به اعطای قراردادهای شرکت‌های متعلق به اقلیت‌ها می‌دهند، بهره‌مند می‌شدند. بدون این ملاحظات، این مشاغل ممکن است برای رقابت برای قراردادهای فدرال با مشکل مواجه شوند.<sup>۱</sup>

هم‌زمان، کاهش قابل توجه مشاغل دولتی، که یکی از منابع اصلی اشتغال زنان سیاه‌پوست محسوب می‌شود، وضعیت را وخیم‌تر کرده است. در دوره بین فوریه تا مارس ۲۰۲۵، زمانی که بخش عمده‌ای از اخراج‌ها تحت سیاست‌های وزارت جدید «بهره‌وری دولت» (DOGE) رخ داد، حدود ۲۶۶ هزار زن سیاه‌پوست از بازار کار حذف شدند؛ رقمی معادل ۲.۵۲ درصد از کل اشتغال این گروه. این آمار، بازتابی از سیاست‌هایی است که بدون توجه به تبعات اجتماعی و نژادی‌شان اتخاذ شده و به تعمیق شکاف‌های موجود در جامعه آمریکا منجر می‌شود.<sup>۲</sup>

## ۲. تبعیض و شکاف قضایی

سیستم قضایی و انتظامی آمریکا همواره یکی از اصلی‌ترین بسترهای اعمال تبعیض سیستماتیک بوده است. وقایع سال‌های اخیر و تداوم آن در سال ۲۰۲۵، نشان‌دهنده عمق این بحران است. اقلیت‌های رنگین‌پوست که با نرخ‌های بسیار بالاتری از فقر مواجه هستند به طور چشمگیری در زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها هستند. این نابرابری‌های نژادی به ویژه برای آمریکایی‌های سیاه‌پوست برجسته است، که ۴۱٪ از جمعیت زندانیان و بازداشتگاه‌ها را تشکیل می‌دهند، در حالی که تنها ۱۴٪ از کل جمعیت ایالات متحده را شامل می‌شوند.<sup>۳</sup>

آمارهای مستمر و معتبر حاکی از آن است که شهروندان سیاه‌پوست آمریکا به طور نامتناسبی و به مراتب بیشتر از سفیدپوستان، در معرض خشونت مرگبار

1. [https://racism.org/index.php?option=com\\_content&view=article&id=12465:executive-order-14173&catid=476&utm\\_source=newsletter\\_291&utm\\_medium=email&utm\\_campaign=march-2025-race](https://racism.org/index.php?option=com_content&view=article&id=12465:executive-order-14173&catid=476&utm_source=newsletter_291&utm_medium=email&utm_campaign=march-2025-race)

2. <https://19thnews.org/2025/07/black-women-unemployment-jobs-warning-sign/#:~:text=Economists%20say%20it's%20a%20warning,of%20strain%20in%20the%20economy>

3. <https://www.prisonpolicy.org/reports/pie2025.html>

پلیس قرار دارند. این واقعیت تلخ، علیرغم موج گسترده اعتراضات اجتماعی و حرکات مدنی برجسته‌ای همچون جنبش «جان سیاه‌پوستان مهم است» (Black Lives Matter)، همچنان بدون پاسخ اصلاحی مؤثر باقی مانده است. در حالی که این جنبش‌ها خواستار بازنگری اساسی در ساختار و عملکرد نهادهای انتظامی بوده‌اند، واقعیت سیاست‌گذاری‌ها خلاف این جهت را نشان می‌دهد. پروژه‌های کلان مانند «پروژه ۲۰۲۵» ضمن اولویت دادن به افزایش بودجه نهادهای پلیسی و توسعه ظرفیت زندان‌ها، منابع مالی حیاتی را که می‌توانست در جهت برنامه‌های اجتماعی، پیشگیری از جرم و توانمندسازی جوامع آسیب‌پذیر اختصاص یابد، کاهش می‌دهند. این سیاست‌های نابرابر و مجازات‌محور نه تنها باعث تشدید بی‌اعتمادی میان اقلیت‌های رنگین‌پوست و سیستم عدالت کیفری می‌شوند، بلکه به تداوم چرخه خشونت، بی‌عدالتی و نابرابری ساختاری دامن می‌زنند؛ امری که ماهیت عمیق بحران تبعیض و شکاف قضایی در ایالات متحده را به وضوح نمایان می‌سازد.

علاوه بر این، گزارش‌های متعدد و مستند نشان می‌دهد که زندانیان آفریقایی‌تبار و لاتین‌تبار به شکلی نامتناسب بخش بزرگی از جمعیت زندانیان ایالات متحده را تشکیل می‌دهند. این الگوی نژادی در بازداشت و محکومیت، نتیجه‌ای مستقیم از دهه‌ها سیاست‌گذاری تبعیض‌آمیز، به‌ویژه سیاست‌هایی چون «جنگ علیه مواد مخدر» است که به‌طور سیستماتیک و هدفمند جوامع رنگین‌پوست را هدف قرار داده است.

مطالعات حقوقی و جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که برای جرائم یکسان، متهمان سیاه‌پوست نه تنها با احتمال بیشتری بازداشت می‌شوند، بلکه در مراحل دادرسی نیز با احکام سنگین‌تر نسبت به هم‌تابان سفیدپوست مواجه‌اند. این نابرابری در صدور احکام، به‌ویژه در جرائم مواد مخدر، مالکیت سلاح و جرائم غیرخشونت‌آمیز مشهود است و نشانگر تعمیق شکاف عدالت در سیستم قضایی آمریکاست. این روند بازتابی از نژادپرستی ساختاری در نهادهای قضایی و انتظامی

آمریکا است؛ پدیده‌ای که نه تنها عدالت کیفری را مخدوش می‌سازد، بلکه به تداوم نابرابری اجتماعی، چرخه فقر، بی‌ثباتی خانوادگی و آسیب‌پذیری مزمن جوامع رنگین‌پوست دامن می‌زند.

عدالت نژادی همچنان یکی از نگرانی‌های اساسی در زمینه حقوق بشر در ایالات متحده باقی مانده است. برای نمونه، بی‌کیفرمانی در مواجهه با جنایات تاریخی، به ویژه کشتار نژادی تالسا<sup>۱</sup> در سال ۱۹۲۱، نمایانگر ناتوانی و عدم تمایل سیستم قضایی آمریکا در پاسخگویی به ظلم‌های ساختاری است. دادگاه عالی او کلاهما با رد دادخواست بازماندگان این فاجعه انسانی، بار دیگر این پیام تلخ را به جامعه سیاه‌پوستان منتقل کرد که عدالت و جبران خسارت برای قربانیان خشونت‌های نژادی، به‌ویژه زمانی که متوجه جوامع رنگین‌پوست است، دست‌نیافتنی و غیرقابل تحقق است.<sup>۲</sup>

این حکم نه تنها نقض حقوق بنیادین قربانیان و بازماندگان است، بلکه نشانه‌ای است از تداوم نژادپرستی سیستماتیک و بی‌توجهی به تاریخ سرکوب و خشونت نژادی در ایالات متحده. بی‌کیفرمانی در برابر چنین جنایاتی باعث تقویت حس بی‌اعتمادی به نظام قضایی، افزایش نابرابری‌ها و حفظ فضای تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه می‌شود.

### ۳. افزایش جرایم ناشی از نفرت

افزایش جرایم ناشی از تبعیض در ایالات متحده نشان‌دهنده چالشی جدی در زمینه حقوق بشر و عدالت اجتماعی است که به طور مستقیم کرامت و حقوق اساسی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این روند نه تنها بازتابی از تبعیض ساختاری و سیستماتیک در جامعه است، بلکه پیامدهای مخربی بر امنیت روانی و فیزیکی گروه‌های مختلف به ویژه اقلیت‌های نژادی، مذهبی دارد.

به گزارش منتشره «اتحاد تحقیقات جرم و عدالت ایالات متحده»<sup>۳</sup> تحت عنوان «جرایم ناشی از نفرت در شهرهای بزرگ آمریکا در سال ۲۰۲۴» که

1. Tulsa Race Massacre

2. <https://www.hrw.org/world-report/2025/country-chapters/united-states>

3. U.S. Crime and Justice Research Alliance

مبتنی بر داده‌های جرایم ناشی از نفرت ارائه شده توسط اداره تحقیقات فدرال آمریکا<sup>۱</sup> (FBI) می‌باشد، جرایم ناشی از نفرت علیه لاتین‌تبارها در شهرهای بزرگ آمریکا در سال ۲۰۲۴ میلادی به ۱۷۳ رسید. در همین حال، جرایم ناشی از نفرت علیه آسیایی‌ها در شهرهای بزرگ به ۱۱۳ مورد در سال ۲۰۲۴ میلادی رسیده است. علاوه بر اینها، اداره تحقیقات فدرال آمریکا، میزان جرایم ناشی از نفرت علیه سیاه‌پوستان در سال ۲۰۲۴ میلادی را ۴۵۳ مورد گزارش کرده است. ضمن این که در همین سال، جرایم ناشی از نفرت علیه اعراب در این شهرها، ۵۲ مورد بوده است. شایان ذکر است که موارد اعلام شده تنها بخشی از جرائم ناشی از نفرت علیه اقلیت‌های نژادی ایالات متحده آمریکا می‌باشد زیرا اولاً آمار ارائه شده تنها مربوط به شهرهای بزرگ ایالات متحده آمریکا بوده و کل جامعه آمریکا را پوشش نمی‌دهد و ثانیاً، بسیاری از قربانیان این نقض آشکار حقوق بشر به دلیل ترس از عواقب بعدی اعلام جرم و برخوردهای نژادپرستانه پلیس آمریکا، از پیگیری قضایی خودداری می‌کنند.<sup>۲</sup>

در این بین، کمیته حقوق بشر و کمیته رفع تبعیض نژادی ابراز نگرانی عمیق خود را نسبت به استمرار وقوع جرائم ناشی از نفرت، از جمله تیراندازی‌های جمعی و گسترش سخنان نفرت‌پراکنانه علیه افراد دارای منشأ آفریقایی و آسیایی، اعضای جوامع بومی، مسلمانان و افراد با ریشه‌های لاتین، مهاجران و پناهجویان، اعلام نمودند. این موارد در سطوح مختلف، از جمله توسط مقامات عالی‌رتبه، سیاستمداران، شخصیت‌های عمومی، و در رسانه‌های جمعی و پلتفرم‌های فضای مجازی مشاهده شده است. علاوه بر این، گزارشگر ویژه اقلیت‌ها به افزایش چشمگیر سخنان ضد آسیایی، اسلام‌هراسی، و اظهارات تحقیرآمیز علیه جوامع عرب و دیگر اقلیت‌ها اشاره نموده که الگوریتم‌های برخی شبکه‌های اجتماعی به گسترش تعصبات، نژادپرستی و انتشار اطلاعات نادرست

1. Federal Bureau of Investigation (FBI)

2. <https://crimeandjusticeresearchalliance.org>

دامن می‌زند.<sup>۱</sup>

#### ۴. تبعیض و حقوق بومیان

نژادپرستی نظام‌مند در ایالات متحده به شکل مستمر و سیستماتیک موجب نقض حقوق بشر مردمان بومی آمریکا شده است. این گروه‌های بومی، علی‌رغم تاریخچه غنی فرهنگی و حق حاکمیت خود، همچنان با تبعیض ساختاری و موانع جدی در حوزه‌های حیاتی مانند آموزش، خدمات بهداشتی، فرصت‌های شغلی و دسترسی به مسکن مناسب مواجه‌اند.

کمبود منابع آموزشی با کیفیت، نرخ بالای ترک تحصیل، کمبود مراقبت‌های بهداشتی متناسب با نیازهای فرهنگی و جغرافیایی، و نرخ بالای بیکاری در میان بومیان از جمله مصادیق بارز این تبعیض سیستماتیک است. همچنین، شرایط نامناسب مسکن و دسترسی محدود به خدمات پایه‌ای باعث تداوم وضعیت بحرانی و عدم بهره‌مندی کامل از حقوق اولیه انسانی برای مردمان بومی شده است

حقوق زنان بومی در آمریکا به‌طور گسترده نقض می‌شود. این نقض‌ها شامل خشونت‌های فیزیکی و جنسی، قتل‌های غیرقابل توجیه، ناپدیدشدن‌های مشکوک و فقدان حمایت‌های قانونی و اجتماعی کافی است. همچنین کمبود داده‌های جامع و منابع لازم برای پیگیری و تحقیق موثر در این پرونده‌ها، شرایط را برای ادامه این وضعیت نامساعد فراهم کرده است. تبعیض سیستماتیک و فقدان دسترسی به عدالت و خدمات بهداشتی و حمایتی، زنان بومی را در معرض آسیب‌های جدی و پایدار قرار داده است که نقض آشکار حقوق بشر آنان محسوب می‌شود. در این بین کمیته حقوق بشر نگرانی خود را درباره ادامه‌دار بودن خشونت علیه زنان و تأثیر نامتناسب این خشونت‌ها، قتل‌ها و ناپدیدشدن‌ها بر زنان و دختران بومی ابراز کرده است. این کمیته همچنین نسبت به نبود داده‌های جامع درباره زنان بومی مقتول و مفقود و کمبود منابع کافی برای

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>



تحقیقات مؤثر و متناسب با فرهنگ در این پرونده‌ها ابراز نگرانی نموده است.<sup>۱</sup> تصمیم دولت ایالات متحده برای اجازه دادن به شرکت Lithium Americas جهت استخراج معدن در تیکر پس در نوادا، حقوق مردم بومی را نقض کرده است زیرا رضایت آزاد، پیشین و آگاهانه آن‌ها کسب نشده است. این پروژه نشان می‌دهد که قوانین معدنی ایالات متحده و روند صدور مجوز چگونه حقوق مردم بومی را نادیده می‌گیرند، ساکنان همچنین نگران تهدید این معدن برای حقوق خود در زمینه سلامت، محیط زیست سالم و آب هستند.<sup>۲</sup>

در این بین، کمیته رفع تبعیض نژادی نسبت به ادعاهایی مبنی بر عدم اقدام ایالات متحده در احترام به پیمان‌های دوجانبه با مردمان بومی، موانع شناسایی آنان، تفسیر محدودکننده اصل رضایت آزاد، قبلی و آگاهانه و فقدان مشاوره به موقع و معنادار با آنها ابراز نگرانی کرد. همچنین این کمیته نگرانی خود را درباره تأثیرات منفی صنایع استخراجی و پروژه‌های زیرساختی بر حقوق و سبک زندگی مردمان بومی اعلام نموده است.<sup>۳</sup>

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، کنگره ایالات متحده در حال بررسی طرحی برای کاهش بیش از ۱ میلیارد دلار از بودجه «شرکت برای پخش عمومی» (CPB) است. این اقدام که بخشی از تلاش‌های دولت فدرال برای کنترل بدهی ۳۷ تریلیون دلاری کشور عنوان شده، پیامدهای گسترده و نگران‌کننده‌ای برای جوامع بومی آمریکا خواهد داشت. طبق پیش‌بینی‌ها، در صورت تصویب این کاهش بودجه، تا ۹۰ درصد از ۵۹ ایستگاه رادیویی قبیله‌ای که از این بودجه بهره‌مند می‌شوند، ناچار به تعطیلی خواهند شد. این ایستگاه‌ها منابع حیاتی برای بومیان محسوب می‌شوند و نقشی اساسی در تضمین حق دسترسی به اطلاعات، هشدارهای اضطراری، اخبار محلی، برنامه‌های آموزشی و حفظ زبان‌ها و فرهنگ‌های بومی ایفا می‌کنند. محروم‌سازی ناگهانی این جوامع از دسترسی

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

2. <https://www.hrw.org/news/2025/02/06/us-lithium-mine-permit-violates-indigenous-peoples-rights>

3. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

به رسانه‌های بومی، نه تنها نقض حق بنیادین اطلاعات و آزادی بیان است، بلکه تهدیدی علیه حق مشارکت سیاسی، سلامت عمومی، و حق فرهنگی مردمان بومی نیز به شمار می‌رود. این تصمیم می‌تواند به خاموشی بلندمدت صدای بومیان در رسانه‌ها منجر شود، آن هم در شرایطی که بسیاری از این جوامع پیش‌تر با انزوا، تبعیض و فقدان زیرساخت‌های ارتباطی مناسب روبه‌رو هستند. علاوه بر این، ایده بازگشایی زندان آلکاتراز به عنوان بازداشتگاهی برای مهاجران و مجرمان خشن، واکنش‌های شدید و گسترده‌ای را در میان بومیان منطقه خلیج سانفرانسیسکو و فعالان حقوق بومیان برانگیخته است. این جزیره که پس از تعطیلی زندان در سال ۱۹۶۳ به نمادی تاریخی از مقاومت بومیان آمریکا تبدیل شده، جایگاه ویژه‌ای در حافظه جمعی و هویت فرهنگی این جوامع دارد. در نوامبر ۱۹۶۹، گروهی از فعالان بومی برای ۱۹ ماه بر آلکاتراز مسلط شدند و خواستار به رسمیت شناختن حقوق بومیان و بازگرداندن منابع به آن‌ها شدند؛ اقدامی که به عنوان یکی از مهم‌ترین حرکت‌های مدرن مقاومت بومیان آمریکا شناخته می‌شود. استفاده مجدد از این مکان به عنوان بازداشتگاه مهاجران، نه تنها توهینی عمیق به تاریخ و هویت بومیان است، بلکه تکرار سابقه خشونت و سرکوب تاریخی ایالت علیه گروه‌های بومی را به نمایش می‌گذارد.<sup>۱</sup>

1. <https://www.theguardian.com/us-news/2025/aug/02/trump-alcataz-indigenous-people>

## فصل پنجم: نقض حقوق مهاجران و پناجویان

### ۱. نظامی سازی سیاست مهاجرتی

در بازه زمانی تهیه گزارش بحران انسانی مرتبط با مهاجران در ایالات متحده به سطحی نگران کننده و بی سابقه از نقض حقوق بشر رسیده است. مهاجران، به ویژه کودکان و خانواده ها، در مناطق مرزی با شرایطی مواجه هستند که از منظر قوانین بین المللی حقوق بشر، غیر انسانی و تحقیر آمیز تلقی می شود. این وضعیت شامل بازداشت های طولانی مدت در مراکز فاقد استانداردهای لازم، رفتارهای خشونت آمیز و محرومیت از دسترسی به حقوق اساسی نظیر مراقبت های بهداشتی، آموزش و حمایت های روانی و اجتماعی است.

گروه های حقوق بشری می گویند که اتکا به پایگاه های نظامی برای بازداشت مهاجران به طور عمیق نگران کننده است و خطر عادی سازی استفاده از زیرساخت های نظامی برای اجرای قانون غیر نظامی را به همراه دارد. اعضای اتحادیه آزادی های مدنی آمریکا (ACLU) در نیوجرسی گفته اند: آنچه می بینیم، زیاده روی است که نباید در مورد استفاده از تاسیسات نظامی یا منابع نظامی برای بازداشت مهاجران، آن را عادی سازی کنیم.

در روز تحلیف، دولت آمریکا وضعیت اضطراری ملی در مرز جنوبی اعلام کرد و با ادعای نادرست درباره یک تهاجم، افزایش قابل توجهی در تعداد نیروهای گارد ملی فدرال شده تحت عنوان قانون Title ۱۰ در مرز ایجاد کرد. از آن زمان، وی خودروهای رزمی را به جوامع مرزی ارسال کرده است. این نیروها در ساخت و حمل مصالح دیوار مرزی، کمک به نظارت و کشف، و پشتیبانی لجستیکی از نهادهای مدنی مانند اداره مهاجرت و گمرک (ICE) و حفاظت گمرکی و مرزی (CBP) نقش داشته اند. اما اقدامات او شرایط زندگی جوامع مدنی در مرز را بدتر کرده است. مرز جنوبی آمریکا محل زندگی حدود ۱۹ میلیون نفر است، علاوه بر افراد معمولی و تجاری که هر روز از مرز عبور می کنند. در سال های اخیر، شهروندان آمریکایی و دیگر ساکنان مرزی با نظارت های گسترده اجرای قانون،

پلیس فدرال تهاجمی، ایستگاه‌های بازرسی مرزی که برای دسترسی به خدمات پزشکی و امور روزمره باید از آن عبور کنند، و تخریب محیط زیست ناشی از ساخت دیوار مرزی مواجهه بوده‌اند.

علاوه بر این در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۲۵، رئیس جمهور آمریکا یادداشتی صادر کرد که به وزارت دفاع اجازه استفاده و نظارت بر اراضی عمومی مدنی در طول مرز، از جمله «Roosevelt Reservation» در نیومکزیکو و به جز مناطق رزرو بومیان فدرال، برای فعالیت‌های نظامی را می‌دهد. دستور رئیس جمهور به وزیر دفاع اجازه می‌دهد «فعالیت‌های نظامی که به طور معقول لازم و مناسب هستند» را تعیین کند، از جمله اقداماتی برای «حفاظت و حفظ امنیت تأسیسات نظامی» و منع ورود افراد به «مناطق دفاع ملی» جدید تعیین شده. به عبارت دیگر، ترامپ در حال گشودن دروازه به نقشی گسترده‌تر برای ارتش است که فراتر از حمایت‌های لجستیکی رفته و احتمالاً فراتر از منطقه مشخص شده نیز خواهد بود. این سیاست جدید پیامدهای جدی برای ساکنان مرزی دارد که در این منطقه نظامی شده گسترده‌تر زندگی می‌کنند، مناطقی که شامل شهرهایی مانند سن دیگو، کالیفرنیا؛ نوگالس، آریزونا؛ ال پاسو، تگزاس و دیگر جوامع پرجمعیت و پررونق است. مردم این مناطق اکنون ممکن است به خاطر ورود غیرعمدی به «مناطق دفاع ملی» تعیین شده با تعقیب قضایی فدرال مواجه شوند.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، استقرار نیروهای مسلح در مرزهای جنوب غربی کشور، نگرانی‌های جدی درباره نظامی‌سازی پاسخ به پدیده مهاجرت و تهدید حقوق اولیه انسان‌ها را برانگیخته است. سیاست‌های رسمی استفاده از زور در این مناطق، اولویت را به «حفاظت از امنیت پرسنل وزارت امنیت داخلی و نیروهای نظامی» می‌دهد، که به زعم ناظران حقوق بشری، می‌تواند به تساهل در استفاده از سلاح‌های مرگ‌بار در برخورد با مهاجران منجر شود.<sup>۲</sup>

1. <https://www.aclu.org/news/national-security/trumps-expanded-domestic-military-use-should-worry-us-all>

2. <https://www.hrw.org/news/2025/02/20/ten-harmful-trump-administration-immigration-and-refugee-policies>

در پنج ماه نخست سال ۲۰۲۵، ده‌ها هزار نفر از مهاجرانی که توسط اداره مهاجرت و گمرک ایالات متحده (ICE) یا سایر نهادهای فدرال بازداشت شده‌اند، به دلیل اتهامات کیفری مشکوک یا ساختگی مرتبط با مهاجرت، به سیستم بازداشت جنایی فدرال منتقل شده‌اند. بر اساس اسناد به‌دست‌آمده از بخش عملیات زندانیان وابسته به سرویس مارشال‌های ایالات متحده، حدود ۲۰,۰۰۰ نفر از ژانویه تا پایان ماه مه ۲۰۲۵ به دلیل اتهامات مرتبط با مهاجرت، در بازداشت‌های مقدماتی فدرال ثبت شده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که میزان واقعی بازداشت مهاجران بسیار فراتر از آن چیزی است که در داده‌های رسمی ICE بازتاب می‌یابد.<sup>۱</sup> این روند، بیانگر گسترش فزاینده‌ی استفاده از سازوکارهای کیفری برای کنترل مهاجرت است؛ مسیری که نه تنها حقوق بنیادین مهاجران را تضعیف می‌کند، بلکه با تبدیل پرونده‌های مهاجرتی به موضوعات جنایی، به افزایش بی‌سابقه جمعیت بازداشت‌شده و نقض اصول دادرسی عادلانه منجر می‌شود.

گزارشگر ویژه نژادپرستی، نگرانی خود را نسبت به نژادپرستی سیستماتیک در اداره مهاجرت ابراز داشت، از جمله اقدامات دولت در جهت برون‌سپاری و نظامی‌سازی مرزها برای جلوگیری از مهاجرت که با افزایش استفاده از فناوری‌های نظارتی و دیجیتال همراه است. وی تأکید کرد که سیاست‌های بازدارندگی اغلب تعهدات دولت نسبت به پناهجویان را نادیده می‌گیرند. همچنین این گزارشگر به موارد بازداشت اجباری غیرشهروندان بدون رعایت روند قانونی و بدون دسترسی به نمایندگی حقوقی در مراکز بازداشت با شرایط ناکافی و گاهی خطرناک اشاره کرد.<sup>۲</sup>

یکی از ابعاد نگران‌کننده، استفاده از ابزارهای قضایی برای تهدید مهاجران بازداشت‌شده است. دادستان‌های فدرال این اختیار را دارند که مهاجران بازداشت‌شده را با اتهامات کیفری فدرال مواجه سازند، اتهاماتی که می‌توانند

1. [https://www.prisonpolicy.org/reports/jails\\_immigration.html](https://www.prisonpolicy.org/reports/jails_immigration.html)

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

منجر به احکام طولانی‌مدت زندان و جریمه‌های سنگین شوند. این تهدید عملاً بسیاری از افراد را از پیگیری درخواست‌های پناهندگی یا احقاق حقوق قانونی خود بازمی‌دارد و آنان را وادار می‌سازد از مسیرهای قانونی عدول کرده و به روند اخراج تن دهند.

این الگو، شباهت قابل‌توجهی با پدیده‌ی شناخته‌شده‌ی «مجازات دادگاه»<sup>۱</sup> در نظام عدالت کیفری دارد؛ وضعیتی که در آن، افراد برای اجتناب از محکومیت‌های سنگین‌تر، ناچار می‌شوند به اتهامات وارد شده اعتراف کنند، حتی در پرونده‌هایی که امکان پیروزی در دادگاه وجود دارد.

## ۲. شرایط نامناسب بازداشتگاه‌های مهاجران

گزارش‌های متعدد و مستند در سال ۲۰۲۵ از شرایط غیرانسانی در مراکز بازداشت مهاجران در ایالات متحده پرده برداشته‌اند. بر اساس این گزارش‌ها، افراد بازداشت‌شده در معرض ازدحام شدید، دمای غیرقابل‌تحمل (بسیار بالا یا پایین)، و فقدان دسترسی کافی به نیازهای اولیه از جمله غذا، آب آشامیدنی، مراقبت‌های پزشکی و وسایل بهداشتی قرار دارند.

بین ژانویه تا ژوئن ۲۰۲۵، هزاران مهاجر در سه مرکز بازداشت اصلی در ایالت فلوریدا شامل مرکز خدمات کروم شمالی<sup>۲</sup> مرکز انتقالی بروارد<sup>۳</sup> و مرکز بازداشت فدرال<sup>۴</sup> نگهداری شده‌اند.

بر پایه‌ی داده‌های ثبت‌شده، تا ماه مارس ۲۰۲۵، جمعیت بازداشت‌شدگان در مرکز کروم ۲۴۹ درصد افزایش نسبت به پیش از آغاز به کار دولت جدید داشته است. در برخی از روزهای مارس، این مرکز بیش از سه برابر ظرفیت مجاز خود را در بازداشت نگه می‌داشته است. همچنین تا تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۲۵، تعداد افراد بازداشت‌شده در این سه مرکز، رشدی معادل ۱۱۱ درصد نسبت به روز

1. trial penalty

2. Krome North Service Processing Center

3. Broward Transitional Center (BTC)

4. Federal Detention Center (FDC)

تحلیف دولت جدید نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> افراد بازداشت‌شده در این مراکز در شرایطی بسیار شلوغ، غیربهداشتی و غیرانسانی به سر می‌برند. گزارش‌های میدانی و شهادت‌های متعدد، حاکی از رفتار تحقیرآمیز با بازداشت‌شدگان، محرومیت از دسترسی به مراقبت پزشکی فوری و مناسب، و ایجاد آسیب‌های جسمی و روانی جدی بر اثر این شرایط هستند.

رئیس‌جمهور ایالات متحده اخیراً اردوگاه بازداشت مهاجران واقع در اورگلیدز (Everglades) ایالت فلوریدا را «آلکاتراز تمساحی» توصیف کرده است؛ محلی که کارشناسان حقوق بشری آن را کمتر از یک اردوگاه کار اجباری نمی‌دانند. این مرکز بازداشت که قرار است ظرفیت نگهداری تا پنج هزار مهاجر دستگیرشده توسط اداره مهاجرت و گمرک ایالات متحده (ICE) را در دوره انتظار اخراج فراهم کند، میزبان حدود ۷۰۰ مهاجر است. شرایط موجود در این اردوگاه نگرانی‌های جدی درباره نقض حقوق بنیادین بازداشت‌شدگان، از جمله حقوق مربوط به شرایط انسانی نگهداری و دسترسی به خدمات ضروری را به دنبال داشته است.<sup>۲</sup> بازداشت‌شدگان در قفس‌های فلزی نگهداری می‌شوند که در هر یک ده‌ها نفر به‌صورت فشرده جای داده شده‌اند و در چادرهای بزرگ و سنگین، در شرایط گرمای شدید اسکان داده شده‌اند. گزارش‌های متعدد حاکی از آن است که بازداشت‌شدگان و خانواده‌های آنان با مشکلات جدی از جمله دریافت غذای آلوده به کرم، بی‌توجهی و کم‌توجهی پزشکی، سیستم تهویه مطبوع ناکارآمد و تعداد ناکافی توالت‌هایی که اغلب سرریز می‌شوند، مواجه هستند.

### ۳. اخراج‌های اجباری به کشورهای ثالث

ناپدید شدن اجباری و شکنجه مهاجران توسط یک کشور ثالث به دستور یک کشور اخراج‌کننده، جدیدترین تحوّل تکان‌دهنده در خارجی‌سازی کنترل مهاجرت است که به موجب آن اقدامات امنیتی مرزی یک کشور پذیرنده مهاجر،

1. <https://www.hrw.org/report/2025/07/21/you-feel-like-your-life-is-over/abusive-practices-at-three-florida-immigration>

2. <https://edition.cnn.com/2025/07/01/us/what-is-alligator-alcatraz-florida>

به کشور دیگری واگذار می‌شود. طبق گزارش‌ها آمریکا با السالوادور مخفیانه بر سر شکنجه معامله کرده است. السالوادور و ایالات متحده آمریکا، مخفیانه توافقی را نهایی کردند که بر اساس آن، السالوادور افرادی را از ایالات متحده، به بازداشت نامحدود و بدون ارتباط با دیگران در زندان‌های خود از جمله مرکز مهار تروریسم یا همان سیکات<sup>۱</sup> (CECOT)، منتقل می‌کند. این گزارش به گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر مهاجران، اسنادی را ارائه می‌کند که چگونه کشور السالوادور، حدود ۲۸۸ نفر از بازداشت‌شدگان در ایالات متحده آمریکا را به کشور خود، منتقل و در زندان سیکات زندانی کرده است.<sup>۲</sup> این افراد، در کشور آمریکا تحت «قانون دشمنان بیگانه»<sup>۳</sup> (یک قانون قرن هجدهمی ایالات متحده که برای اخراج افراد بدون محاکمه صرفاً به اتهام عضویت در باندهای تبهکاری استفاده می‌شد) دستگیر شده بودند.<sup>۴</sup>

علاوه بر این، ایالات متحده در چارچوب سیاست جدید و بحث‌برانگیز دولت ترامپ، پنج تبعه خارجی را بدون هیچ پیوند معناداری با کشور مقصد، به پادشاهی اسواتینی در جنوب آفریقا اخراج کرده است؛ اقدامی که بخشی از برنامه گسترده‌تر اخراج مهاجران به کشورهای ثالث به شمار می‌رود. این افراد که اهل ویتنام، کوبا، جامائیکا، یمن و لائوس هستند، بنا بر اظهارات مقامات آمریکایی، به دلیل امتناع کشورهای مبدأ از پذیرششان، به وسیله هواپیما به اسواتینی منتقل شده‌اند؛ کشوری کوچک با جمعیتی حدود ۱.۲ میلیون نفر که هیچ توافق رسمی در این خصوص با ایالات متحده ندارد.<sup>۵</sup>

بر اساس گزارش‌ها، رواندا توافق‌نامه‌ی با دولت آمریکا با هدف افزایش تلاش‌ها برای اخراج میلیون‌ها مهاجر امضا کرده است. دولت آمریکا پیش از این توافق‌نامه‌هایی را برای اخراج مهاجران به سودان جنوبی و اسواتینی (۲ کشور جنوب صحرای آفریقا) امضا کرده است. رواندا با دولت ترامپ برای پذیرش

1. Centro de Confinamiento del Terrorismo (CECOT)

2. Robert F. Kennedy Human Rights, 2025

3. Alien Enemies Act

4. Robert F. Kennedy Human Rights, 2025

5. <https://www.bbc.com/news/articles/clyze8mvzdgo>



مهاجران اخراجی از ایالات متحده به توافق رسیده است و به سومین کشور آفریقایی تبدیل شده است که این کار را انجام می‌دهد، در حالی که شکایاتی مبنی بر تحت فشار قرار گرفتن دولت‌های این قاره توسط کاخ سفید برای پذیرش آنها وجود دارد. اخراج‌شدگان خارجی آمریکایی، که اصالتاً از کشورهای دیگر هستند، پیش از این به سودان جنوبی و اسواتینی فرستاده شده بودند. این کشور شرق آفریقا «با ایالات متحده برای پذیرش حداکثر ۲۵۰ مهاجر توافق کرده است»، در توافقی که به دولت اجازه می‌دهد «هر فرد پیشنهادی برای اسکان مجدد را تأیید کند».<sup>۱</sup>

در یکی از بحث‌برانگیزترین اقدامات اخیر، دولت ایالات متحده به قانون «دشمنان بیگانه» مصوب سال ۱۷۹۸ که یک قانون زمان جنگ و به ندرت به کار گرفته شده است، متوسل شده تا روند اخراج اتباع ونزوئلایی را تسریع بخشد. این کاربرد یک قانون اختیارات جنگی ۲۲۷ ساله، نگرانی‌های قانون اساسی قابل توجهی را در مورد حقوق دادرسی عادلانه تحت متمم پنجم ایجاد کرده است. دیوان عالی مجبور شده است مداخله کند و خواستار اطلاع‌رسانی و فرصت فردی برای اعتراض به اخراج شود، اگرچه اجرای این حمایت‌ها همچنان ناسازگار است.<sup>۲</sup>

در این راستا، چندین رویه دار شورای حقوق بشر ابراز نگرانی کردند که قانون «دشمنان خارجی» (Alien Enemies Act) توسط دولت ایالات متحده به نادرستی به کار گرفته شده است تا حق دادرسی عادلانه را نقض کرده و اخراج‌های خودسرانه را امکان‌پذیر سازد، که شامل ناپدید شدن‌های اجباری افراد، از جمله کسانی که در گروه‌های جنایی دخیل نیستند، می‌شود. کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد از دولت ایالات متحده خواست تا حق دادرسی عادلانه را تضمین کند، احکام دادگاه را اجرا نماید، حقوق کودکان را

1. <https://edition.cnn.com/2025/08/05/africa/us-rwanda-migrants-deal-intl>

2. <https://www.npr.org/2025/04/30/g-s1-63415/top-5-immigration-changes-trump-first-100-days>

حفاظت کند و اقدامات اخراج را در مواردی که خطر شکنجه وجود دارد، متوقف سازد.<sup>۱</sup>

در میان مجموعه‌ای از فرمان‌های اجرایی مرتبط با مهاجرت که دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ را شکل داده‌اند، فرمان اجرایی شماره ۱۴۱۵۹ به چشم می‌خورد که سیاست بازداشت افرادی را که به ظن نقض قوانین مهاجرت بازداشت شده‌اند، تا زمان تکمیل روند اخراج آنها «تا حدی که قانون اجازه می‌دهد» تعیین می‌کند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که دولت آمریکا پس از نگه‌داشتن مهاجران و پناهجویان در شرایط بازداشت غیرانسانی که گاه به هفته‌ها می‌انجامید، و محروم کردن آنها از دسترسی به روند دادرسی و حق درخواست پناهندگی، اقدام به اخراج این افراد کرده است. گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری اعلام کرده‌اند؛ غیرقابل قبول است که خانواده‌ها بدون هیچ روند قانونی و بدون در نظر گرفتن امنیتشان، به کشوری فرستاده شوند که هرگز خودشان آن را انتخاب نکرده‌اند.

علاوه بر این دولت ترامپ ادعای حق لغو وضعیت قانونی مهاجران را بر اساس بندی از قانون مهاجرت و تابعیت سال ۱۹۵۲ مطرح کرده است که به وزیر امور خارجه اجازه می‌دهد تشخیص دهد حضور یک فرد در کشور «به منافع حیاتی سیاست خارجی ایالات متحده لطمه می‌زند.» این استدلال عمدتاً بدون ارائه توضیح جدی یا ارزیابی فردی و صرفاً با استناد به فعالیت‌های اعتراضی یا ابراز دیدگاه سیاسی افرادی که هدف گرفته شده‌اند، به کار گرفته می‌شود. این ادعای اختیار نامحدود در قالب الگویی قرار می‌گیرد که به تازگی با اخراج ۱۳۷ و نزوئلایی مقیم آمریکا به زندانی در السالوادور، بدون برگزاری جلسه دادرسی و بر اساس تفسیر جنجالی قانون «دشمنان خارجی» سال ۱۷۹۸، به وضوح مشاهده شده است. دولت مدعی است که بر اساس این قانون می‌تواند هر شهروند و نزوئلایی را که عضو گروهی به نام «ترن د آر آگوا» است و این گروه را به دولت و نزوئلا مرتبط می‌داند، اخراج کند.

1. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

گفتنی است، رئیس جمهور آمریکا طی فرمان مهاجرتی ورود اتباع ۱۲ کشور از جمله ایران را به خاک آمریکا ممنوع اعلام کرد. این فرمان به طور صریح نقض کننده تعهدات حقوق بشری آمریکا از جمله اصول عدم اخراج و تبعیض براساس نژاد یا ملیت است. اعلامیه جهانی حقوق بشر حق ورود و اقامت قانونی در هر کشوری را از جمله حقوق اساسی انسانها برشمرده است.

#### ۴. بازداشت و نقض حقوق ایرانیان مهاجر مقیم آمریکا

وضعیت ایرانیان مقیم ایالات متحده آمریکا در طی سالهای گذشته با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده که پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ و اتخاذ سیاست‌های ضد مهاجرتی توسط وی، مهاجران ایرانی مقیم این کشور بر شدت و پیچیدگی آن افزوده شده است. ضمن این که در نتیجه جنگ تحمیلی رژیم اسرائیل علیه ایران و حمله غیرقانونی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران نیز، فشار بر جامعه ایرانی مقیم این کشور به طور فزاینده‌ای افزایش یافته و محدودیت‌های بیشتری را به ایرانیان مهاجر به این کشور تحمیل نموده است. وزارت امنیت داخلی ایالات متحده آمریکا<sup>۱</sup> (DHS) در خبری که در تارنمای رسمی خود در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی منتشر کرد، اعلام نمود که در روزهای ۲۲ و ۲۳ ژوئن سال ۲۰۲۵ میلادی، در عملیاتی گسترده، ۱۱ تبعه ایرانی را به دلیل حضور غیر قانونی در خاک آمریکا دستگیر کرد. در این خبر ادعا شده است که «مهاجران غیر قانونی مجرم دستگیر شده شامل فردی با روابط پذیرفته شده با حزب الله، یک تروریست شناخته شده یا مظنون، و یک تک تیرانداز سابق ارتش ایران هستند».<sup>۲</sup>

برخورد اداره مهاجرت ایالات متحده آمریکا با ایرانیان مقیم این کشور، که گاهی به نقض حقوق مهاجران ایرانی منجر می‌شود، ریشه در ترکیبی از عوامل سیاسی، امنیتی و اجتماعی دارد. در شرایطی که تنش‌های سیاسی بین ایران و آمریکا بالاست، اتباع ایرانی، حتی آن‌هایی که به صورت قانونی در این کشور

1. U.S. Department of Homeland Security (DHS)

2. <https://www.dhs.gov/news/2025/06/24/ice-arrests-11-iranian-nationals-illegally-us-over-weekend>

حضور دارند، گاهی به دلیل ملیّت خود تحت نظارت‌های شدیدتر قرار گرفته و در معرض اتهامات یا بازداشت‌های خودسرانه به دلایل واهی واقع می‌شوند. چنین برخوردهای ناقض حقوق اولیه مهاجران، به ویژه پس از جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران و تهاجم امریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، تشدید شده است. بدیهی است که این رویکرد، که بر پایه ملیّت افراد متمرکز است، می‌تواند منجر به تبعیض نظام‌مند و نقض حقوق اولیه انسانی و مهاجرتی ایرانیان مقیم این کشور شود. رویکردی که بر اساس آن، افراد صرفاً به دلیل هویت ایرانی خود، با چالش‌های بیشتری در زمینه اقامت، اشتغال و امنیت خود، مواجه می‌شوند.

## فصل ششم: نقض حقوق زنان

### ۱. خشونت علیه زنان

آمارهای رسمی سال نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان و خشونت‌های جنسیتی و جنسی در ایالات متحده آمریکا همچنان یکی از چالش‌های جدی اجتماعی است. در سال ۲۰۲۵، به صورت کلی ۲۰۴۰۵۵ مورد جرایم جنسی گزارش شده است؛ به عبارت دیگر به طور متوسط روزانه ۵۵۹ مورد یا هر ۲،۵۷ دقیقه یک جرم جنسی رخ داده است. انواع جرایم جنسی گزارش شده شامل ۴۱٪ آزار جنسی و ۳۷٪ تجاوز بوده است. حدود ۸۶٪ قربانیان جرایم جنسی زن بوده‌اند. لازم به ذکر است که نزدیک به ۴۸٪ قربانیان در رده سنی ۱۱ تا ۲۰ سال قرار داشته‌اند و ۱۸٪ نیز کودکان زیر ۱۰ سال بوده‌اند. ایالاتی مانند آلاسکا، داکوتای جنوبی و آرکانزاس بیشترین نرخ تجاوز و مونتانا و یوتا بیشترین میزان آزار جنسی را داشته‌اند.

این ارقام نمایانگر شدت و گستردگی خشونت جنسیتی و جنسی در آمریکا در سال ۲۰۲۵ هستند و نشان می‌دهند که بخش قابل توجهی از قربانیان زنان و نوجوانان هستند.<sup>۱</sup> حدود ۳۵،۶٪ از زنان در آمریکا در طول زندگی خود تجربه خشونت فیزیکی، تجاوز یا آزار جنسی، یا تعقیب از سوی شریک زندگی را داشته‌اند. هر ساله نزدیک به ۱۰ میلیون زن در آمریکا قربانی خشونت خانگی می‌شوند. در نیمه اول سال ۲۰۲۵، نرخ خشونت خانگی در ۹ شهر بزرگ آمریکا به‌طور میانگین ۳٪ نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است.

### ۲. خشونت خانگی

خشونت خانگی یکی از چالش‌های کلیدی حوزه زنان است که همچنان در آمریکا رو به تزاید است. آمار نشان می‌دهد حدود ۲۲٪ زنان در ایالات متحده در طول زندگی خود خشونت توسط شریک زندگی را تجربه کرده‌اند.<sup>۲</sup> حدود ۸۱٪

1. <https://www.johnfitch.com/research/sex-offense-study-2025-worst-states-and-statistics/>  
2. Margaret Stranka, "Amending the Justice Reinvestment Act to Protect Victims of Domestic Violence," University of Maryland Law Journal of Race, Religion, Gender & Class 19, no. 1 (Spring 2019): 185-200.

از زنان در آمریکا در طول زندگی خود تجربه آزار یا تجاوز جنسی را داشته‌اند. با وجود به روزرسانی‌های اخیر قوانین و سیاست‌ها، بسیاری از راهکارهای دولتی مقابله با خشونت خانگی برای قربانیان در دسترس نبوده یا بی اثر هستند و شمار زیادی از آسیب دیدگان از فرصت‌های محدود موجود نیز محروم می‌شوند.<sup>۱</sup> این معضل همچنان به عنوان یک مشکل جدی فاقد راهکارهای پایدار و کارآمد برای کمک به تمام زنان آسیب دیده باقی است. لازم به ذکر است که از محدودیت‌های مطالعه خشونت خانگی باید به اختلاف بین آمار گزارش شده به مقامات قانونی یا پزشکان با موارد واقعی اشاره کرد. قابل ذکر است که در ایالات متحده «کمتر از ۴۰٪ زنانی که خشونت را تجربه می‌کنند، به دنبال کمک می‌روند»<sup>۲</sup>

در نیمه اول سال ۲۰۲۵، خشونت خانگی تنها نوع جرم خشونت‌آمیز بود که ۳٪ نسبت به دوره مشابه در ۲۰۲۴ افزایش داشته است.<sup>۳</sup> قابل ذکر است که مناطق شهری شاهد افزایش موارد خشونت خانگی است.

داده‌های خشونت خانگی معمولاً ناقص گزارش می‌شوند و بین مناطق مختلف تفاوت زیادی وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۵ فقط ۹ شهر از ۴۲ شهر مورد مطالعه (کمتر از ۲۵٪) آمار خشونت خانگی را به طور منظم ثبت کرده‌اند.<sup>۴</sup>

هر دقیقه، ۲۰ نفر قربانی خشونت فیزیکی توسط شریک زندگی خود می‌شوند<sup>۵</sup>، به گونه‌ای که این آمار به بیش از ۱۰ میلیون قربانی در سال می‌رسد، از هر ۳ زن، ۱ نفر خشونت توسط شریک زندگی را تجربه می‌کند.<sup>۶</sup> زنان ۱۸ تا

1. Jacqueline G. Lee and Bethany L. Backes, "Civil Legal Aid and Domestic Violence: A Review of the Literature and Promising Directions," *Journal of Family Violence* 33, no. 6 (2018): 421–433.

2. Jennifer L. Truman and Rachel E. Morgan, "Nonfatal Domestic Violence," Washington, DC: US Department of Justice, Bureau of Justice Statistics (2014).

3. <https://counciloncj.org/crime-trends-in-u-s-cities-mid-year-2025-update/>

4. <https://www.cdc.gov/intimate-partner-violence/about/index.html>

5. <https://www.cdc.gov/nisvs/about/index.html>

6. <https://www.kff.org/womens-health-policy/issue-brief/womens-experiences-with-intimate-partner-violence/>

۲۴ ساله، بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر خشونت خانگی دارند.<sup>۱</sup> در ۴۲٪ از قتل‌های ناشی از خشونت خانگی، از اسلحه گرم استفاده می‌شود.<sup>۲</sup> ۴۳٪ از زنان در ایالت واشنگتن در طول زندگی خود خشونت توسط شریک زندگی را تجربه می‌کنند. ۳۰٪ از قتل‌های زنان، توسط شرکای زندگی یا خانوادگی آنها انجام می‌شود.<sup>۳</sup> زنان جوان در بحرانی‌ترین سن برای تجربه خشونت خانگی هستند. دسترس بودن اسلحه، خطر تبدیل خشونت به قتل را به شدت افزایش می‌دهد. خشونت خانگی یکی از اصلی‌ترین دلایل قتل زنان در آمریکا محسوب می‌شود. این آمار نشان می‌دهد که خشونت خانگی نه تنها یک مشکل رایج است، بلکه به آسانی می‌تواند به فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر تبدیل شود.

علاوه بر این، خشونت خانگی یکی از عوامل اصلی بی‌خانمانی در میان زنان آمریکایی است. مطابق با گزارش‌ها، بین ۲۰٪ تا ۵۰٪ از زنان بی‌خانمان در آمریکا به‌طور مستقیم به‌دلیل فرار از خشونت خانگی، بی‌خانمان شده‌اند. این آمار نشان‌دهنده نیاز به ایجاد پناهگاه‌ها و حمایت‌های اجتماعی برای زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی است تا از بی‌خانمانی آن‌ها جلوگیری شود.

### ۳. نابرابری اقتصادی زنان

زنان آمریکایی هنوز با چالش‌های جدی در زمینه دسترسی برابر به درآمد، ثروت، شغل و نقش‌های مدیریتی روبه‌رو هستند. این شکاف در ابعاد مختلفی چون درآمد، ثروت، فرصت‌های شغلی و نرخ فقر قابل مشاهده است. در سال ۲۰۲۵، نابرابری اقتصادی میان زنان و مردان در ایالات متحده آمریکا همچنان یک چالش جدی است که تأثیرات عمیقی بر زندگی حرفه‌ای، مالی و اجتماعی زنان دارد. این نابرابری‌ها به‌ویژه در میان زنان رنگین‌پوست، مادران شاغل و در برخی ایالت‌ها همچنان قابل توجه است.

1. <https://fdfamilylaw.com/shocking-statistics-about-domestic-abuse-infogra/>

2. [https://www.aap.org/en/patient-care/intimate-partner-violence/intimate-partner-violence-infographic-series/?srsltid=AfmBOoc73P67wnCdtK3Ai8gHDRvT7573aGTV-JU7At9yOj3LH-vVi\\_tD](https://www.aap.org/en/patient-care/intimate-partner-violence/intimate-partner-violence-infographic-series/?srsltid=AfmBOoc73P67wnCdtK3Ai8gHDRvT7573aGTV-JU7At9yOj3LH-vVi_tD)

3. <https://www.solid-ground.org/unveiling-the-many-forms-of-domestic-intimate-partner-gender-based-violence/>

طبق گزارش ها، زنانی که شاغل تمام وقت و پاره وقت هستند، در سال ۲۰۲۴ به طور متوسط ۸۵٪ درآمد مردان را دریافت می‌کنند.<sup>۱</sup> زنان شاغل در تمامی مشاغل اعم از نیمه وقت، معادل ۷۵٪ درآمد مردان را به دست آورده‌اند که این رقم نشان‌دهنده آسیب مضاعف ناشی از اشتغال غیرثابت و فصلی است.<sup>۲</sup> تحقیقات نشان می‌دهد که شکاف دستمزد حتی در میان زنان و مردان با سطوح مشابه تحصیلات و تجربه کاری و نژادهای مختلف وجود دارد. برای مثال، زنان آسیایی تبار آمریکایی به‌طور متوسط کمتر از مردان آسیایی تبار آمریکایی درآمد دارند، و این نابرابری در میان زنان سیاه‌پوست، لاتین تبار و بومی تبار به مراتب بیشتر است.

پدیده‌ای به نام «جریمه مادر بودن»<sup>۳</sup> بر درآمد زنان تاثیر می‌گذارد، از جمله مواردی مانند عدم امکان انجام اضافه کاری و کناره گیری از شغل به دلیل نگهداری از فرزندان که نشان می‌دهد مادران شاغل به‌طور متوسط دستمزد کمتری نسبت به زنان بدون فرزند دارند. این تفاوت دستمزد به‌ویژه در زنان زیر ۳۵ سال بیشتر است و می‌تواند تأثیرات منفی بر مسیر شغلی و مالی آن‌ها بگذارد.<sup>۴</sup>

قابل ذکر است ۶۷٫۹٪ از شاغلان با حداقل دستمزد را زنان تشکیل می‌دهند.<sup>۵</sup> تنها ۱۰٫۴٪ از مدیران شرکت‌های بزرگ از زنان هستند و زنان بیشتر در کارهایی با دستمزد اندک همانند مراقبت از کودکان و سالمندان حضور دارند.<sup>۶</sup> شکاف ثروت میان سرپرستان خانواده‌های سفیدپوست و زنان سیاه‌پوست یا لاتین تبار به مراتب بیشتر است.<sup>۷</sup>

1. <https://www.pewresearch.org/short-reads/2025/03/04/gender-pay-gap-in-us-has-narrowed-slightly-over-2-decades/>

2. [https://www.aauw.org/app/uploads/2025/03/The\\_Simple\\_Truth\\_Gender\\_Pay\\_Gap\\_2025.pdf](https://www.aauw.org/app/uploads/2025/03/The_Simple_Truth_Gender_Pay_Gap_2025.pdf)

3. Motherhood Penalty

4. [feminist.com/resources/art\\_speech/family/motherhood.html](https://feminist.com/resources/art_speech/family/motherhood.html)

5. <https://inequality.org/facts/gender-inequality/>

6. <https://www.weforum.org/publications/global-gender-gap-report-2025/digest/>

7. <https://inequality.org/facts/gender-inequality/>



## فصل هفتم: حقوق کودکان

### ۱. تأثیر سیاست‌های مهاجرتی بر کودکان

گزارش نهادهای بین‌المللی در سال ۲۰۲۵<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که سیاست‌های محدودکننده مهاجرت، کودکان مهاجر را در معرض خطر طولانی‌مدت خشونت و شرایط غیرانسانی در مکزیک قرار داده است. گزارش‌های معتبر بین‌المللی در سال ۲۰۲۵<sup>۲</sup> به موضوع کودکان مهاجر و سیاست‌های مهاجرتی دولت آمریکا پرداخته‌اند. گزارش‌ها به شرایط نامناسب بازداشت مهاجران، از جمله کودکان، در مراکز مرزی آمریکا اشاره می‌کنند. سیاست‌های مهاجرتی دولت جدید آمریکا (دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ) شامل اخراج گسترده مهاجران و لغو وضعیت حفاظت موقت برای برخی گروه‌ها بوده که کودکان را در معرض جدایی از خانواده‌ها و بازداشت در شرایط غیرانسانی قرار داده است. این گزارش‌ها به‌طور خاص به نقض حق دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و شرایط نامناسب زندگی در این مراکز اشاره دارند. این گزارش‌ها همچنین به موضوع کودکان مهاجر بدون همراه پرداخته و اعلام می‌کنند که این کودکان در معرض خطر اخراج سریع بدون بررسی دقیق پرونده‌هایشان هستند، که نقض حقوق آن‌ها به حمایت و پناهندگی محسوب می‌شود.

### ۲. نگهداری کودکان در بازداشتگاه‌های مرزی

گزارش نهاد‌های بین‌المللی در سال ۲۰۲۵<sup>۳</sup> به شرایط غیرانسانی کودکان مهاجر در بازداشتگاه‌های مرزی آمریکا اشاره دارد. کودکان مهاجر در بازداشتگاه‌های مرزی، از جمله در منطقه ال پاسو، تگزاس، با شرایطی مانند ازدحام بیش از حد، عدم دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی کافی و نقض حقوق اولیه مواجه هستند. در برخی گزارش‌ها به‌طور خاص به بازداشتگاه‌های

1. <https://www.amnestyusa.org/wp-content/uploads/2025/04/The-State-of-the-Worlds-Human-Rights-April-2025.pdf>

2. [https://www.hrw.org/sites/default/files/media\\_2025/01/World%20Report%202025.pdf](https://www.hrw.org/sites/default/files/media_2025/01/World%20Report%202025.pdf)

3. <https://www.amnestyusa.org/wp-content/uploads/2025/05/Dehumanized-by-Design-Human-Rights-Violations-in-El-Paso.pdf>

گمرک و حفاظت مرزی (CBP) اشاره شده است که کودکان در آنها در شرایط غیرانسانی نگهداری می‌شوند. بر اساس گزارش‌های مذکور، کودکان مهاجر، از جمله کودکان بدون همراه، در بازداشتگاه‌های مرزی با کمبود غذا، آب تمیز و امکانات بهداشتی مواجه هستند. این شرایط نقض مواد ۳، ۱۹ و ۲۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک است که به حفاظت از کودکان در برابر خشونت و تضمین حق سلامت و رفاه آنها تأکید دارد.

### ۳. تیراندازی در مدارس

گزارش مراجع بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ به ادامه خشونت مسلحانه در آمریکا اشاره دارند و تأکید می‌کنند که کنگره در سال ۲۰۲۴ نتوانست قوانین فدرال برای کنترل سلاح را تصویب کند. اگرچه داده‌های خاص برای تیراندازی‌های مدارس در سال ۲۰۲۵ در این گزارش‌ها ذکر نشده، اما گزارش‌های دیگر موسسات داخلی آمریکا مانند آرشو خشونت مسلحانه نشان می‌دهد که حوادثی مانند تیراندازی در دبیرستان آلاپاچی جورجیا (۴ کشته، ۹ زخمی) نمونه‌ای از تهدید مداوم علیه کودکان است. گزارشات بین‌المللی به‌طور کلی خشونت مسلحانه را به‌عنوان نقض حقوق بشر کودکان و بزرگسالان در آمریکا برجسته کرده است.

سایر گزارش‌های بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ به‌طور کلی به خشونت مسلحانه در آمریکا به‌عنوان یک مسئله حقوق بشری اشاره می‌کنند و تأکید دارند که تیراندازی‌های جمعی، از جمله در مدارس، حقوق اولیه افراد، به‌ویژه کودکان، به حیات و امنیت را نقض می‌کند.

### ۴. کار پنهان کودک

گزارش مراجع بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ به تبعیض علیه کودکان مهاجر و اقلیت‌ها در زمینه‌های مختلف، از جمله شرایط کاری، اشاره می‌کند. گزارش‌ها نشان می‌دهد<sup>۱</sup> که کودکان مهاجر در ایالت‌هایی مانند آیووا و آرکانزاس در

1. Economic Policy Institute. 2025. "Child labor standards: State solutions to the U.S. worker rights crisis," by Nina Mast, July 30, 2025, <https://www.epi.org/publication/child-labor-standards-state-solutions/>. (<https://www.epi.org/publications/>)

مشاغل خطرناک مانند بسته‌بندی گوشت مشغول به کار هستند. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۲۴، یک شرکت در آیووا به دلیل استخدام غیرقانونی ۵۰ کودک جریمه شد و این روند در سال ۲۰۲۵ ادامه دارد.

گزارش‌های دیگر حاکی از آن است که ۱۰ ایالت در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ قوانینی را تصویب کردند که محدودیت‌های کار کودکان را کاهش داده و اجازه کار در شیفت‌های شبانه یا مشاغل خطرناک را می‌دهد. به‌عنوان مثال، در فلوریدا، قانون جدید به کودکان ۱۶ ساله اجازه کار در شیفت‌های شبانه را داده که نقض استانداردهای فدرال است. این روند در سال ۲۰۲۵ نیز گزارش شده است.

علاوه بر این، سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری در سال ۲۰۲۵ به نقض قوانین کار کودکان در آمریکا انتقاد کرده و اعلام کرده‌اند که برخی ایالتها قوانین حفاظتی برای کودکان در مشاغل خطرناک، مانند کشاورزی و صنایع، را تضعیف کرده‌اند. این موضوع به‌عنوان استثمار کودکان و نقض حقوق آن‌ها به ایمنی و آموزش مطرح شده است.

## ۵. تبعیض نژادی و کودکان

تبعیض ساختاری علیه کودکان سیاه‌پوست، بومی، و سایر اقلیت‌ها در نظام‌های آموزشی و عدالت کیفری آمریکا وجود دارد. طبق گزارش دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۲۵ کودکان اقلیت‌ها در نظام عدالت کیفری با مجازات‌های سخت‌تر و تبعیض بیشتری مواجه هستند، که نقض حق برابری و عدالت آن‌ها محسوب می‌شود. در گزارشی توسط Legal Defense Fund (LDF) به پروژه ۲۰۲۵ و تأثیر بر آموزش کودکان سیاه‌پوست اشاره شده است.<sup>۱</sup> پروژه ۲۰۲۵ پیشنهاد حذف برنامه‌های تنوع و برابری در مدارس را داده که می‌تواند فرصت‌های آموزشی کودکان سیاه‌پوست را محدود کند. این گزارش به حذف

1. Legal Defense Fund (LDF) "Attack on Our Power and Dignity: What Project 2025 Means for Black Communities" Thurgood Marshall Institute: <https://tminstituteldf.org/wp-content/uploads/2024/10/Attack-on-Our-Power-and-Dignity.pdf>

داده‌های نژادی از سیستم‌های آموزشی فدرال اشاره می‌کند، که مانع شناسایی و رفع تبعیض علیه دانش‌آموزان سیاه‌پوست می‌شود. همچنین پروژه ۲۰۲۵ پیشنهاد کرده که کمک‌های مالی فدرال برای دانشجویان اقلیت‌ها کاهش یابد، که این امر مستقیماً بر کودکان و نوجوانان سیاه‌پوست و بومی که به دنبال ادامه تحصیل هستند، تأثیر می‌گذارد.

#### ۶. محاکمه کودکان به‌عنوان بزرگسال

طبق گزارش‌های نهاد‌های حقوق بشری در سال ۲۰۲۵ در هر ۵۰ ایالت آمریکا، کودکان (افراد زیر ۱۸ سال) می‌توانند به‌عنوان بزرگسال در دادگاه‌های کیفری محاکمه شوند. این بدان معناست که حتی اگر فرد در زمان ارتکاب جرم کودک یا نوجوان باشد، بدون در نظر گرفتن سن یا شرایط رشدی او ممکن است با مجازات‌های سنگین بزرگسالان مواجه شود.

ایالات متحده تنها کشوری در جهان است که کودکان را به حبس ابد بدون امکان آزادی مشروط محکوم می‌کند. این مجازات به این معناست که یک کودک مجرم ممکن است تا پایان عمر در زندان بماند، بدون هیچ فرصتی برای بازنگری یا آزادی، حتی اگر رفتار او اصلاح شود. این سیاست با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، از جمله کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل<sup>۱</sup> مغایرت دارد، زیرا این کنوانسیون بر بازپروری و ادغام مجدد کودکان در جامعه تأکید دارد.

۱. آمریکا تنها کشور عضو سازمان ملل متحد است که هرگز کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ۱۹۸۹ را تصویب نکرده‌است.

## فصل هشتم: نابرابری و توزیع ناعادلانه ثروت

### ۱. شکاف اقتصادی ساختاری

در ایالات متحده آمریکا، تبعیض ساختاری و شکاف اقتصادی به عنوان یکی از مسائل اساسی حقوق بشری مطرح است. این شکاف عمیق به ویژه در توزیع نابرابر ثروت و درآمد، دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی و شغلی، و تفاوت چشمگیر در امید به زندگی نمود پیدا می‌کند. سهم ثروتمندان از ثروت ملی به طور پیوسته افزایش می‌یابد، در حالی که اقشار کم‌درآمد با کاهش سهم خود مواجه هستند، وضعیتی که به تعمیق نابرابری طبقاتی منجر شده است.

در سال گذشته، مجموعاً ۳۶۵ میلیارد دلار به ثروت ۱۰ ثروتمند برتر آمریکا افزوده شده است و بر اساس لایحه جدید بودجه و مالیاتی دولت، این گروه از تخفیفات مالیاتی قابل توجهی نیز بهره‌مند خواهند شد. برای درک میزان این نابرابری، لازم است بدانیم که ۱۰ کارگر آمریکایی با درآمد متوسط، به طور جمعی به ۷۲۶ هزار سال زمان نیاز دارند تا بتوانند این مقدار ثروت را کسب کنند. در حالی که ثروت میلیاردرها به شکل نجومی رشد کرده، بخش عمده‌ای از مردم عادی با مشکلات معیشتی جدی مواجه هستند.

بر اساس تحلیل جدید دفتر بودجه کنگره آمریکا (CBO)، لایحه موسوم به «لایحه بزرگ زیبا» به طور میانگین منابع مالی خانوارهای آمریکایی را افزایش خواهد داد، اما این منافع به صورت نابرابر توزیع خواهد شد. طبق یافته‌های CBO، منابع مالی خانوارهای ۱۰ درصد کم‌درآمد جامعه تا سال ۲۰۳۳، با کاهشی معادل ۴ درصد مواجه خواهد شد، در حالی که ۱۰ درصد پردرآمد جامعه در همین بازه زمانی به دلیل کاهش مالیات‌ها، حدود ۲ درصد افزایش منابع خواهند داشت. این تحلیل نشان می‌دهد که منافع این لایحه به شکلی نامتناسب به اقشار ثروتمند جامعه خواهد رسید، به طوری که تنها ۱۰ درصد از افراد پردرآمد، نزدیک به دو سوم (۶۵ درصد) از کل ارزش اقتصادی قانون را دریافت می‌کنند. در مقابل، خانوارهای ۲۰ درصد کم‌درآمد جامعه در سال

۲۰۲۶ به دلیل کاهش پوشش مدیکید<sup>۱</sup>، کوپن‌های غذایی و سایر تغییرات، به طور متوسط حدود ۱۰۳۵ دلار از منابع خود را از دست خواهند داد.<sup>۲</sup> این روند نابرابر، نگرانی‌های جدی در خصوص افزایش شکاف‌های اقتصادی و نقض عدالت اجتماعی و حقوق بشر در ایالات متحده ایجاد کرده است.

## ۲. بحران فقر و بی‌خانمانی

فقر و بی‌خانمانی در ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از بحران‌های عمیق و ساختاری، میلیون‌ها نفر را از بهره‌مندی کامل و برابر از حقوق بنیادین انسانی محروم ساخته است. نابرابری‌های سیستماتیک، توزیع ناعادلانه ثروت و عدم دسترسی برابر به مسکن مناسب، عوامل اصلی تداوم شرایط فقر و بی‌خانمانی در این کشور به شمار می‌آیند. این شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده باعث شده است که میلیون‌ها آمریکایی زیر خط فقر زندگی کنند و بسیاری از شهروندان عادی با بدهی‌های سنگین و بی‌سابقه‌ای مواجه باشند که ثبات اقتصادی و امنیت آنان را به شدت به مخاطره می‌اندازد. چنین وضعیتی نقض آشکار حقوق بشر، به ویژه حق بر مسکن و زندگی با کرامت انسانی است و چالش‌های عمیقی را برای عدالت اجتماعی و رفاه عمومی در آمریکا ایجاد کرده است.

در سال ۲۰۲۵ حداقل دستمزد فدرال برای هر خانوار زیر خط فقر قرار دارد. در ۲۰ ایالتی که هنوز از حداقل دستمزد فدرال استفاده می‌کنند، ۱۱.۸ میلیون کارگر کمتر از ۱۷ دلار در ساعت درآمد دارند که بیش از ۱ از هر ۵ کارگر در آن ایالت‌هاست. این ایالت‌ها عمدتاً در منطقه جنوب آمریکا واقع شده‌اند. رکود حداقل دستمزد فدرال به سیاست‌گذاران جنوب اجازه می‌دهد تا دستمزدهای پایین را در اقتصاد خود حفظ کنند. حتی با در نظر گرفتن تفاوت‌های هزینه زندگی بین مناطق، دستمزد کارگران جنوب کمتر است. بخشی از این موضوع به سیاست‌هایی بازمی‌گردد که دستمزدها را پایین نگه می‌دارند، مانند حداقل

1. Medicaid

2. <https://edition.cnn.com/2025/05/21/business/billionaire-tax-cut-trump>

دستمزد پایین، و به همین دلیل کارگران جنوب نسبت به سایر مناطق با فقر بیشتری مواجه‌اند.<sup>۱</sup>

گزارش‌ها نشان می‌دهد که طرح‌های بودجه‌ای جمهوری خواهان در سال ۲۰۲۵، بخش‌های مختلف شبکه حمایت اجتماعی را تضعیف کرده و دسترسی به این خدمات حیاتی را به طور چشمگیری محدود خواهند کرد. این طرح‌ها شامل کاهش بودجه برنامه Medicaid و اعمال شرایط سخت‌تر برای بهره‌مندی از برنامه‌های Medicaid و SNAP است. چنین اقداماتی به طور مستقیم به کارگران کم‌درآمد و خانواده‌های آنان آسیب خواهد رساند، چرا که این برنامه‌های حمایتی نقشی اساسی در ارتقاء سطح زندگی میلیون‌ها کارگر و افراد آسیب‌پذیر دارند که درآمد کافی برای تأمین نیازهای اساسی خود ندارند. اگر این سیاست‌ها به اجرا برسد، ترکیب کاهش مالیات برای ثروتمندان و کاهش حمایت‌های Medicaid، عملاً منجر به کاهش درآمد واقعی کارگران در ۴۰ درصد پایین توزیع درآمدی خواهد شد، در حالی که سود قابل توجهی نصیب ۱ درصد ثروتمند جامعه می‌شود. این کاهش حمایت‌های اجتماعی به‌ویژه برای جوامع رنگین‌پوست و کودکان آنان پیامدهای سنگین‌تری خواهد داشت، چرا که این گروه‌ها بیش از سایر اقشار به برنامه Medicaid وابسته هستند و در معرض خطر افزایش نابرابری‌های ساختاری و نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی خود قرار می‌گیرند.<sup>۲</sup>

جمهوری خواهان کاهش مزایا و سخت‌تر کردن شرایط بهره‌مندی از برنامه‌های حمایتی را به عنوان ابزاری برای تشویق افراد به اشتغال معرفی می‌کنند. آنان استدلال می‌کنند که مزایای گسترده برنامه‌های Medicaid و SNAP می‌تواند موجب ایجاد وابستگی به کمک‌های دولتی شده و انگیزه افراد را برای یافتن شغل کاهش دهد. این دیدگاه اما واقعیت‌های ملموس را

1. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

2. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

نادیده می‌گیرد؛ زیرا طبق داده‌ها، تقریباً دو سوم از ثبت‌نام‌کنندگان Medicaid که سالمند نیستند، و بیش از ۸۵ درصد از بزرگسالان در سن کار که از برنامه SNAP بهره‌مند می‌شوند، در حقیقت مشغول به کار هستند. این آمار نشان می‌دهد که بسیاری از دریافت‌کنندگان این حمایت‌ها، در شرایط دشوار اقتصادی و اشتغال ناپایدار قرار دارند و کمک‌های دولتی نقش حیاتی در تأمین حداقل نیازهای زندگی آنان ایفا می‌کند.<sup>۱</sup>

در حوزه مسکن، بر اساس گزارش‌های معتبر، طرح جدید دولت ایالات متحده آمریکا مبنی بر محدود کردن دوره دریافت کمک‌های مسکن فدرال به دو سال، تهدیدی جدی برای سرپناه و امنیت مسکن حدود ۱.۴ میلیون خانواده کم‌درآمد محسوب می‌شود. گزارشی از دانشگاه نیویورک هشدار می‌دهد که نزدیک به ۷۰ درصد این خانوارها بیش از دو سال به حمایت‌های وزارت مسکن و توسعه شهری (HUD) وابسته بوده‌اند. در حال حاضر، HUD از طریق کوپن‌های اجاره و برنامه‌های مسکن عمومی به تقریباً ۴.۹ میلیون خانوار خدمات ارائه می‌کند. این گزارش تأکید دارد که اعمال محدودیت زمانی گسترده، منجر به «اختلال و جابجایی قابل توجه» خواهد شد و به این نکته اشاره می‌کند که این سیاست تاکنون به صورت گسترده مورد آزمایش قرار نگرفته است و بسیاری از طرح‌های آزمایشی محدودیت زمانی پیش‌تر متوقف شده‌اند. همچنین، این اقدام از هدف بنیادین HUD یعنی حمایت پایدار از خانواده‌های آسیب‌پذیر فاصله می‌گیرد و می‌تواند قراردادهای این وزارتخانه با مالکان خصوصی را نیز به مخاطره اندازد. منتقدان نگران هستند که محدودیت زمانی در دریافت کمک‌های مسکن، مسیر تلاش‌های خانواده‌ها برای خودکفایی را مختل ساخته و اهداف اعلام شده حامیان این محدودیت را ناکام گذارد.<sup>۲</sup>

کارشناسان مسکن پیش‌بینی می‌کنند که اجرای این سیاست منجر به افزایش قابل توجه بی‌خانمانی، جابجایی اجباری خانواده‌ها و ناپایداری در بازار

1. <https://www.epi.org/blog/the-federal-minimum-wage-is-officially-a-poverty-wage-in-2025/>

2. <https://apnews.com/article/hud-section-8-vouchers-trump-budget-cuts>



اجاره خواهد شد. در حال حاضر، حدود ۲۵ میلیون نفر در آمریکا با بحران مسکن مقرون به صرفه دست و پنجه نرم می کنند و تنها در سال گذشته بیش از ۵۸۰ هزار نفر بی خانمان گزارش شده اند.

### ۳. کاهش بودجه سلامت و کمک های رفاهی

دولت ایالات متحده با تصویب و اجرای لایحه ای موسوم به «لایحه بزرگ زیبا» موجب کاهش قابل توجه بودجه اختصاص یافته به برنامه های بیمه سلامت دولتی شد. این اقدام، میلیون ها شهروند آمریکایی را در معرض خطر از دست دادن پوشش بیمه ای ضروری قرار داده و پیامدهای جدی برای سلامت عمومی، به ویژه در میان اقشار آسیب پذیر و کم درآمد، به همراه دارد.

بر اساس برآوردهای رسمی، تصویب بسته سیاست گذاری داخلی پیشنهادی جمهوری خواهان می تواند نزدیک به ۱۱.۸ میلیون نفر از شهروندان ایالات متحده، شامل بزرگسالان و کودکان، را در معرض از دست دادن پوشش بیمه سلامت قرار دهد. این کاهش پوشش به صورت تدریجی در طول یک دهه اتفاق خواهد افتاد و بخش قابل توجهی از دستاوردهای برنامه های مراقبت های بهداشتی فدرال مانند Medicaid، قانون مراقبت مقرون به صرفه (Obamacare) و برنامه بیمه سلامت کودکان را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

این لایحه که با هدف صرفه جویی تقریباً یک تریلیون دلاری در بودجه فدرال طراحی شده است، ثبت نام در برنامه های مذکور را کاهش می دهد و احتمالاً روند افزایش نرخ پوشش بیمه درمانی را که طی سال های اخیر به دست آمده، معکوس خواهد کرد. هم اکنون نزدیک به ۷۸ میلیون بزرگسال و کودک در برنامه Medicaid ثبت نام کرده اند و ۲۴ میلیون نفر نیز از طریق بازارهای بیمه سلامت تحت قانون مراقبت مقرون به صرفه (ACA) بیمه شده اند.<sup>۲</sup>

بر اساس گزارش ها، دولت آمریکا بودجه مجموعه ای از برنامه های بهداشتی مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری ها را مسدود کرده است. براین اساس، این

1. The Big Beautiful Bill

2. <https://apnews.com/article/gop-bill-trump-medicaid-cuts-coverage-health-bb4f090d2706ffb3d5652e70f246a10e>

شامل مسدود شدن بودجه برنامه های جلوگیری از خشونت جوانان، تحقیقات در زمینه جلوگیری از جراحات با سلاح گرم و مرگ و میر و تلاش های مرتبط با بیماری دیابت و بیماری های مزمن کلیه و استفاده از تنباکو است. رقم دقیق بودجه مسدود شده مشخص نیست اما ممکن است تا ۲۰۰ میلیون دلار باشد. این در حالی است که کاخ سفید پیشتر گفته بود که قصد دارد بودجه بهداشتی آمریکا در سال آینده را بیش از ۲۵ درصد کاهش دهد، در حالی که موسسه ملی سلامت و مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری ها با میلیاردها دلار کاهش بودجه روبرو می شوند.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، یک سند داخلی دولت ترامپ از برنامه ریزی برای کاهش تقریباً یک سوم از بودجه بهداشت و درمان فدرال خبر می دهد که می تواند منجر به حذف ده ها میلیارد دلار بودجه در هر سال شود. این طرح که در تاریخ ۱۰ آوریل ۲۰۲۵ به وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا (HHS) ارسال شده، کاهش عمده در برنامه ها و سازمان های بهداشتی را پیشنهاد می کند، از جمله کاهش ۴۰ درصدی بودجه مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری ها (CDC)؛ این طرح شامل حذف برنامه های CDC با تمرکز بر پیشگیری از بیماری های مزمن، پیشگیری از ایدز، و خشونت با اسلحه می شود. علاوه بر این، مؤسسات ملی بهداشت (NIH) با کاهش ۴۰ درصدی مواجه خواهد شد و ۲۷ مؤسسه تحقیقاتی آن به تنها هشت مؤسسه کاهش می یابد.<sup>۲</sup>

گفتنی است، ایده جدید مالیاتی دونالد ترامپ که به تازگی به تصویب رسیده است، نگرانی های عمیقی را در میان فعالان حقوق بشری، جامعه مدنی و سیاستمداران به وجود آورده است. این طرح با کاهش ۴.۵ تریلیون دلاری مالیات ها، به طور همزمان باعث کاهش ۱.۲ تریلیون دلاری بودجه برنامه های حیاتی خدمات رفاهی می شود. بر اساس گزارش دفتر بودجه کنگره، اجرای این

1. <https://www.timeslive.co.za/news/world/2025-08-04-trump-administration-blocks-cdc-health-programmes-funding-wsj/>

2. <https://edition.cnn.com/2025/04/16/politics/trump-rfk-jr-budget-cut-health>

قانون که درست پیش از تعطیلات چهارم جولای تصویب شد، حدود ۱۱ میلیون آمریکایی را در معرض از دست دادن بیمه درمانی قرار داده و میلیون‌ها نفر دیگر را از دریافت کمک‌های غذایی محروم خواهد کرد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد تنها یک‌سوم مردم آمریکا از جزئیات این طرح آگاه‌اند، در حالی که بدهی ملی این کشور به رقم بی‌سابقه ۳۶ تریلیون دلار رسیده و پیش‌بینی می‌شود این لایحه بیش از ۳.۳ تریلیون دلار دیگر به بدهی ملی اضافه کند. این سیاست‌ها، سلامت، امنیت و رفاه اقشار آسیب‌پذیر جامعه را به طور جدی تهدید می‌کند و آینده‌ای ناامیدکننده برای میلیون‌ها شهروند آمریکایی رقم می‌زند.

مثالی دیگر از محدود شدن دسترسی به مواد غذایی، کاهش گسترده و بی‌سابقه کمک‌های برنامه فدرال SNAP است که برای حمایت از بیش از ۴۰ میلیون آمریکایی در تأمین غذای خود طراحی شده بود و اکنون در حال تغییر چشم‌انداز خرده‌فروشی در آمریکا است. این سیاست جدید، که بزرگ‌ترین کاهش در تاریخ این برنامه محسوب می‌شود، تحلیلگران را بر آن داشته است که پیش‌بینی کنند حدود ۲.۴ میلیون آمریکایی از دریافت کوپن غذا محروم خواهند شد و خانوارها ممکن است ماهانه تا ۲۳۱ دلار از مزایای حیاتی خود را از دست بدهند.<sup>۱</sup>

1. <https://edition.cnn.com/2025/08/11/politics/food-stamps-work-requirements-trump-bill>

**بخش دوم:**

**نقض حقوق بشر در سطح فراملی و**

**بین المللی**

## فصل اول : حمایت از رژیم صهیونیستی در نسل کشی غزه

### ۱. حمایت تسلیحاتی از رژیم صهیونیستی در نسل کشی غزه

ایالات متحده آمریکا، به عنوان بزرگترین تأمین کننده تسلیحات نظامی برای رژیم صهیونیستی، طی سال های متمادی با ارائه کمک های مالی، فنی و نظامی گسترده، نقش برجسته ای در تقویت توان دفاعی و نظامی این رژیم ایفا کرده است. این حمایت ها شامل فروش و انتقال انواع تسلیحات پیشرفته از جمله موشک ها، هواپیماهای جنگی و تجهیزات نظامی پیچیده است که به طور مستقیم به افزایش قابلیت های نظامی رژیم مذکور منجر شده اند.

از منظر حقوق بشری، این همکاری نظامی که شامل تأمین سامانه های موشکی دفاعی مانند گنبد آهنین، بمب های هدایت شونده دقیق، بالگردهای سنگین سی اچ ۵۳ و آپاچی ای اچ ۶۴، گلوله های توپخانه ای ۱۵۵ میلیمتری، بمب های سنگر شکن و خودروهای زرهی پیشرفته می شود، به روشنی موید نقش ایالات متحده در استمرار چرخه خشونت ها و پیامدهای فاجعه بار آن برای غیرنظامیان و نقض حقوق بشر در سرزمین های اشغالی فلسطین است. حمایت نظامی گسترده آمریکا، با تقویت توان نظامی رژیم اشغالگر، عملاً بستر بروز و تشدید نقض های مستمر حقوق بشری و قوانین بین المللی بشردوستانه علیه ساکنان غیرنظامی را فراهم می آورد.

در جریان نسل کشی رژیم صهیونیستی در غزه، حمایت های تسلیحاتی آمریکا به یکی از عوامل موثر در تقویت توان نظامی اسرائیل تبدیل شده و به گسترش عملیات نظامی منجر شده است که به کشته و زخمی شدن هزاران غیرنظامی فلسطینی انجامیده است. سازمان های حقوق بشری و بین المللی بارها نسبت به استفاده رژیم اسرائیل از این تسلیحات در حملات گسترده به مناطق مسکونی و زیرساخت های حیاتی غزه هشدار داده اند و آن را نقض قوانین بین المللی حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بین المللی دانسته اند.

بر اساس گزارش مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI)، ایالات متحده حدود ۶۶٪ از واردات عمده تسلیحات اسرائیل بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ را تأمین کرده است. این موضوع نقش مهم صادرات تسلیحات آمریکا در تجهیز نیروهای نظامی اسرائیل را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

پنجم F-35 است که تحت هدایت و مدیریت ایالات متحده آمریکا اجرا می‌شود. این تسلیحات و فناوری‌ها پس از آزمایش میدانی، به عنوان تجهیزات «آزموده شده در میدان نبرد» به بازارهای جهانی معرفی و تبلیغ می‌شوند.<sup>۱</sup> اسرائیل در حال حاضر از بزرگ‌ترین برنامه‌های خرید و توسعه تجهیزات دفاعی در تاریخ برخوردار است که برنامه تولید جنگنده‌های نسل پنجم F-35، تحت مدیریت شرکت لاکهید مارتین مستقر در ایالات متحده، به همراه مشارکت بیش از ۱,۶۵۰ شرکت پیمانکار دیگر، نمونه بارزی از آن است.

## ۲. حمایت تکنولوژیک از رژیم صهیونیستی در نسل کشی غزه

شرکت‌های بزرگ فناوری آمریکایی نقش قابل توجهی در حمایت تکنولوژیک از رژیم صهیونیستی ایفا کرده‌اند. این همکاری‌ها در حوزه‌های مختلفی از جمله امنیت سایبری، نظارت پیشرفته، پردازش داده، هوش مصنوعی و توسعه زیرساخت‌های نظامی صورت گرفته است. شرکت‌هایی مانند مایکروسافت، گوگل، آمازون و اوراکل، با راه‌اندازی مراکز تحقیق و توسعه در اسرائیل، انتقال فناوری و ارائه خدمات ابری به نهادهای نظامی و امنیتی اسرائیل، به تقویت ظرفیت‌های فنی این رژیم کمک کرده‌اند. این پشتیبانی‌ها، به‌ویژه در زمینه نظارت گسترده، کنترل جمعیت و توسعه ابزارهای نظامی هوشمند، در تداوم سیاست‌های سرکوب‌گرانه و اشغال‌گرانه اسرائیل علیه مردم فلسطین نقش بسزایی داشته‌اند.

شرکت پالانتیر (Palantir) با ابزار هوش مصنوعی موسوم به “Lavender” در کارآمدسازی کشتار دسته‌جمعی نقش دارد. مایکروسافت از طریق خدمات ابری Azure و شرکت‌های گوگل و آمازون با مشارکت در پروژه Nimbus، زیرساخت‌های فناوری مورد نیاز ارتش اسرائیل را فراهم می‌کنند. این وضعیت، جنایات جنگی قرن ۲۱ را به یک شراکت عمومی-خصوصی بین رژیم صهیونیستی و ایالات متحده تبدیل کرده است.<sup>۲</sup>

1. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/hrbodies/hrcouncil/sessions-regular/session59/advance-version/a-hrc-59-23-aev.pdf>

2. <https://www.aljazeera.com/opinions/2025/9/4/how-to-stop-israel-from-starving-gaza>

چندین دهه است که شرکت کاترپیلار، از طریق برنامه تأمین مالی نظامی خارجی ایالات متحده و همچنین نماینده انحصاری که طبق قوانین اسرائیل به نیروی نظامی این کشور واگذار شده است، تجهیزات مورد استفاده برای تخریب منازل و زیرساخت‌های فلسطینیان را در اختیار رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد. در همکاری با شرکت‌هایی همچون صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی، سیستم‌های البیت و شرکت رادا الکترونیک اینداستریز متعلق به لئوناردو DRS، رژیم صهیونیستی بولدوزر مدل D9 کاترپیلار را به عنوان سلاحی خودکار و کنترل از راه دور توسعه داده است که از سال ۲۰۰۰ تاکنون در بسیاری از عملیات نظامی به کار گرفته شده و در پاکسازی خطوط نفوذ، «خنثی‌سازی» مناطق و کشته‌سازی فلسطینیان نقش داشته است.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، مایکروسافت از سال ۱۹۹۱ در رژیم صهیونیستی فعالیت دارد و بزرگ‌ترین مرکز خود در خارج از ایالات متحده را در این کشور توسعه داده است. فناوری‌های این شرکت در نهادهایی نظیر سازمان زندان‌ها، پلیس، دانشگاه‌ها و مدارس – از جمله در شهرک‌های غیرقانونی – به کار گرفته می‌شوند. از سال ۲۰۰۳، مایکروسافت به یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و فناوری‌های غیرنظامی خود در ساختار نظامی رژیم صهیونیستی پرداخته و در همین راستا، اقدام به خرید استارت‌آپ‌های رژیم صهیونیستی فعال در حوزه امنیت سایبری و نظارت کرده است.

### ۳. حمایت سیاسی از رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه

اسرائیل، با حمایت و همراهی ایالات متحده، در نوار غزه دست به ارتکاب جنایات نسل‌کشی زده است؛ این اقدامات شامل محاصره و گرسنگی دادن جمعی به ساکنان، انجام کشتارهای گسترده و نابودی فیزیکی زیرساخت‌های حیاتی غزه می‌شود. در این فرایند، اسرائیل مسئول اجرای مستقیم این اقدامات است، در حالی که دولت آمریکا نقش تأمین مالی این عملیات را ایفا کرده و با

1. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/hrbodies/hrcouncil/sessions-regular/session59/advance-version/a-hrc-59-23-aev.pdf>



استفاده از حق وتوی خود در سازمان ملل متحد، حمایت دیپلماتیک لازم برای تداوم این سیاست‌ها را فراهم می‌آورد.

ایالات متحده با بهره‌گیری از قدرت خود، به‌ویژه حق وتوی خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC)، نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای در همدستی با رژیم صهیونیستی در ارتکاب نسل‌کشی علیه فلسطینیان ایفا کرده و حتی ابتدایی‌ترین اقدامات بشردوستانه را نیز مسدود ساخته است. در دسامبر گذشته، مجمع عمومی سازمان ملل با رأی مثبت ۱۷۲ کشور که بیش از ۹۰ درصد جمعیت جهان را نمایندگی می‌کنند حق فلسطینیان برای تعیین سرنوشت خود را به رسمیت شناخت. در مقابل، اسرائیل و ایالات متحده به طور عملی در انزوای دیپلماتیک قرار گرفتند. این اکثریت‌های قاطع بارها و به طور مکرر در سطوح بین‌المللی، به نمایندگی از حقوق فلسطینیان، مخالفت جدی خود را با اقدامات اشغال‌گرانه و نقض مستمر حقوق بشر توسط رژیم اسرائیل اعلام کرده‌اند.

نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که ۵۸ درصد از شهروندان آمریکایی خواهان به رسمیت شناختن دولت فلسطین توسط سازمان ملل هستند، در حالی که تنها ۳۳ درصد مخالف این امرند. همچنین، ۶۰ درصد از آمریکایی‌ها با اقدامات نظامی اسرائیل در غزه مخالفت خود را اعلام کرده‌اند که این امر بیانگر تغییر قابل توجه در افکار عمومی نسبت به سیاست‌های آمریکا در قبال فلسطین است.<sup>۱</sup>

علاوه بر موارد فوق، ۱۹ گزارشگر ویژه سازمان ملل به همراه ۴ گروه کاری و ۲ کارشناس مستقل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نسبت به فعالیت‌های بنیاد بشردوستانه غزه (GHF) که در فوریه ۲۰۲۵ توسط رژیم صهیونیستی و با حمایت آمریکا برای توزیع ظاهری کمک در غزه تأسیس شد، خواستار انحلال فوری این نهاد شدند. این کارشناسان تأکید کردند که بنیاد بشردوستانه غزه نمونه‌ای به‌شدت نگران‌کننده از چگونگی سوءاستفاده از امدادسانی بشردوستانه برای اهداف مخفی نظامی و ژئوپلیتیکی است و نقض جدی حقوق بین‌الملل

1. <https://www.aljazeera.com/opinions/2025/9/4/how-to-stop-israel-from-starving-gaza>

به شمار می‌رود. درگیر بودن نهادهای اطلاعاتی اسرائیل، پیمانکاران آمریکایی و نهادهای غیردولتی نامشخص، نیاز فوری به نظارت و اقدام بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل را نشان می‌دهد. از زمان تأسیس GHF که مسئولیت‌هایی را از نهادهایی مانند آژانس امداد و کار سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی (آنروا) بر عهده گرفته، نیروهای اسرائیلی و پیمانکاران نظامی خارجی به شلیک کور به سمت مردمی که در «مراکز توزیع کمک» حضور دارند ادامه داده‌اند. این تحولات فاجعه‌بار در حالی رخ می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد جمعیت غزه آواره شده‌اند و شمار قربانیان اکنون به بیش از ۶۰ هزار نفر رسیده است. تنها در هفته‌های اخیر، وزارت بهداشت غزه گزارش داده که ۱۸۰ نفر - از جمله ۹۳ کودک - به دلیل سوءتغذیه جان باخته‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۴. تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی

در ماه نوامبر سال ۲۰۲۴ میلادی، دیوان کیفری بین‌المللی در ارتباط با درگیری در غزه، با استناد به اتهامات جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، حکم جلب بنیامین نتانیاهو<sup>۲</sup>، نخست‌وزیر اسرائیل، و یوآو گالانت<sup>۳</sup>، وزیر دفاع سابق، را به همراه یکی از فرماندهان سابق حماس صادر کرد. در واکنش به این اقدام دیوان کیفری بین‌المللی، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در تاریخ ۶ فوریه ۲۰۲۵ میلادی، با صدور فرمان اجرایی ۱۴۲۰۳، تحریم‌های شدیدی را علیه قضات و مقامات دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) اعمال کرد. در مقدمه این فرمان اجرایی آمده است «من، دونالد جی. ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، دریافته‌ام که دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC)، که توسط اساسنامه رم تأسیس شده است، در اقدامات نامشروع و بی‌اساسی علیه آمریکا و متحد نزدیک ما اسرائیل دست داشته است. دیوان کیفری بین‌المللی، بدون هیچ مبنای مشروعی، صلاحیت خود را در مورد پرسنل ایالات متحده و برخی از متحدانش،

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/08/un-experts-call-immediate-disman-tling-gaza-humanitarian-foundation>

2. Benjamin Netanyahu

3. Yoav Gallant

از جمله اسرائیل، اعمال کرده و تحقیقات اولیه‌ای را در مورد آنها آغاز کرده است و با صدور احکام بازداشت بی‌اساس علیه بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل و یوآو گالانت، وزیر دفاع سابق، از قدرت خود سوءاستفاده بیشتری کرده است. دیوان کیفری بین‌المللی هیچ صلاحیتی در مورد ایالات متحده یا اسرائیل ندارد، زیرا هیچ یک از این دو کشور عضو اساسنامه رم یا عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیستند. هیچ یک از این دو کشور هرگز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را به رسمیت نشناخته‌اند و هر دو کشور، دارای دموکراسی‌های پررونقی با ارتش‌هایی هستند که کاملاً به قوانین جنگ پایبند هستند. اقدامات اخیر دیوان کیفری بین‌المللی علیه اسرائیل و ایالات متحده، سابقه خطرناکی را ایجاد کرده است و مستقیماً پرسنل فعلی و سابق ایالات متحده، از جمله اعضای فعال نیروهای مسلح، را با قرار دادن آنها در معرض آزار و اذیت، سوءاستفاده و دستگیری احتمالی، به خطر می‌اندازد. این رفتار بدخواهانه به نوبه خود، حاکمیت ایالات متحده را تهدید می‌کند و اقدامات حیاتی امنیتی ملی و سیاست خارجی دولت ایالات متحده و متحدان ما، از جمله اسرائیل، را تضعیف می‌کند<sup>۱</sup>....» در ادامه این فرمان اجرایی آمده است «ایالات متحده به صراحت با هرگونه اقدام دیوان کیفری بین‌المللی علیه ایالات متحده، اسرائیل یا هر متحد دیگر ایالات متحده که به صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی رضایت نداده است، مخالف است و از متحدان خود نیز انتظار دارد که با آن مخالفت کنند. ایالات متحده همچنان به پاسخگویی و ایجاد صلح‌آمیز نظم بین‌المللی متعهد است، اما دیوان کیفری بین‌المللی و کشورهای عضو اساسنامه رم باید به تصمیمات ایالات متحده و سایر کشورها مبنی بر عدم اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، مطابق با حقوق حاکمیتی مربوطه خود، احترام بگذارند. ایالات متحده عواقب ملموس و قابل توجهی را بر مسئولان تخلفات دیوان کیفری بین‌المللی اعمال خواهد کرد که برخی از آنها ممکن است شامل مسدود کردن اموال و دارایی‌ها و همچنین

1. <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/02/imposing-sanctions-on-the-international-criminal-court>

تعليق ورود مقامات، کارمندان و نمایندگان دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین اعضای خانواده درجه یک آنها به ایالات متحده باشد، زیرا ورود آنها به کشور ما برای منافع ایالات متحده مضر خواهد بود.»

سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۰ آگوست ۲۰۲۵ میلادی در خبری با عنوان «دیوان کیفری بین‌المللی: تحریم‌های جدید آمریکا "حمله‌ای آشکار" به استقلال قضایی است»، نسبت به این فرمان اجرایی، واکنش نشان داد و بیان نمود که این دادگاه که با حمایت سازمان ملل متحد فعالیت می‌کند، تحریم‌ها را به عنوان حمله‌ای آشکار علیه استقلال یک نهاد قضایی بی‌طرف، محکوم کرد. این اقدامات همچنین توهینی به کشورهای عضو دیوان، نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین، و مهم‌تر از همه، میلیون‌ها قربانی بی‌گناه در سراسر جهان محسوب می‌شود. دیوان تکرار کرد که قاطعانه از پرسنل خود و قربانیان فجایع غیرقابل تصور حمایت می‌کند و به انجام وظایف خود، بدون دلسردی و کاملاً مطابق با چارچوب قانونی خود که توسط کشورهای عضو پذیرفته شده است، و بدون توجه به هیچ‌گونه محدودیت، فشار یا تهدیدی ادامه خواهد داد. دیوان کیفری بین‌المللی، از کشورهای عضو و همه کسانی که ارزش‌های انسانیت و حاکمیت قانون را گرامی می‌دارند، خواستار حمایت قاطع و مستمر از دیوان و فعالیت‌های آن که تنها در جهت منافع قربانیان جرایم بین‌المللی انجام می‌شود، گردید. سازمان ملل متحد بر نقش کلیدی دیوان کیفری بین‌المللی در عدالت کیفری بین‌المللی تأکید کرد و نگرانی خود را نسبت به اعمال تحریم‌های بیشتر ابراز داشت. استفان دوجاریک<sup>۱</sup>، سخنگوی سازمان ملل، در جمع خبرنگاران در نیویورک گفت که این تصمیم موانع جدی برای عملکرد دفتر دادستان و احترام به تمامی پرونده‌هایی که در حال حاضر در دیوان مطرح هستند، ایجاد می‌کند. استقلال قضایی یک اصل اساسی است که باید مورد احترام قرار گیرد، و این گونه اقدامات، پایه‌های عدالت بین‌المللی را تضعیف می‌کند.<sup>۲</sup>

1. Stéphane Dujarric

2. <https://news.un.org/en/story/>

همچنین، کارشناسان سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای که در تاریخ ۱۰ فوریه ۲۰۲۵ میلادی منتشر نمودند، این اقدام ایالات متحده آمریکا را محکوم، و این فرمان اجرایی را حمله به حاکمیت قانون جهانی و عدالت کیفری بین‌المللی دانستند. از منظر ایشان، محدودیت‌های مالی که این اقدام اعمال خواهد کرد، دیوان کیفری بین‌المللی و تحقیقات آن در مورد جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در سراسر جهان، از جمله جنایات علیه زنان و کودکان را تضعیف کرده و تلاش چندین دهه‌ای برای قرار دادن قانون در جایگاه بالاتر از زور و وحشیگری را به سخره می‌گیرد. به گفته کارشناسان سازمان ملل متحد، عدالت باید بدون استثناء برای همه به طور مساوی اعمال شود. پایبندی به حقوق بین‌الملل یک فرآیند انتخابی نیست، بلکه یک مسئولیت مشترک است که امنیت جهانی، از جمله امنیت ایالات متحده را تقویت می‌کند، نه اینکه آن را تهدید کند. کارشناسان از ابراز همبستگی و حمایت از دیوان کیفری بین‌المللی از سوی سایر کشورهای عضو سازمان ملل استقبال کردند و بر شناخت جامعه جهانی از نقش حیاتی این دادگاه تأکید نمودند. در نهایت کارشناسان اظهار داشتند: «اعمال تحریم بر کارکنان دیوان به دلیل انجام وظایف حرفه‌ای‌شان، نقض آشکار حقوق بشر محسوب می‌شود و اصول استقلال قضایی و حاکمیت قانون را تضعیف می‌کند.» از منظر کارشناسان سازمان ملل متحد، تحریم‌های آمریکا علیه دیوان کیفری بین‌المللی تحت ماده ۷۰ اساسنامه رم، مصداق جرایم علیه اجرای عدالت می‌باشد. ماده ۷۰، تلاش برای اخلال یا ارعاب یک مقام دیوان یا انتقام‌جویی از یک مقام دیوان به دلیل وظایف انجام شده توسط آن مقام را جرم‌انگاری می‌کند<sup>۱</sup>

## ۵. تحریم گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص

### وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی

وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا با صدور بیانیه خبری در تاریخ ۹ جولای ۲۰۲۵ میلادی، تحریم‌هایی را علیه خانم فرانچسکا آلبانی<sup>۲</sup>، «گزارشگر

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases>

2. Francesca Paola Albanese

ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی از سال ۱۹۶۷<sup>۱</sup>، اعمال کرد. در این بیانیه تأکید شده که آلبانیز، گزارشگر ویژه سازمان ملل، به دلیل همکاری مستقیم با دیوان کیفری بین‌المللی در پیگرد قانونی اتباع آمریکایی و اسرائیلی آن هم بدون کسب رضایت این کشورها، مورد انتقاد شدید ایالات متحده قرار گرفته است. از جمله موارد مورد ادعا، توصیه آلبانیز به دیوان کیفری بین‌المللی برای صدور حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، و یوآو گالانت، وزیر دفاع سابق این رژیم و ارسال نامه‌های تهدیدآمیز به شرکت‌های بین‌المللی است.<sup>۲</sup>

کارشناسان سازمان ملل متحد در ۸ آگوست ۲۰۲۵ میلادی، در بیانیه‌ای، تحریم‌های آمریکا علیه گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در خصوص حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، فرانچسکا آلبانیز را محکوم کردند. در این بیانیه آمده است «ما بدون قید و شرط تصمیم ایالات متحده برای اعمال تحریم بر گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین را محکوم می‌کنیم و تعهد خود را به دفاع از اصول اساسی حقوق بشر در برابر تلاش‌ها برای تضعیف آنها و ارباب یا ساکت کردن کسانی که برای دفاع از آنها تلاش می‌کنند، مجدداً تأیید می‌کنیم. ما همبستگی کامل خود را با فرانچسکا آلبانیز، که مأموریت و گزارش‌دهی او برای حفظ استانداردهای قانونی بین‌المللی و پاسخگویی ضروری است، ابراز می‌کنیم. در بخش دیگری از این بیانیه آمده است «تحریم گزارشگر ویژه به دلیل انجام این مسئولیت که توسط شورای حقوق بشر به آن مأمور شده است، حمله مستقیم به تمامیت سیستم حقوق بشر سازمان ملل است. این اقدامات، قوانین بین‌المللی، از جمله کنوانسیون ۱۹۴۶ در مورد امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل را نقض می‌کند. کنوانسیون ۱۹۴۶ به کارشناسان سازمان ملل امتیازات و مصونیت‌هایی را اعطا می‌کند که برای

1. Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in the Palestinian Territories Occupied since 1967

2. <https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson>

انجام مستقل وظایفشان ضروری است. نقض این چارچوب، پیام خطرناکی را ارسال می‌کند، استقلال سیستم رویه‌های ویژه را تهدید می‌کند و تأثیر منفی بر حمایت جهانی از حقوق بشر دارد. کشورهایی که با نظرات کارشناسان سازمان ملل مخالف هستند، باید از طریق فرآیندهای تثبیت‌شده گفتگوی دیپلماتیک، به طور سازنده با آنها تعامل کنند. در نهایت، این بیانیه تأکید می‌کند که «هدف قرار دادن گزارشگر ویژه را نمی‌توان از جنایات فاحش بین‌المللی و نقض حقوق بشر علیه فلسطینیان و تلاش‌های دیرینه برای سلب مشروعیت از کسانی که از حقوق آنها دفاع می‌کنند، جدا کرد. تعصب و تهدیدهایی که مدافعان حقوق بشر، چه محققان، چه فعالان جامعه مدنی، چه نمایندگان سازمان ملل، با آن مواجه هستند، جدا کرد. مقامات یا کارشناسان، منعکس‌کننده راهبرد گسترده‌تری برای خاموش کردن مخالفان و محافظت از ساختارهای قدرت سوء استفاده‌گر در برابر بررسی دقیق هستند. ما از همه کشورها می‌خواهیم که این تحریم‌ها را صریحاً محکوم کرده و از همکاری در اجرای آنها خودداری کنند و تعهد خود را به گزارشگران ویژه سازمان ملل، کارگروه‌ها و کارشناسان مستقل، از جمله گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغال شده از سال ۱۹۶۷، مجدداً تأیید کنند.»<sup>۱</sup>

#### ۶. تحریم و سرکوب مدافعان حقوق بشر فلسطینیان

دولت آمریکا در ادامه رویکرد تحریم و سرکوب، چند سازمان حقوق بشری از جمله گروه «الحق»، «مرکز حقوق بشر فلسطین (PCHR)» «مرکز حقوق بشر المیزان» و «الضمیر» را به دلیل حمایت آنها از فعالیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) در مورد اوضاع در سرزمین‌های اشغالی فلسطین تحریم کرد، این نهادها، از معتبرترین منابع مستندسازی نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی بوده و اسناد مهمی درباره حملات اسرائیل علیه غیرنظامیان در غزه به ICC ارائه کرده‌اند. این اقدام نمونه‌ای تاسف‌بار از سرکوب مداوم مدافعان حقوق

1. <https://www.ohchr.org/en/statements/2025/08/us-sanctions-special-rapporteur-francesca-albanese-threaten-human-rights-system>

بشر فلسطینی و حامیان فلسطین در آمریکا و سایر نقاط جهان است. این تحریم‌ها عملیات روزمره این سازمان‌های حقوق بشری را دشوارتر کرده و بر کارکنان، جامعه تحت حمایت و تأمین‌کنندگان خدمات آن‌ها تأثیر منفی خواهد گذاشت.<sup>۱</sup>

تحریم این سازمان‌ها تحت فرمان اجرایی ۱۴۲۰۳، در شرایطی صورت گرفته که بسیاری از کشورها، اقدامات اسرائیل در غزه از جمله کشتار غیرنظامیان، هدف قرار دادن خبرنگاران و کارکنان پزشکی و ایجاد قطعی را محکوم کرده‌اند. کارشناسان سازمان ملل اعلام کردند که این تحریم‌ها نقض آشکار آزادی بیان و تشکل محسوب می‌شود و بخشی از تلاش ایالات متحده برای تضعیف پاسخگویی بین‌المللی و ساکت کردن صدای حامیان فلسطین است. آن‌ها تأکید کردند: این سازمان‌ها به دلیل فعالیت مؤثر در مستندسازی جنایات جنگی، باید مورد حمایت و تأمین مالی قرار گیرند، نه مجازات. اقدام آمریکا در این زمینه، مایه تأسف و نگران‌کننده است.<sup>۲</sup>

در واکنش به تحریم این سازمان‌های حقوق بشری، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، تحریم‌های ایالات متحده علیه این گروه‌های حقوق بشری فلسطینی را «غیرقابل قبول» دانست و خواستار لغو آنها در پی خشم جهانی نسبت به این اقدام آمریکا شد. کمیسر عالی حقوق بشر اعلام کرد «این سازمان‌های مردم‌نهاد در طول دهه‌ها، نقش حیاتی در زمینه حقوق بشر، به ویژه در راستای تحقق پاسخگویی در قبال نقض حقوق بشر ایفا کرده‌اند». وی تصریح کرد «زمانی که قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشری به‌طور هدفمند در غزه و کرانه باختری نقض می‌شوند، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند». «این اقدامات علیه سازمان‌هایی که برای ترویج احترام به حقوق بشر تلاش می‌کنند، کاملاً مغایر با اصول حاکمیت قانون و ارزش‌هایی است که ایالات متحده سال‌ها از آن‌ها حمایت

1. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2025/07/us-lift-sanctions-on-leading-palestinian-human-rights-organization/>

2. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/un-experts-dismayed-us-sanctions-against-palestinian-human-rights>



و دفاع کرده است.» وی از دولت ایالات متحده مصرانه درخواست کرده که این تحریم‌ها و همچنین تحریم‌های پیشین علیه گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی از سال ۱۹۶۷ و نیز تحریم‌های اعمال شده علیه برخی قضات و دادستان‌های دادگاه کیفری بین‌المللی را فوراً لغو نماید.<sup>۱</sup>

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/turk-calls-us-withdraw-sanctions-against-palestinian-rights-groups>

## فصل دوم: عملیات نظامی فرامرزی و تلفات غیرنظامیان

### ۱. حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران

در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی (۱ تیر ۱۴۰۴)، آمریکا به دستور مستقیم دونالد ترامپ، تأسیسات هسته‌ای فردو، و همچنین دو مرکز دیگر در نطنز و اصفهان را مورد حمله نظامی قرار داد.

حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران نه تنها نقض آشکار حقوق بین‌الملل و حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران است، بلکه مصداق بارز نقض حقوق بشر محسوب می‌شود. آمریکا که خود بزرگ‌ترین زرادخانه هسته‌ای جهان را در اختیار دارد و تنها کشوری است که از سلاح اتمی برای نابودی جمعی استفاده کرده، امروز به خود اجازه می‌دهد تأسیسات صلح‌آمیز یک کشور عضو NPT و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بمباران کند؛ آن هم در شرایطی که بارها و به‌صراحت، استفاده ایران از فناوری هسته‌ای، صلح‌آمیز اعلام شده و هیچ مدرکی دال بر انحراف در برنامه هسته‌ای آن ارائه نشده است.

این حمله، نه فقط زیر پا گذاشتن منشور ملل متحد و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است، بلکه جان هزاران نیروی فنی، علمی و غیرنظامی را به خطر انداخت و و ضربه‌ای جدی به حق مسلم و مشروع ملت ایران برای دستیابی به توسعه و پیشرفت وارد ساخت؛ حقی که بر اساس اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، منشور سازمان ملل متحد و تعهدات بین‌المللی ایران در چارچوب معاهده NPT به رسمیت شناخته شده و این اقدام تجاوزکارانه آن را به‌طور آشکار نقض کرده است. آمریکا، با وقاحت تمام، این جنایت را «عملی موفقیت‌آمیز در راستای حفظ صلح» قلمداد می‌کند؛ در حالی که خود بزرگ‌ترین تهدید صلح جهانی است.

## ۲. همکاری با رژیم اسرائیل در تجاوز نظامی به ایران

رژیم اسرائیل علیرغم وجود قوانین و مقررات متعدد بین‌المللی در ممانعت از تجاوز و جنگ کشورها علیه یکدیگر، در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵، به صورت غیر قانونی به ایران حمله کرد. این جنگ تحمیلی، ۱۲ روز به طول انجامید. این جنگ ظالمانه خسارات متعددی به همراه داشت به نحوی که در جریان این جنگ، شهروندان ایرانی زیادی شهید شدند که در بین آنها تعدادی از مقامات عالی‌رتبه نظامی، دانشمندان و اساتید دانشگاه، زنان، کودکان و مردم عادی حضور داشتند. علاوه بر خسارات جانی، این تهاجم ظالمانه، به تعداد قابل توجهی از زیرساخت‌های نظامی و غیر نظامی و مناطق مسکونی ایران آسیب رساند.

مشارکت و مداخله مستقیم ایالات متحده آمریکا در تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی علیه ایران، که از ۱۳ تا ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵ انجام شد، یکی از جدی‌ترین نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اصول حقوق بشر از زمان تأسیس نظم حقوقی پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌رود.

در جریان تجاوز ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی با همکاری آمریکا، زیرساخت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، و سایت‌های هسته‌ای صلح آمیز از جمله نطنز، فردو، آب سنگین اراک و اصفهان به طور مستقیم هدف حملات قرار گرفتند. این اقدامات، با توجه به حساسیت و خطر بالقوه نشت مواد پرتوزا، تهدیدی جدی و بی‌سابقه برای سلامت مردم ایران و امنیت زیست‌محیطی منطقه به شمار می‌آید. علاوه بر این، این حملات نقض آشکار حق بر سلامت و حتی حق بر زندگی مردم ایران است. نشت احتمالی مواد رادیواکتیو و سمی ناشی از این حملات می‌تواند سلامت عمومی، منابع آبی، هوا و خاک را به شدت آلوده کند و خطرات فراوانی برای اقشار آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان و بیماران به همراه داشته باشد.

تعهد دولت‌ها به جلوگیری از خطرات فرامرزی ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی و رادیواکتیو، در اصول استکهلم ۱۹۷۲، ريو ۱۹۹۲ و نظر مشورتی

دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۵ به‌عنوان تعهدات الزام‌آور بین‌المللی شناخته شده است. عدم رعایت این تعهدات در جریان این حملات می‌تواند مسئولیت بین‌المللی گسترده‌ای را برای رژیم صهیونیستی و همکاران آن به دنبال داشته باشد.

### ۳. هدف قرار دادن غیرنظامیان به بهانه مبارزه با تروریسم

آمریکا در ادامه اقدامات فرامزی خود، چند قایق ونزوئلایی را مورد حمله قرار داد که این اقدام با واکنش شدید کارشناسان حقوق بشر همراه شد؛ آنها این حملات را نقض آشکار حق حیات و قوانین بین‌المللی دانسته و خواستار تحقیقات مستقل و پاسخگویی مسئولان مربوطه شدند. کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل متحد هشدار دادند که حملات مرگبار ایالات متحده در چارچوب (تروریسم مرتبط با مواد مخدر)، از جمله حمله به یک شناور مظنون، ناقض حق بنیادین حیات است. این کارشناسان تأکید کردند که استفاده از زور مرگبار بدون رعایت اصول حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، از جمله الزامات شفافیت، پاسخگویی، و ارزیابی مشروعیت هدف، ممکن است معادل اعدام فراقضایی تلقی شود. آنها خواستار تحقیقات مستقل، شفاف و بی‌طرفانه در خصوص این حمله شده و نسبت به گسترش رویه‌های نظامی فاقد نظارت قانونی هشدار دادند.

کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل، حمله مرگبار ایالات متحده به دو قایق غیرنظامی در آب‌های کارائیب در سپتامبر ۲۰۲۵ که منجر به کشته شدن ۱۴ نفر شد را اعدام فراقضایی و نقض جدی حقوق بین‌الملل توصیف کردند. آنان تأکید کردند که حقوق بین‌الملل اجازه قتل هدفمند مظنونان به قاچاق مواد مخدر را نمی‌دهد و اقدامات جنایی باید از طریق مجاری قانونی و با رعایت اصل حاکمیت قانون پیگیری شود. به گفته این کارشناسان، استفاده از زور مرگبار در آب‌های بین‌المللی تنها در شرایط دفاع شخصی یا دفاع از دیگران در برابر تهدید فوری به حیات مجاز است. همچنین، این حملات برخلاف قوانین بین‌المللی دریاها و منشور سازمان ملل صورت گرفته و ممکن است به منزله نقض حاکمیت

کشورها و استفاده غیرقانونی از زور تلقی شود. ایالات متحده پیش از این ترن د آراگوا را به انجام «تهاجم» یا «تهاجم غارتگرانه» به ایالات متحده، به دستور دولت ونزوئلا، متهم کرده است. کارشناسان گفتند: «هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد این گروه در حال انجام حمله مسلحانه علیه ایالات متحده است که به ایالات متحده اجازه می‌دهد در دفاع ملی از نیروی نظامی علیه آن استفاده کند.»<sup>۱</sup>

علاوه بر این، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نگرانی عمیق خود را نسبت به استفاده ایالات متحده آمریکا از پهپادهای مسلح در عملیات‌های ضدتروریسم فراملی جهت انجام قتل‌های هدفمند ابراز داشت. این کمیته به‌ویژه نسبت به نبود شفافیت در معیارهای حقوقی و سیاست‌های مربوط به حملات پهپادی، احتمال تغییر این معیارها بر اساس برنامه‌های محرمانه و فقدان مسئولیت‌پذیری در قبال تلفات جانی و آسیب‌های جدی به غیرنظامیان نگرانی داشت.<sup>۲</sup>

1. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/09/us-war-narco-terrorists-violates-right-life-warn-un-experts-after-deadly>

2. <https://docs.un.org/en/A/HRC/WG.6/50/USA/2>

## فصل سوم: اقدامات قهرآمیز یکجانبه

### ۱. اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران

تحریم‌های همه‌جانبه ایالات متحده علیه ایران، فراتر از یک ابزار فشار سیاسی، به مثابه نقض نظام‌مند و گسترده حقوق مردم ایران عمل می‌کند. این تحریم‌ها که بخش‌های اقتصادی، مالی و بانکی، تجارت بین‌المللی، دارو و درمان و بسیاری از شئون دیگر زندگی مردم ایران را تحت تأثیر قرار داده، ضمن کاهش شدید درآمد ملی و افزایش تورم و بیکاری در کشور، حق معیشت، رفاه و توسعه را از میلیون‌ها شهروند ایرانی را نقض کرده است. تأثیر این محدودیت‌ها بر امنیت غذایی و دسترسی به کالاهای اساسی و دارو، تأثیر منفی داشته و به وضوح، با اصول حقوق بین‌المللی و موازین حقوق بشر در تضاد می‌باشد.

در جدیدترین گزارشی که کنگره ایالات متحده آمریکا در زمینه تحریم‌های آمریکا علیه ایران در تاریخ ۱۹ آگوست ۲۰۲۵ میلادی منتشر کرده نیز، بر اثرات منفی این تحریم‌ها بر اقتصاد و معیشت ایرانیان تأکید شده است. در این گزارش بیان شده است که از زمان انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، ایالات متحده از انواع مختلف تحریم‌ها به عنوان ابزارهای کلیدی سیاست خود در قبال دولت ایران استفاده کرده است. تحریم‌های اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، نقشی پررنگ و تعیین‌کننده ایفا کرده است. از زمان آغاز اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران، این اقدامات نه تنها بر اقتصاد کشور، بلکه بر زندگی روزمره شهروندان، روابط بین‌المللی و چشم‌اندازهای توسعه‌ای ایران تأثیرات عمیقی گذاشته است.

در این گزارش در خصوص ماهیت تحریم‌های اعمالی توسط ایالات متحده آمریکا علیه ایران، چنین بیان شده است «تحریم‌های اولیه، محدودیت‌هایی را بر آن رفتارها و اشخاصی که مستقیماً با آن‌ها درگیر هستند، اعمال می‌کنند و تحریم‌های ثانویه، به دنبال بازدارندگی طرف‌های ثالث از تعامل با اهداف اولیه هستند. تحریم‌های اولیه و ثانویه ممکن است شامل مسدود کردن دارایی‌های

مستقر در ایالات متحده، ممنوعیت تراکنش با اشخاص آمریکایی، محدود کردن استفاده از ابزارهای مالی ایالات متحده، جلوگیری از ورود به ایالات متحده و پیگرد قانونی نقض‌ها و گریز از تحریم‌ها باشد. تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، احتمالاً گسترده‌ترین و جامع‌ترین مجموعه‌ای از تحریم‌هایی است که ایالات متحده علیه هر کشوری اعمال می‌کند. هزاران نفر (ایرانی و غیرایرانی) به دلیل ارتباط با ایران در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

قانون ایالات متحده تحریم‌هایی را مجاز می‌کند که موارد زیر را هدف قرار می‌دهند: بخش انرژی ایران، از جمله شرکت‌های خارجی که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند و نهادهایی که نفت ایران را می‌خرند، می‌فروشند یا حمل می‌کنند؛ بخش مالی ایران، از جمله بانک مرکزی آن؛ بخش‌های اضافی اقتصاد ایران، از جمله حمل و نقل، ساخت و ساز، معدن، نساجی، خودرو و تولید، و همچنین نهادهایی که با این بخش‌ها تراکنش انجام می‌دهند یا در غیر این صورت از آن‌ها حمایت می‌کنند؛ و بسیاری از اجزای دولت ایران، از جمله نهادهایی که با آن‌ها تراکنش انجام می‌دهند، یا در غیر این صورت از آن‌ها حمایت می‌کنند.

در گزارش حاضر، تنها به اسامی تحریم‌های اعمال شده توسط ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۵ میلادی که توسط وزارت امور خارجه این کشور در تاریخ ۲۱ آگوست ۲۰۲۵ میلادی، رسماً اعلام شده، اکتفا می‌گردد که به تنهایی، ۱۹ تحریم به شرح ذیل را شامل می‌شود:

- \* ۲۴ فوریه ۲۰۲۵: تحریم نهادهایی که در تجارت نفت ایران فعالیت داشته‌اند
- \* ۲۴ فوریه ۲۰۲۵: تحریم تجارت نفت ایران برای بازگرداندن حداکثر فشار.
- \* ۱۳ مارس ۲۰۲۵: تحریم وزیر نفت ایران و "ناوگان سایه" برای اعمال حداکثر فشار.
- \* ۱۳ مارس ۲۰۲۵: تحریم ارائه‌دهندگان خدمات که تجارت نفت خام ایران را تسهیل می‌کنند.
- \* ۲۰ مارس ۲۰۲۵: تحریم نهادهای اضافی که در تجارت نفت ایران فعالیت داشته‌اند.

\* ۱۰ آوریل ۲۰۲۵: تحریم شبکه نفتی ایران برای اعمال حداکثر فشار بیشتر  
 \* ۱۶ آوریل ۲۰۲۵: تحریم یک پالایشگاه چینی (Teapot) برای افزایش فشار بر ایران.

\* ۲۲ آوریل ۲۰۲۵: تحریم شبکه حمل و نقل گاز مایع (LPG) برای افزایش فشار بر ایران.

\* ۳۰ آوریل ۲۰۲۵: اعمال تحریم‌های حداکثر فشار بر تاجران غیرقانونی محصولات نفتی و پتروشیمی ایران.

\* ۸ می ۲۰۲۵: تحریم سومین پالایشگاه چینی (Teapot) به دلیل نقض تحریم‌های ایران.

\* ۳ جولای ۲۰۲۵: هدف قرار دادن شبکه‌های متنوعی که تجارت نفت ایران را تسهیل می‌کنند.

\* ۳۰ جولای ۲۰۲۵: تحریم تسهیل‌کنندگان تجارت نفت و پتروشیمی ایران  
 \* ۲۱ آگوست ۲۰۲۵: تحریم شبکه نفتی ایران برای اعمال حداکثر فشار بیشتر

تحریم‌های اشاره شده در بالا، به عنوان تحریم‌های اعمال شده در سال ۲۰۲۵ میلادی، تنها بخشی از صدها تحریمی هستند که ایالات متحده آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی علیه جمهوری اسلامی ایران وضع نموده است. تحریم‌های یک‌جانبه این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران، تأثیرات مخرب و گسترده‌ای بر حقوق بنیادین شهروندان ایرانی داشته است. این تحریم‌ها با هدف قرار دادن نظام‌مند بخش‌های حیاتی کشور از جمله بخش‌های انرژی، بانکی و تجاری، به طور مستقیم دسترسی مردم به دارو، تجهیزات پزشکی، غذا و سایر نیازهای حیاتی زندگی را محدود کرده است. از منظر حقوق بین‌الملل، این اقدامات نقض فاحش ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (حق بر استاندارد مناسب زندگی شامل خوراک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات ضروری) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود که به نوبه خود، کاهش درآمد ملی، افزایش تورم و بیکاری، و محرومیت از خدمات درمانی



تنها مصادیق کوچکی از مجازات جمعی است که ایالات متحده آمریکا علیه ایرانیان اعمال می‌کند.

این تحریم‌ها نه تنها بحران‌های انسانی در حوزه سلامت و امنیت غذایی را به همراه دارد، بلکه حق توسعه و پیشرفت اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را نیز، نقض می‌کند. تبعات این منفی این تحریم‌های ظالمانه، از جمله محدودیت دسترسی به فناوری، سرمایه‌گذاری خارجی و بازارهای جهانی، مانع رشد پایدار و بهبود استانداردهای زندگی در ایران شده و اثرات بلندمدت این سیاست‌ها بر آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه از جمله کودکان، بیماران و سالخوردگان غیرقابل انکار است. چنین اقداماتی نه تنها مشروعیت حقوقی ندارند، بلکه با اصول بشردوستانه و تعهدات بین‌المللی در جلوگیری از رنج غیرنظامیان در تناقض آشکار می‌باشد.

## ۲.۱ اعمال تحریم علیه سایر کشورها

تحریم‌های اقتصادی و مالی به عنوان ابزاری کلیدی در سیاست خارجی ایالات متحده برای تأثیرگذاری بر رفتار دولت‌های خارجی به شمار می‌آید. این ابزار، فراتر از محدودیت‌های اعمال شده بر جمهوری اسلامی ایران، طیف وسیعی از کشورها از جمله روسیه، کره شمالی، ونزوئلا و ... را نیز هدف قرار داده است. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) ایالات متحده آمریکا که مسئولیت اجرای برنامه‌های تحریمی متنوعی را بر عهده دارد، اهداف سیاست خارجی و امنیت ملی ایالات متحده را دنبال می‌کند. این تحریم‌ها می‌توانند جامع یا گزینشی باشند و از طریق مسدود کردن دارایی‌ها و اعمال محدودیت‌های تجاری اجرا می‌شوند. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی، برنامه‌های تحریمی متعددی را در سطح جهان مدیریت می‌کند که شامل تحریم‌های مرتبط با روسیه، ایران، کره شمالی، کوبا، مبارزه با مواد مخدر و تحریم‌های مرتبط با فضای سایبری است. همچنین، تحریم‌های مرتبط با ونزوئلا از جمله برنامه‌های مهم این دفتر محسوب می‌شود. این اقدامات ابزاری قدرتمند برای اعمال نفوذ آمریکا در سطح بین‌المللی به شمار می‌روند.

## فصل چهارم: خروج از سازمان های بین المللی

### ۱. خروج از سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)

ایالات متحده آمریکا در تاریخ ۲۲ جولای ۲۰۲۵ میلادی، رسماً از سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد<sup>۱</sup> (یونسکو) خارج شد. در بیانیه خبری وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، دلیل خروج ایالات متحده آمریکا از این سازمان این گونه بیان شده است «یونسکو برای پیشبرد اهداف اجتماعی و فرهنگی تفرقه‌انگیز تلاش می‌کند و تمرکز بیش از حد بر اهداف توسعه پایدار سازمان ملل، یک دستور کار جهانی و ایدئولوژیک برای توسعه بین‌المللی با سیاست خارجی ما مبنی بر «اول آمریکا» در تضاد است. تصمیم یونسکو برای پذیرش «دولت فلسطین» به عنوان یک کشور عضو، اقدامی مسئله‌ساز، مغایر با سیاست ایالات متحده، و عاملی برای گسترش گفتمان ضد اسرائیلی در داخل سازمان بوده است. از این پس، مشارکت ایالات متحده در سازمان‌های بین‌المللی بر پیشبرد صریح و قاطع منافع آمریکا متمرکز خواهد بود»<sup>۲</sup> به طور کلی، خروج ایالات متحده از یونسکو را می‌توان در چارچوب پشتیبانی همه‌جانبه این کشور از سیاست‌های رژیم صهیونیستی تفسیر کرد. این اقدام آمریکا، نشان‌دهنده رویکردی است که در آن واشنگتن با کنش‌های بین‌المللی مغایر با منافع اسرائیل به مقابله برمی‌خیزد و عملاً خود را به شریک راهبردی این رژیم در انجام جنایات جنگی علیه فلسطینیان، مبدل نموده است.

مدیرکل سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، آدری آزولای<sup>۳</sup>، یک روز پس از خروج ایالات متحده آمریکا، در بیانیه‌ای ضمن ابراز تأسف از این تصمیم، تبعات این تصمیم را این گونه بیان می‌کند «این تصمیم با اصول اساسی چندجانبه‌گرایی مغایرت دارد و ممکن است در درجه اول

1. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

2. <https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson/2025/07/the-United-states-withdraws-from-the-united-nations-educational-scientific-and-cultural-organization-unesco>

3. Audrey Azoulay

بر بسیاری از شرکای ما در ایالات متحده آمریکا (جوامعی که به دنبال ثبت مکان در فهرست میراث جهانی، وضعیت شهر خلاق و کرسی‌های دانشگاهی هستند) تأثیر بگذارد... دلایل مطرح شده توسط ایالات متحده برای خروج از این سازمان، همان دلایل هفت سال پیش است، اگرچه اوضاع عمیقاً تغییر کرده، تنش‌های سیاسی فروکش کرده و یونسکو امروز یک مجمع نادر برای اجماع در مورد چندجانبه‌گرایی ملموس و عمل‌محور است. ... یونسکو با وجود کاهش اجتناب‌ناپذیر منابع، به انجام این مأموریت‌ها ادامه خواهد داد.<sup>۱</sup> خروج ایالات متحده از نهادهای بین‌المللی از جمله یونسکو، به نوبه خود، نشان‌دهنده رویکرد ابزاری ایالات متحده آمریکا نسبت به نهادهای بین‌المللی است به نحوی که این کشور، تنها تا زمانی که این نهادها در راستای تأمین منافع آن عمل کنند، به همکاری با آنها ادامه می‌دهد و در صورت اتخاذ مواضع مستقل یا انتقادی، به خروج یا تهدید به قطع کمک‌های مالی متوسل می‌شود.

## ۲. خروج از سازمان بهداشت جهانی

در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ میلادی، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا با صدور یک فرمان اجرایی، ایالات متحده آمریکا را از سازمان بهداشت جهانی خارج نمود.<sup>۲</sup>

بنابه گزارش خبری «فدراسیون جهانی انجمن بهداشت عمومی»<sup>۳</sup>، تصمیم دولت ایالات متحده برای قطع روابط با سازمان بهداشت جهانی (WHO) پیامدهای گسترده‌ای برای سلامت عمومی در ایالات متحده و جهان دارد. خروج ایالات متحده از سازمان بهداشت جهانی، ابتکارات حیاتی سلامت را به خطر می‌اندازد، همکاری‌های بین‌المللی را تضعیف می‌کند و تلاش‌ها برای مقابله با چالش‌های مبرم جهانی را تضعیف می‌کند. با توجه به این که ایالات متحده از

1. <https://www.state.gov/releases/office-of-the-spokesperson/2025/07/the-united-states-withdraws-from-the-united-nations-educational-scientific-and-cultural-organization-unesco>

2. <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/01/withdrawing-the-united-states-from-the-worldhealth-organization/> (accessed on 3 August 2025)

3. World Federation of Public Health Association

نظر تاریخی، بزرگترین کمک‌کننده به سازمان بهداشت جهانی بوده و ۱۵ درصد از بودجه آن را تأمین می‌کند، این اقدام شکاف مالی قابل توجهی ایجاد می‌کند که بر برنامه‌های این سازمان در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد. خروج ایالات متحده از سازمان بهداشت جهانی، دارای اثرات جانبی نیز می‌باشد. به عنوان مثال، سازمان‌های مردم‌نهاد که داروهای نجات‌بخش ایدز را در چندین کشور آفریقایی ارائه می‌دهند، اکنون به دلیل کمبود بودجه مجبور به جیره‌بندی منابع شده‌اند. در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، جایی که ۶۷ درصد از افراد مبتلا به ایدز در آن زندگی می‌کنند، این امر می‌تواند دهه‌ها پیشرفت در مبارزه با این بیماری همه‌گیر را معکوس کند.<sup>۱</sup>

### ۳. خروج از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۵ میلادی، با صدور یک فرمان اجرایی با عنوان «خروج ایالات متحده از و پایان دادن به تأمین مالی برخی از سازمان‌های ملل متحد و بررسی حمایت ایالات متحده از همه سازمان‌های بین‌المللی»، از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، خارج شد. در این فرمان، ترامپ دلیل خود برای اتخاذ این تصمیم را این گونه بیان می‌کند «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با اجازه دادن به ناقضان حقوق بشر برای استفاده از این سازمان برای محافظت از خود در برابر بررسی دقیق، از آنها محافظت کرده است...»

فرمان اجرایی دونالد ترامپ مبنی بر خروج ایالات متحده از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، نه تنها گامی به عقب در مسیر صیانت از ارزش‌های جهانی حقوق بشر محسوب می‌شود، بلکه نمایانگر تلاش این کشور برای فرار از پاسخگویی نسبت به رفتارهای ناقض حقوق بشر در داخل و خارج از مرزهایش است. این تصمیم در حالی اتخاذ می‌شود که ایالات متحده طی سال‌های اخیر، به‌ویژه با جنایات اسرائیل در غزه، حمایت بی‌قید و شرط خود از رژیم

1. <https://www.wfp.org/us-withdrawl-from-who/>

2. United Nations Human Rights Council

صهیونیستی را به‌طور گسترده نشان داده و بارها از سازوکارهای بین‌المللی برای جلوگیری از پاسخگویی این رژیم سوءاستفاده کرده است.

استدلال مطرح‌شده در این فرمان - مبنی بر اینکه شورای حقوق بشر به محلی برای پناه گرفتن ناقضان حقوق بشر بدل شده - بیشتر تلاشی برای فرافکنی و نادیده‌انگاری واقعیات تلخ رفتارهای ایالات متحده در عرصه داخلی و بین‌المللی است. آنچه ترامپ آن را «نقص عملکرد شورا» می‌نامد، در واقع واکنشی به افزایش فشارها و انتقادات بین‌المللی نسبت به عملکرد تبعیض‌آمیز، خشونت‌بار و گاه مرگ‌بار نهادهای داخلی آمریکا، به‌ویژه در قبال سیاه‌پوستان، مهاجران، بومیان و سایر اقلیت‌های نژادی و مذهبی است.

گفتنی است، ایالات متحده آمریکا در اقدامی مغایر با الزامات همکاری سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر، طی نامه‌ای رسمی به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اعلام کرد که از ارائه گزارش ملی خود در چارچوب سازوکار بررسی دوره‌ای جهانی (UPR) خودداری خواهد کرد.

خروج از شورای حقوق بشر، نه تنها نشان‌دهنده بی‌میلی آمریکا به اصلاح عملکرد خود، بلکه حاکی از بی‌اعتنایی ساختاری این کشور به اصول و قواعد بین‌المللی در حوزه حقوق بشر است. این اقدام عملاً به منزله‌ی کاهش شفافیت، قطع همکاری با نهادهای نظارتی و تقویت زمینه برای استمرار و تشدید نقض حقوق بشر در داخل خاک آمریکاست.

#### ۴. قطع کمک مالی ایالات متحده آمریکا

در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۵ میلادی، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا با صدور یک فرمان اجرایی با عنوان «خروج ایالات متحده و پایان دادن به تأمین مالی برخی از سازمان‌های ملل متحد و بررسی حمایت ایالات متحده از همه سازمان‌های بین‌المللی»، کمک‌های مالی به آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک<sup>۱</sup> (آنروا) را قطع نمود. در

1. United Nations Relief and Works Agency for Palestine Refugees in the Near East

این فرمان، ترامپ دلیل خود برای این تصمیم را این گونه بیان می‌کند «طبق گزارش‌ها، آنروا، توسط اعضای گروه‌هایی که مدت‌هاست توسط وزیر امور خارجه (وزیر) به عنوان سازمان‌های تروریستی خارجی تعیین شده‌اند، نفوذ کرده است و کارمندان آنروا در حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ دست داشتند...»<sup>۱</sup>

فرمان اجرایی اخیر دونالد ترامپ در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۵ مبنی بر قطع کامل کمک‌های مالی ایالات متحده به آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی (آنروا)، نه تنها اقدامی مغایر با اصول اولیه حقوق بشر و قوانین بین‌المللی بشردوستانه محسوب می‌شود، بلکه به روشنی بیانگر حمایت ساختاریافته و نظام‌مند واشنگتن از جنایت‌های رژیم صهیونیستی علیه ملت مظلوم فلسطین است. این اقدام در شرایطی صورت می‌گیرد که میلیون‌ها آواره فلسطینی برای تأمین نیازهای اولیه زندگی خود از جمله غذا، آموزش، بهداشت و سرپناه، به خدمات آنروا وابسته‌اند. قطع این کمک‌ها به معنای محروم‌سازی عمده یک ملت دردمند از حقوق اولیه انسانی است و آشکارا با اهداف بشردوستانه‌ای که آمریکا مدعی آن است، در تضاد کامل قرار دارد.

همانطور که بیش از ۳۰ کارشناس مستقل سازمان ملل در نامه‌ای که اوایل سالجاری میلادی به ایالات متحده ارسال کردند، اشاره کردند، تصمیمات آمریکا برای تعلیق کمک‌های خارجی «با فقدان شفافیت و وضوح، عدم مشورت، به ویژه با سازمان‌های جامعه مدنی داخلی و دیگر انجمن‌های متأثر... و اقدامات به ظاهر خودسرانه و گسترده‌ای که به جای رویکردهای قانونی، لازم، متناسب و اندازه‌گیری شده که به روند قانونی و حاکمیت قانون احترام می‌گذارند، اتخاذ شده‌اند، همراه بوده است. بر اساس نظر این کارشناسان مستقل، اقدامات مقامات آمریکایی «عمیقاً بر اعمال آزادی تشکیل انجمن‌ها و سایر حقوق تأثیر می‌گذارد» و ممکن است به آسانی منجر به انحلال دامنه وسیعی از سازمان‌های

1. <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/02/withdrawing-the-united-states-from-and-ending-funding-to-certain-united-nations-organizations-and-reviewing-united-states-support-to-all-international-organizations>

جامعه مدنی شده و به تبع آن فضای مدنی در چندین کشور کوچک‌تر شود. از زمان امضای دستور اجرایی شماره ۱۴۱۶۹ توسط رئیس‌جمهور آمریکا در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ که کمک‌های خارجی را تا پایان بررسی معلق کرده است، تقریباً هر ساعت نزدیک به ۱۰۰ نفر جان خود را از دست می‌دهند. این کارشناسان در نامه‌ای به دولت آمریکا خواستار واکنش فوری شدند. برآوردها حاکی از بیش از ۳۵۰ هزار کشته ناشی از قطع کمک‌ها است که بیش از ۲۰۰ هزار نفر از آنها کودک هستند. به گفته این کارشناسان؛ تصمیم تأسفبرانگیز دولت آمریکا برای تعلیق کمک‌های خارجی یک وضعیت اضطراری انسانی است، نه صرفاً یک تغییر سیاست. آمار جدید ارائه شده به کارشناسان، تأثیر مخرب توقف کمک‌های آمریکا و کاهش بودجه سازمان‌های ملل را نشان می‌دهد. صندوق جمعیت سازمان ملل (UNFPA) تخمین زده که حداقل ۳۲ میلیون نفر دسترسی به خدمات سلامت جنسی و باروری خود را از دست خواهند داد. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) اعلام کرده که ۱۲.۸ میلیون آواره ممکن است خدمات بهداشتی حیاتی را از دست بدهند، و سازمان بین‌المللی مهاجرت می‌گوید ۱۰ میلیون نفر ممکن است از دریافت کمک‌های اضطراری محروم شوند.

بر اساس گزارش گزارشگر ویژه تجمعات مسالمت آمیز، کاهش بی سابقه کمک‌های بین‌المللی، معماری جهانی حقوق بشر و توسعه را در بلاتکلیفی عمیقی قرار داده است و تهدیدی وجودی برای کل اکوسیستم فضای مدنی ایجاد کرده و دهه‌ها دستاورد را تهدید می‌کند و حقوق بشر و تلاش‌های بشردوستانه را به خطر می‌اندازد و در نتیجه میلیون‌ها نفر را که به نیازهای بشردوستانه وابسته هستند در معرض خطر قرار می‌دهد و منجر به میلیون‌ها مرگ قابل پیشگیری می‌شود.

بحران کمک‌های جهانی پس از آن تشدید شد که ایالات متحده آمریکا به طور خودسرانه و ناگهانی کمک‌های خارجی را مسدود یا قطع کرد و آژانس

توسعه بین المللی ایالات متحده (و اخیراً دفتر دموکراسی، حقوق بشر و کار) را پس از صدور چندین فرمان اجرایی توسط رئیس جمهور آمریکا از ژانویه ۲۰۲۵ منحل کرد.<sup>۱</sup> دولت ایالات متحده با دامن زدن به بدنام‌سازی کمک‌های خارجی به منظور توجیه قطع آن‌ها، باعث افزایش کارزارهای تخریبی علیه اصل کمک‌رسانی، کارکنان و نهادهای امدادی، و دریافت‌کنندگان کمک‌ها، از جمله سازمان‌های جامعه مدنی در سراسر جهان شده است. این روند موجب تقویت و جسور شدن عواملی شده که جامعه مدنی را تهدید می‌کنند. در نتیجه، سازمان‌های جامعه مدنی هدف محدودیت‌های قانونی، جرم‌انگاری و تحقیقات مزاحم قرار گرفته‌اند و با فرسایش اعتماد عمومی روبه‌رو هستند. این وضعیت اغلب با روایت‌های دولتی و رسانه‌ای پشتیبانی می‌شود که سازمان‌های غیردولتی و فعالان حقوق بشر را به عنوان «عوامل خارجی»، «مجرم» یا «تهدید امنیتی» معرفی می‌کنند. اتهامات بی‌اساس دولت ایالات متحده و سیاستمداران ارشد که کمک‌های خارجی را به پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم مرتبط می‌کنند، باعث شده است تا فعالان جامعه مدنی تحت تهدید، تحقیقات و نظارت گسترده قرار بگیرند.<sup>۲</sup>

سازمان ملل متحد در گزارشی تکان‌دهنده اعلام کرد که با قطع کمک‌های ۴ میلیارد دلاری آمریکا در زمینه مبارزه با اچ‌آی‌وی، جهان با خطر مرگ بیش از ۴ میلیون نفر و ابتلای ۶ میلیون نفر دیگر به این بیماری تا سال ۲۰۲۹ روبرو است. برنامه پِپفار (PEPFAR) که طی سال‌های گذشته نقشی حیاتی در نجات جان بیش از ۲۰ میلیون نفر داشته، پس از دستور رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر توقف کمک‌های خارجی، به‌طور ناگهانی متوقف شده است. این برنامه تأمین‌کننده ۹۹.۹ درصد داروهای پیشگیری از اچ‌آی‌وی در کشورهایی مانند نیجریه بوده است. پیامدهای این تصمیم هم‌اکنون در مناطق آسیب‌پذیر جهان قابل مشاهده

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

2. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219



است. کلینیک‌های درمانی در آفریقا و آسیا که بیشترین آمار ابتلا به اچ‌آی‌وی را دارند، در حال تعطیلی هستند و هزاران بیمار از دسترسی به خدمات درمانی محروم شده‌اند. مدیر برنامه ایدز سازمان ملل (UNAIDS) با ابراز نگرانی عمیق از این وضعیت اظهار داشت: «در حالی که با کمک داروهای نوین مانند سانلکا به پایان دادن به بحران ایدز نزدیک شده بودیم، متأسفانه ایالات متحده در حال کناره‌گیری از این مبارزه جهانی است.

گفتنی است، نظرسنجی‌های جهانی درباره تأثیر تعلیق کمک‌های توسعه‌ای ایالات متحده به طور مداوم نشان داده‌اند که سازمان‌هایی که پیش‌تر به طور مستقیم و یا غیرمستقیم توسط آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) تأمین مالی می‌شدند، اکنون برای بقا مبارزه می‌کنند و برنامه‌های آنها به طور گسترده‌ای مختل شده است. این سازمان‌ها گزارش داده‌اند که منابع مالی بسیار محدودی برای ادامه فعالیت دارند و در معرض تعطیلی دائمی قرار دارند. بسیاری مجبور شده‌اند فوراً فعالیت‌های خود را متوقف کنند، کارکنان خود را اخراج کنند (در برخی موارد بیش از ۸۰ درصد از کارکنان سازمان‌های غیردولتی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند) و فعالیت‌های خود را به طور قابل توجهی کاهش دهند، که این موضوع باعث شده جوامع محلی از خدمات حیاتی و نجات‌بخش محروم شوند. سازمان‌های غیردولتی ملی و محلی به‌ویژه آنهایی که در فضاهای مدنی محدود و مناطق درگیر فعالیت می‌کنند، بیشترین آسیب را دیده‌اند.<sup>۱</sup>

بر اساس نظرسنجی انجام‌شده در تاریخ ۱۸ فوریه ۲۰۲۵، دولت ایالات متحده میلیون‌ها دلار به سازمان‌های غیردولتی بدهکار است که این موضوع تأثیر مستقیمی بر نقدینگی و توان مالی آنها گذاشته است. ۵۵ درصد از سازمان‌های غیردولتی گزارش داده‌اند که این وضعیت تأثیر منفی بر منابع انسانی آنها داشته است، ۶۷ درصد اعلام کرده‌اند که خدمات حیاتی خود را یا کاهش داده‌اند یا به‌طور کامل متوقف کرده‌اند؛ این امر میلیون‌ها فرد و جامعه

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

آسیب‌پذیر را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از نتایج کلیدی این نظرسنجی این بود که دستاوردهای دهه گذشته در زمینه پاسخگویی، هماهنگی و بهره‌وری در حال از بین رفتن است. این یافته‌ها نشان‌دهنده عواقب شدید و سیستماتیک تعلیق ناگهانی کمک‌های آمریکا است، که نه تنها بر سازمان‌های غیردولتی بلکه بر زندگی میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تأثیر گذاشته است.

وضعیت وخیم‌تر شده است زیرا سازوکارهای چندجانبه با کاهش عمدی بودجه و تضعیف سیستماتیک مواجه هستند. سازمان ملل متحد با کاهش بودجه بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده است، چرا که کشورها نتوانسته‌اند سهم خود را برای سال ۲۰۲۵ پرداخت کنند و بارها نیز در پرداخت به موقع دچار تأخیر شده‌اند، ایالات متحده به‌عنوان بزرگ‌ترین بدهکار، از پرداخت سهم مالی خود به سازمان ملل خودداری کرده و این موضوع تأثیر منفی قابل توجهی بر عملکرد و پایداری مالی این نهاد بین‌المللی گذاشته است.

یک نظرسنجی از سازمان‌های جامعه مدنی فعال در زمینه مبارزه با فساد، که توسط ائتلاف دوستان جامعه مدنی کنوانسیون سازمان ملل علیه فساد در سه ماهه اول سال ۲۰۲۵ انجام شد، نشان داد که توقف ناگهانی بودجه توسط ایالات متحده تأثیرات قابل توجه و فوری بر سازمان‌های غیردولتی فعال در مبارزه با فساد داشته است.<sup>۱</sup>

1. Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association, A/80/219

## نتیجه گیری

بررسی جامع عملکرد ایالات متحده آمریکا در حوزه حقوق بشر، هم در سطح داخلی و هم در عرصه بین‌المللی، بیانگر این است که ادعاهای این کشور در زمینه دفاع از حقوق بشر با چالش‌های جدی از منظر حقوق بین‌الملل و اصول جهانی حقوق بشر مواجه است. شواهد متعدد حاکی از آن است که ایالات متحده به‌صورت نظام‌مند و مستمر، رویکردی دوگانه، ابزاری و گزینشی نسبت به مفاهیم و سازوکارهای حقوق بشری در پیش گرفته و از آن به‌عنوان ابزاری سیاسی و ژئوپلیتیکی در راستای تأمین منافع ملی و سلطه‌گرایی خود استفاده می‌کند.

در حوزه داخلی، نقض‌های گسترده و مستند حقوق بشر شامل نابرابری نژادی ساختاری، خشونت نظام‌مند پلیس علیه اقلیت‌ها، نقض حقوق مهاجران، زندانیان، زنان، کودکان، بومیان و اقشار محروم، و محدودسازی آزادی‌های بنیادین از جمله آزادی بیان و حق تجمع مسالمت‌آمیز، همگی نشان‌دهنده وضعیت وخیم رعایت حقوق بشر در داخل این کشور هستند. بسیاری از این موارد با گزارش‌های نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، از جمله شورای حقوق بشر سازمان ملل، گزارشگران ویژه سازمان ملل و ... مورد تایید است.

در سطح بین‌المللی نیز، مداخلات نظامی، اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و اقدامات بی‌ثبات‌کننده در کشورهای مستقل، حمایت بی‌قید و شرط از رژیم اسرائیل در ارتکاب نقض‌های فاحش حقوق بشری علیه مردم فلسطین، به‌ویژه در غزه، گویای آن است که ایالات متحده از سازوکارهای حقوق بشر صرفاً در مواقعی بهره‌برداری می‌کند که در راستای منافع سیاسی و استراتژیک خود باشد. این رویکرد نه‌تنها با اصول بنیادین منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مغایرت دارد، بلکه موجب تضييع اعتبار و کارکرد نهادهای بین‌المللی نیز می‌شود.